



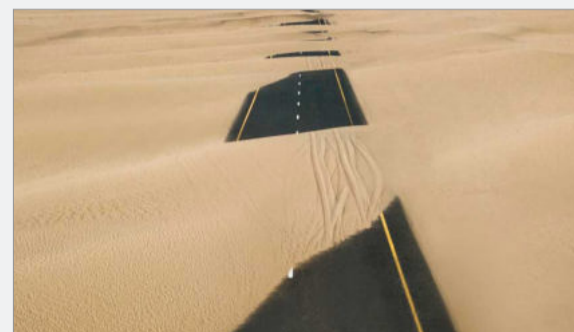
## جمهوری اسلامی در انتظار ورود جو بایدن به کاخ سفید



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

● در انتظار نتیجه نهایی انتخابات بحث برانگیز آمریکا، جمهوری اسلامی فعالیتهای هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد. این در حالیست که منافع ملی آمریکا در صدر سیاست‌های هر دو حزب جمهوریخواه و دمکرات قرار دارد.

### تجربهای فراتر از حزب و فرد و رسانه‌ها



مناقشه بر سر انتخابات آمریکا ادامه دارد. صرف نظر از اینکه نتیجه چه باشد و چه کسی برای چهار سال آینده ساکن کاخ سفید شود، موضوع طرح تقلب و سوء استفاده از رای به شکلی که ممکن باشد نتیجه‌ی انتخابات را تغییر دهد، برای جوامع باز بسیار مهم است و دموکراسی‌ها و مدافعان آنها در کشورهای مختلف می‌بایست بسی فراتر از منافع گروهی و حزبی و تمایلات شخصی درباره آن تأمل کنند زیرا به ویژه در عصر دستکاری‌های الکترونیکی، تبدیل تقلب و یا ادعای تقلب، به یک رویه، برای همه دموکراسی‌ها خطرناک است. ....

ادامه در صفحه ۱۲

### با اسم رمز «معیشت مردم» نبرد برای خوردن و بردن بیشتر از «سفره انقلاب»!

مردم ایران از ابتدای سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع ویروس کرونا و وخیم‌تر شدن مشکلات اقتصادی، فشار بیشتری را متحمل می‌شوند. اخراج گسترده نیروی کار و تعطیلی بسیاری از کسب و کارهای کوچک سبب شده میلیون‌ها خانواده با کاهش درآمد روبرو شوند و برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی زیر فشارهای شدید قرار بگیرند. از سوی دیگر در حالی که بیماری کووید ۱۹ روند عادی زندگی و شرایط روانی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داده، از تصمیمات لازم و کارشناسی‌شده برای مهار بیماری خبری نیست و آنچه نیز به عنوان «تدبیر» و «راهکار» اعلام می‌شود عمدتاً یا نوشدارو پس از مرگ سهراب است و یا اصلاً اجرا نمی‌شود.

رئیس ستاد به اصطلاح ملی مقابله با کرونا، حجت‌الاسلام حسن روحانی، تا چند ماه پس از شیوع کرونا از بازگشت زندگی به روال عادی خبر می‌داد و پرآوردی کاملاً برعکس از روند آبی‌دیمی کرونا در ایران داشت. مقامات اجرایی حاضر در این ستاد نیز غالباً افرادی بی‌عمل هستند که با گوش و چشم به ارزیابی‌های غلط رئیس دولت دارند و یا به مداحی «هبر» مشغولند. کارشناسان پزشکی و علمی حاضر در این ستاد نیز از سوی مقامات حکومتی نادیده گرفته می‌شوند و به گفته انوشیروان محسنی بندپی استاندار تهران طرح‌های کارشناسان در ستاد ملی کرونا از سوی افراد «غیرمتخصص» وتو می‌شود.....

ادامه در صفحه ۱۲

دونالد ترامپ: رسانه‌ها از کاهش ۸۵ درصدی مرگ و میر کرونا در آمریکا کمتر صحبت می‌کنند

معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا: دولت ترامپ مایل به مذاکره مستقیم با رژیم ایران بود اما تهران نپذیرفت

پرسکت انگلیسی، جلیقه‌زردهای فرانسه و بحران انتخابات آمریکا! واکنش ناگزیر آسیب‌دیدگان در برابر گلوبالیسم

مرد روز: عوارض وحشتناک دندان پوسیده بر بدن

زن روز: بایدها و نبایدهای روش صحیح حمام کردن

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۹۶) - احمد احرار اورشلیم پست: کدام دو شورای رقیب منتظر حکومت در ایران هستند؟

کیهان منتشر کرد: سقوط بهشت



چه کسانی از بازگشت احتمالی آمریکا به برجام نفع می‌برند؟ مخالفان چه می‌گویند؟



رسیده است. امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه و آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در پیام‌های تبریک خود به جو بایدن و کامالا هریس با انتقاد از سیاست دونالد ترامپ برای خروج از برجام در مورد همکاری با آمریکا در چارچوب توافق اتمی اعلام آمادگی کردند.

اعلام پیروزی جو بایدن در انتخابات آمریکا امیدواری مقامات جمهوری اسلامی به بازگشت ایالات متحده به توافق اتمی را بیشتر کرده است. در اوج کشمکش‌های انتخاباتی در آمریکا ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد میزان ذخایر اورانیوم در ایران به بیش از ۱۲ برابر حد مجاز

وبسایت کیمهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHAN LIFE**

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

در گذشت با نهایت اندوه مرگ پدر نازنین و بزرگ خاندانمان را به آگاهی شما دوستان همدل و همراه می‌رسانیم.



### دکتر غلامحسین کاظمیان

دبیلومات برجسته‌ای که زندگی و عمر را وقف خدمت به ایران کرد و تا واپسین دم زندگی به آن سرزمین و مردمانش وفادار ماند، سحرگاه امروز (۱۴ نوامبر ۲۰۲۰) از میان ما رفت و اندوهی ماندگار برای ما بجا گذاشت. از آنجا که بلای کرونا مانع برگزاری مراسم تدفین و یادبودی در خور برای اوست از همه شما دوستان و یاران گرامی پوزش می‌خواهیم. برگزاری مراسم یادبود پدر به بهار آینده موکول می‌شود و به آگاهی همه دوستان گرامی خواهد رسید.

پریسا، آتوسا و نازیلا کاظمیان

● کیمهان درگذشت شادروان دکتر غلامحسین کاظمیان را به همه بازماندگان به ویژه خانواده محترم کاظمیان تسلیت می‌گوید.



## جمهوری اسلامی در انتظار ورود جو بایدن به کاخ سفید

**● در انتظار نتیجه نهایی انتخابات بحث‌برانگیز آمریکا، جمهوری اسلامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد. این در حالیست که منافع ملی آمریکا در صدر سیاست‌های هر دو حزب جمهوریخواه و دمکرات قرار دارد.**

«استاد تاریخ» لبنانی و دخترش توسط دو موتورسوار در خیابان پاسداران (سلطنت‌آباد سابق) تهران منتشر شد که توجه بسیاری را جلب نکرد. هفته گذشته نیویورک تایمز در گزارشی مبتنی بر اظهارات ۴ مقام امنیتی آمریکایی فاش ساخت که این فرد عبدالله احمد عبدالله مرد شماره دو القاعده بوده که با نام ابومحمد المصری شناخته شده است. مقتول دوم نیز مریم دختر ابومحمد المصری و بیوه‌ی حمزه یکی از پسران اسامه بن‌لادن بوده است که سال گذشته کشته شد. روزنامه اسرائیلی جروزالم پست نیز در گفتگو با دو منبع امنیتی این کشور خبر نیویورک تایمز را تأیید کرده است. دو نفری که ابومحمد مصری و دخترش را به قتل رسانده‌اند گویا هر دو از مامورین موساد نهاد امنیتی اسرائیل بوده‌اند. ابومحمد المصری و دخترش در سازماندهی دو عملیات تروریستی در آمریکا دست داشته‌اند. رسانه‌های اسرائیل می‌نویسند ترور این دو نفر به خواست آمریکا انجام گرفته است.

انتشار این خبر پس از اعلام غیررسمی پیروزی جو بایدن، در کنار گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به گفته برخی از مفسران می‌تواند نوعی فشار بر رئیس جمهوری آینده آمریکا باشد که در جریان کارزار انتخاباتی وعده‌ی بازگشت به برنامه را داده بود. البته جو بایدن در گفتگو با نیویورک تایمز و مقاله‌ای که در تارنمای شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان منتشر شده، این بازگشت را مشروط اعلام کرده است. جو بایدن می‌نویسد: «اگر ایران کاملا خود را با توفق هسته‌ای انطباق دهد، ایالات متحده هم به عنوان نقطه شروع مذاکراتی دیگر به توافق باز خواهد گشت.» در گفتگو با نیویورک تایمز نیز جو بایدن خواهان اجرای کامل برنامه و حتا مقدمه‌ی آن از سوی جمهوری اسلامی شده بود. یادآوری می‌شود که متن توافقنامه هسته‌ای به تعهدات جمهوری اسلامی برای تأمین امنیت و ثبات در خاورمیانه نیز اشاره کرده است.

**نگرانی‌های مشترک دو سوی اقیانوس آتلانتیک**



مذاکرات در مورد دیگر مشکلات چون حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی در منطقه و برنامه‌های موشکی‌اش از جمله خواست‌های کشورهای اروپایی عضو برجام نیز هست. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا که اخیرا با رئیس جمهوری فرانسه در پاریس ملاقات داشته است در گفتگو با روزنامه فرانسوی فیگارو می‌گوید رئیس جمهوری فرانسه نیز معتقد است که «شرایط سال ۲۰۲۰ با سالی که برجام امضا شد متفاوت است.» مایک پمپئو در ادامه می‌افزاید «انتظارات فرانسه، آلمان و بریتانیا از ایران با انتظارات آمریکا سازگاری بسیار دارد، حتا اگر درباره راه‌های

### سرمقاله

## تجربه‌ای فراتر از حزب و رسانه‌ها

دو حزب بزرگ «دمکرات مسیحی» و «سوسیال دمکرات» روپهم تقریبا ۸۲۵ هزار عضو دارند! مجموع اعضای هفت حزبی که ممکن است به پارلمان سراسری و یا محلی راه پیدا کنند حدود یک میلیون و ۲۲۱هزار نفر است! یعنی اکثریت رأی‌دهندگان اساسا عضو هیچ حزبی نیستند.

در آمریکا با حدود ۳۳۰ میلیون جمعیت، بر اساس مشارکت ۶۶.۶ درصدی انتخابات امسال یعنی حدود ۲۴۰ میلیون واجد شرایط رای دادن ثبت‌شده در این کشور وجود دارد. دو حزب «جمهوریخواه» و «دمکرات» با هم حدود ۷۹ میلیون عضو دارند و بقیه احزاب تقریبا به حساب نمی‌آیند؛ یعنی دو سوم شهروندان یا عضو هیچ حزبی نیستند و یا عضو احزاب بی‌نقش‌اند.

به این ترتیب، با وجود تمامی ساز و کارهای لازم دموکراسی در جوامع باز، حتی در این جوامع نیز «رای» صرف نظر از اینکه به سود چه حزب و کدام فرد به صندوق ریخته شود، بازتاب خواست «اکثریت رأی‌دهنده» است و نه الزاما «اکثریت شهروندان»! بعلاوه، «اکثریت رأی‌دهنده» نیز به

مناقشه بر سر انتخابات آمریکا ادامه دارد. صرف نظر از اینکه نتیجه چه باشد و چه کسی برای چهار سال آینده ساکن کاخ سفید شود، موضوع طرح و تقلب و سوء استفاده از رأی به شکلی که ممکن باشد نتیجه‌ی انتخابات را تغییر دهد، برای جوامع باز بسیار مهم است و دموکراسی‌ها و مدافعان آنها در کشورهای مختلف می‌بایست بسی فراتر از منافع گروهی و حزبی و تمایلات شخصی درباره آن تأمل کنند زیرا به ویژه در عصر دستکاری‌های الکترونیک، تبدیل تقلب و یا ادعای تقلب، به یک رویه، برای همه دموکراسی‌ها خطرناک است.

روشن است که در جوامع باز و کشورهای دمکراتیک، احزاب فقط کسری از جمعیت بزرگسال را متشکل می‌کنند. بیشتر شهروندان عضو هیچ حزبی نیستند اما به عنوان رأی‌دهنده در سرنوشت کشور و جابجایی قدرت بین احزاب نقشی تعیین‌کننده بازی می‌کنند.

برای نمونه آلمان حدود ۸۳ میلیون جمعیت و ۶۱میلیون و اندی واجد شرایط رای دادن دارد. حال آنکه

### یسترو

**از صفحه ۱**

محمدرضا هاشمیان فوق تخصص آی‌سی‌یو و عضو کمیته علمی این ستاد نیز چند روز پیش اعلام کرد که به دلیل مخالفت با نظرات مسئولان عذر او را از کمیته علمی این ستاد خواسته‌اند.

به بیان دیگر ستاد عریض و طویل مقابله با کرونا یعنی یک جمع پرادعا و ناتوان که جلسات هیئتی برگزار می‌کنند و هیچ نتیجه و دستاورد کارآمدی ندارند.

آنچه در ستاد ملی مبارزه با کرونا جریان دارد، مشتی نمونه خروار از وضعیت مدیریت بخش‌های مختلف کشور طی چهار دهه گذشته است. افرادی ناشایست دستور می‌دهند و تکلیف تعیین می‌کنند و افراد شایسته یا حذف می‌شوند یا صدایشان از سوی مسئولان و مقامات شنیده نمی‌شود. نتیجه این روند همین انحطاط فراگیر و روند فقهرقایی اqvاد است که همزمان جامعه و فرهنگ نیز در آن فرو رفته و غرق می‌شود.

**بحران تمام‌عیار و جنگ قدرت جناح‌ها**

شیوع کرونا و مشکلات مزمن ساختاری اقتصاد ایران، فشارهای مالی و معیشتی افشار متوسط، ضعیف و تنگدست را افزایش داده است.

فساد ناشی از تخصیص رانت ارز، روند واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه را با مشکل روبرو کرده و از سوی دیگر نبود درآمدهای نفتی و خالی شدن خزانه، نتیجه عملکرد مقامات جمهوری اسلامی و حفره‌های عمیق در اقتصاد کشور را بیش از پیش نمایان کرده است.

در شرایط یک بحران تمام عیار که می‌تواند به فروپاشی اقتصادی کشور منتهی شود، مقامات جمهوری اسلامی بجای اینکه با عمل به وظایف خود سبب بهبود اوضاع شوند، بر حرص زدن جهت کسب منافع بیشتر تمرکز کرده‌اند. نه تنها این، بلکه قوای سه‌گانه نظام بطور کلی بجای انجام وظایف خود و خدمتگزاری به جامعه، با دخالت در کار یکدیگر مرتب به تخریب و رقابت جناحی مشغول هستند.

نزدیک شدن سیزدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری نیز مزید بر علت شده تا جریان‌ها و جناحین حکومتی برای تسخیر رانت‌پرورترین نهاد جمهوری اسلامی یعنی «دولت» خیز بردارند.

بر چنین بستریست که درگیری میان «مجلس انقلابی» و «دولت تدبیروامید» که چند ماهی بیشتر به عمرش نمانده رو به افزایش است. نمایندگان مجلس یازدهم که بیشتر آنها از اصولگرایان منتقد و رقیب دولت به شمار می‌روند، با شعارهای دهان‌پرکن درباره مبارزه با فساد،

### با اسم رمز «معیشت مردم» نبرد برای خوردن و بردن بیشتر از «سفره انقلاب»!

برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و پاسخگویی به مطالبات اقتصادی مردم روی کار آمدند اما از بدو حضور در صحن مجلس شورای اسلامی به شاخ و شانه کشیدن برای دولت مشغول شدند بدون آنکه کاری برای همان رأی‌دهندگان حوزه انتخاباتی خود کرده باشند!

خروجی عملکرد نمایندگانی که خود را تشکیل‌دهندگان «مجلس انقلابی» می‌دانند در حوزه اقتصادی «هیچ» بوده‌است. اظهارات و انتقادات آنها تنها ابزاری برای تخریب دولت است و حتی از این رقابت نیز نمی‌توانند برای راندن دولت به مسیر درست استفاده کنند.

از آنسو، دولت نیز وارد دور لجبازی با مجلس شورای اسلامی شده بطوری که رسانه‌های داخلی پر از اظهارات مقامات دولتی و نمایندگان مجلس علیه یکدیگر است. آنها در این رقابتی که به صورت عمومی به صحنه برده‌اند نیز حاضر نیستند با عمل مثبت و خدمت به مردم، حریف را در افکار عمومی به زمین بزنند! بلکه همگی روش اتهام‌زنی و برچسب و موج تبلیغات منفی علیه همدیگر را به کار می‌بندند.

در این میان وضعیت «معیشت مردم» به یکی از ابزار طرفین برای کوبیدن هم تبدیل شده است! یکی از مضحک‌ترین و تأسف‌بارترین اقداماتی که در این زمینه انجام گرفته، کمک معیشتی به مردم تنگدست برای تهیه نیازهای غذایی است.

مجلس شورای اسلامی اواخر تابستان امسال طرح «تأمین کالاهای اساسی» را تصویب کرد که بر اساس آن قرار بود به ۶۰ میلیون ایرانی، معادل ۷۵ درصد از جمعیت کشور، یارانه‌ای به صورت کوپن الکترونیک برای تأمین مواد غذایی پرداخت شود.

دولت از ابتدا با این طرح اعلام مخالفت کرد و گفت نه منابع مالی برای انجام طرح موجود است و نه امکان ارائه کارت‌های الکترونیک. این طرح اما پس از تصویب در مجلس راهی شورای نگهبان شد اما شورای نگهبان نیز هفته گذشته با فشار دولت و به دلیل «نبود منابع کافی» این طرح را رد کرد.

با اینهمه، حسن روحانی دو روز پس از رد این طرح، در جلسه هیئت دولت از طرحی مشابه برای کمک به افشار تنگدست رونمایی کرد و گفت این طرح از پایان آذرماه اجرا خواهد شد!

**عدالت به سبک قوه قضائیه با اعدام معترضان و آزادی فاسدان اقتصادی**

در این میان، قوه قضائیه نیز در کنار قوای مقننه و مجریه به صحنه تئاتری تبدیل شده که ابراهیم رئیسی رقیب انتخاباتی حسن روحانی در سال ۱۳۹۶ شعارهای مبارزه با فساد را فراموش کرده و در حال توسعه‌ی باند خودش

### کمیجان

«رأی‌دهندگان برنده» و «رأی‌دهندگان بازنده» تقسیم می‌شود! حالا اگر در یک دموکراسی، ادعای تقلب، آنهم تقلب سازمانیافته، مطرح شود، از دو حال خارج نیست: یا درست است یا نادرست! راه برتر برای اینکه به همین دموکراسی مبتنی بر آرای اکثریت رأی‌دهنده خدشه وارد نشود، بررسی حقوقی و بی‌طرفانه‌ی این ادعاست.

اگر نتیجه‌ی بررسی‌ها، ادعای تقلب سازمانیافته را رد کند، از آرای رأی‌دهندگان صیانت شده و به تقویت دموکراسی می‌انجامد.

اگر نتیجه‌ی بررسی‌ها، ادعای تقلب سازمانیافته را تأیید کند، باز هم از آرای رأی‌دهندگان صیانت شده و به تقویت دموکراسی می‌انجامد!

کدام مدافع دموکراسی می‌تواند مخالف هر کدام از این دو نتیجه باشد؟! جوامع مبتنی بر دموکراسی و مشارکت شهروندی، راه خود را از میان مشکلات و بحران‌ها باز می‌کنند. آنچه در انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده می‌گذرد، فرصتی بی‌همتا برای ورزش فکریست.

است.

سیندبراهیم رئیسی پس از آنکه در اسفند ۱۳۹۷ از سوی علی خامنه‌ای به ریاست قوه قضائیه منصوب شد، در ابتدا یک پاکسازی در سطح مدیران حلقه اول این قوه انجام داد که در اصل برای جایگزینی مهره‌های خودش ضروری به نظر می‌رسید!

او در حالی که تلاش می‌کند با کمک وزارت اطلاعات و سازمان سیاسی و سپاه عرصه را بر فعالان سیاسی و مدنی و صنفی تنگ‌تر کند و حتی معترضان خیابانی را بالای چوبه دار بفرستد، اما اعضای مافیاهای اقتصادی از زیر دستش رد شده و به فعالیت خود را ادامه می‌دهند. رئیسی البته در کار دولت و مجلس نیز دخالت کرده و راهکارهای اقتصادی جهت بهبود وضعیت خانواده‌های نیازمند ارائه می‌دهد!

رئیس قوه قضائیه در حالی از «بحران معیشت مردم» سخن می‌گوید که متهمان فساد اقتصادی نه تنها آزادانه مشغول فعالیت هستند بلکه یکی از آنها با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرارداد کلان نیز می‌بندد.

مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی از جمله مفسدان اقتصادیست که با وثیقه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در بیرون از زندان بسر می‌برد. این متهم عضو «حلقه کرمان» همچنان شبکه مافیایی و رانتخواری خود را با قراردادهای میلیاردی فعال نگه می‌دارد. مهدی جهانگیری هفته گذشته قراردادی به ارزش ۲۰ هزار میلیارد تومان یا قرارگاه «خاتم الانبیا» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امضا کرد که سومین قرارداد کلان وی با سپاه پاسداران پس از سپردن وثیقه و آزادی موقت از زندان است! قابل توجه اینکه نهاد بازداشت‌کننده مهدی جهانگیری در مهرماه ۱۳۹۶ سازمان اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی بود؛ همکاری تنگاتنگ اقتصادی مهدی جهانگیری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد مقامات نظام اگرچه در جریان‌ها و جناحین مختلف دیده می‌شوند اما به عنوان سرنشینان «کشتی نظام» همگی مشترک‌المنافع هستند.

قابل توجه است که جمهوری اسلامی نه تنها جدا در حوزه بین‌الملل بحران آفرین و ناسازگار و تنش‌زاست بلکه در عرصه داخلی نیز تا گلو به فساد آلوده است و علیه منافع مردم حرکت می‌کند و در این راه «فقر» و «فلاکت» را عامدانه به جامعه تحمیل می‌کند.

در این میان، مردم بیشترین هزینه‌ها را بابت ساختار فاسد و معیوبی می‌پردازند که مقاماتش همچنان به خوردن و بردن هرچه بیشتر از «سفره انقلاب» ادامه می‌دهند.

**روشنگ آسترکی**



## فاکس نیوز: اف بی آی تحقیقات در مورد ادعای تقلب در انتخابات را آغاز کرده است



تجمع هواداران ترامپ

در مورد تقلب در انتخابات را رد کرده بودند اما اکنون نهادهای امنیتی آمریکا ادعاهای کمپین ترامپ را پیگیری می‌کنند. این در حالیست که پایگاه خبری واشینگتن اگز منبر می‌نویسد اف بی آی هیچ پاسخی در مورد انجام این تحقیقات نداده و حاضر به رد یا تایید خبر مربوط به انجام تحقیقات ویژه روی انتخابات نشده است.

جیسون چافتز رئیس پیشین کمیته نظارت مجلس نمایندگان آمریکا که در انتخابات ۲۰۲۰ مسئول کمیته انتخابات جمهوریخواهان در ایالت یوتا بوده به فاکس نیوز گفته که FBI در حال تحقیق روی «سوء استفاده‌های بسیار عجیب و غریب» در انتخاب است. او معتقد است تعداد زیادی از آراء «دستکاری» شده‌اند.

جمهوریخواهان همچنین ادعا می‌کنند مدارک زیادی برای اثبات تقلب در انتخابات دارند اما چون مسئله در سطح امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد از انتشار عمومی آن خودداری می‌کنند. یکی از استدلال‌های آنها در مورد احتمال تقلب بر اساس مقایسه پراکندگی آراء ایالتی در انتخابات نمایندگان دو حزب است به این معنی که بین ترجیح رأی‌دهندگان در انتخاب نامزد ریاست جمهوری و نامزدهای نمایندگی دو حزب تفاوت دیده می‌شود.

بر اساس شمارش آراء و گرافیکی که رسانه‌ها از جمله سی‌ان‌ان (CNN) و فاکس نیوز ارائه داده‌اند افرادی که در انتخابات به نمایندگان جمهوریخواهان (قرمز) رأی داده‌اند، در انتخابات ریاست جمهوری به جو بایدن نامزد دموکرات‌ها رأی داده‌اند! این موضوع قابل قبول نیست که رأی‌دهندگان در مناطق و ایالات خود به نماینده‌ها و سناتورهای جمهوریخواه (قرمز) رأی بدهند ولی نامزد دموکرات‌ها را برای ریاست جمهوری انتخاب کنند!

نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی پیش از این گزارش داده بودند که ترامپ به دنبال تغییر شماری از مقامات امنیتی است. آنها مدعی شدند او با این عزل و نصب‌ها به دنبال آن است که پست‌ها و مأموریت‌ها را به افرادی بسپارد که وفاداری آنها نسبت به خود مطمئن باشد.

اکنون حتی ادعا می‌شود شماری از مقامات امنیتی آمریکا پیش از برگزاری انتخابات از طرح دموکرات‌ها برای تقلب خبر داشتند اما اطلاع ندادند. به نظر می‌رسد ترامپ به رئیس فعلی CIA نیز شک دارد و چه بسا در روزهای آینده او شماری دیگر از مسئولان امنیتی آمریکا را برکنار کند.

پاسخی در مورد انجام این تحقیقات نداده و حاضر به رد یا تایید خبر مربوط به انجام تحقیقات ویژه روی انتخابات نشده است.

● **جیسون چافتز رئیس پیشین کمیته نظارت مجلس نمایندگان آمریکا که در انتخابات ۲۰۲۰ مسئول کمیته انتخابات جمهوریخواهان در ایالت یوتا بوده به «فاکس نیوز» گفته «سوء استفاده‌های بسیار عجیب و غریب» در انتخاب است. او معتقد است تعداد زیادی از آراء «دستکاری» شده‌اند.**

پس از آنکه سیدنی پاول عضو تیم حقوقی دونالد ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز مدعی شد مدارک و شواهد متعددی برای اثبات تقلب در انتخابات به دست نهادهای امنیتی آمریکا اف بی آی (FBI) و سی‌آی‌ا (CIA) رسیده، حالا برخی منابع گزارش می‌دهند که اف بی آی تحقیقات درباره این مدارک را آغاز کرده است.

لو دابز مجری برنامه «فاکس بیزنس» می‌گوید «از یک منبع بسیار معتبر» خبرهایی دریافت کرده که تیمی از FBI تحقیقات در مورد انتخابات ۲۰۲۰ را آغاز کرده است. البته آغاز تحقیقات توسط اف بی آی به معنای تأیید تقلب در انتخابات آمریکا نیست اما برخلاف ادعای دموکرات‌ها که مدعی بوده‌اند تیم ترامپ هیچ مدرکی برای اثبات تقلب ارائه نداده این خبر نشان می‌دهد که مدارک و شواهدی به دست نهادهای امنیتی آمریکا رسیده که آنها را قانع کرده تحقیقات در مورد احتمال تقلب را آغاز کنند.

در عین حال تغییر در لحن و گفتار کارشناسان و تحلیلگران حامی جو بایدن و تغییر عباراتی که در متن اخبار و گزارش‌های متمایل به بایدن از جمله CNN و آسوشیتدپرس و رسانه‌های مشابه ایجاد شده بیانگر احتیاط آنهاست. در حالی که این رسانه‌ها ادعای تقلب در انتخابات را با قاطعیت «دروغ» و «بی‌اساس» می‌خواندند اما اکنون محتاطانه و با تردید به آن می‌پردازند و به ویژه پس از آنکه کامالاهریس معاون بایدن برای تقویت تیم حقوقی او از طرفدارانش درخواست کمک مالی کرد. هفته پیش کمیته‌ای متشکل از مقامات ارشد وزارت امنیت داخلی، کمیسیون انتخابات و مقام‌های ایالتی آمریکا ادعاهای دونالد ترامپ

● **آغاز تحقیقات توسط اف بی آی به معنای تأیید تقلب در انتخابات آمریکا نیست اما برخلاف ادعای دموکرات‌ها که مدعی بوده‌اند تیم ترامپ هیچ مدرکی برای اثبات تقلب ارائه نداده این خبر نشان می‌دهد که مدارک و شواهدی به دست نهادهای امنیتی آمریکا رسیده که آنها را قانع کرده تحقیقات در مورد احتمال تقلب را آغاز کنند.**

● **تغییر در لحن و گفتار کارشناسان و تحلیلگران حامی جو بایدن و تغییر عباراتی که در متن اخبار و گزارش‌های متمایل به آسوشیتدپرس و رسانه‌های مشابه ایجاد شده بیانگر احتیاط آنهاست.**

● **پایگاه خبری «واشینگتن اگز منبر» می‌نویسد FBI هیچ**

## مذاکرات پمپئو با نتانیاها و وزیر خارجه بحرین در اورشلیم و گفتگوی تلفنی نتانیاها با جو بایدن



عبدالطیف رشید الزبانی وزیر خارجه بحرین، پنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل، مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، اورشلیم؛ ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰

سازنده بین اسرائیل و بحرین راه را برای طوع تازه‌های هموار خواهد کرد. الزبانی تأکید کرد باید در زمینه حل کشمکش‌ها میان فلسطینی و اسرائیل تلاش نمود تا بتوانیم به صلح دست یابیم و شکوفایی خاورمیانه را رقم بزنیم. گفتنی است پس از «پیمان ابراهیم» بین کشور اسرائیل و امارات متحده عربی همچنین در ماه سپتامبر گذشته به دنبال موافقت بحرین برای برقراری رابطه با اسرائیل، توافقنامه‌ای بین دو کشور در کاخ سفید در پایتخت آمریکا به امضا رسید.

در آن جلسه دونالد ترامپ، حمد بن عیسی پادشاه بحرین و نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل توافق کردند در هجدهم ماه اکتبر گذشته هفت یادداشت همکاری بین دو کشور شامل همکاری‌های مالی و اقتصادی به امضا رسید. در همین حال به نقل از دفتر پنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل با جو بایدن گفتگو کرده و گفته: روابط ویژه میان آمریکا و اسرائیل بخش اساسی از سیاست و امنیت آن کشور است. بایدن نیز اظهار داشته که عمیقاً به اسرائیل و امنیت این کشور متعهد است. آن دو همچنین توافق کردند به زودی با یکدیگر دیدار و در مورد موضوعات مختلف از جمله لزوم تقویت روابط گفتگو کنند. از سوی دیگر سه‌شنبه شب ۱۷ نوامبر

ساعاتی پیش از نشست وزاری خارجه آمریکا، بحرین و نخست‌وزیر اسرائیل در این کشور، دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران به دولت جمهوری اسلامی هشدار دادند به تندرهای حکومت توصیه کنند این روزها فکر گرفتن انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی را از سر بیرون کنند و برای جلوگیری از حمله آمریکا به ایران، از هرگونه حرکات تنش‌زا خودداری نمایند.

این دیپلمات‌ها اضافه کرده‌اند که نگران اقدام آمریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی در جریان دوره انتقالی دولت دونالد ترامپ هستند. مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده در آغاز سفر خود به هفت کشور در پاریس به روزنامه فیگارو گفت: واشنگتن به فشارها علیه ایران در هفته‌های آینده ادامه خواهد داد و سعی خواهد کرد با انجام اقداماتی مانع از مشکل‌آفرینی حکومت ایران برای منطقه خاورمیانه شود. روز چهارشنبه پس از آنکه حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی و «بنیاد مستضعفان» و شبکه‌ی عظیمی در ارتباط با آن به فهرست تحریم‌شدگان رژیم ایران از سوی آمریکا اضافه شد، مایک پمپئو با اشاره به کشتار معترضان ایرانی در آبان ۹۸ گفت: ما هرگز جنایات سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی را فراموش نمی‌کنیم.

● **«تا زمانی که تغییری در رفتار رژیم ایران دیده نشود در انزوا باقی خواهد ماند.»**

● **آمریکا وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را هم تحریم کرد.**

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰ در پایان دیدار و گفتگو با نتانیاها و عبدالطیف رشید الزبانی وزیر خارجه بحرین در اورشلیم به خبرنگاران گفت: تا زمانی که تغییری در رفتار رژیم جمهوری اسلامی دیده نشود، در انزوا باقی خواهد ماند. نخست‌وزیر اسرائیل هم تأکید کرد که صلح با بحرین بر مبنای درست و استواری بنا شده است. نتانیاها همچنین یادآور شد: در طول شش هفته سه موافقتنامه صلح امضا شده است و باید بگویم که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در برقراری صلح بین اسرائیل و بحرین نقش مهمی داشته است.

عبدالطیف رشید الزبانی وزیر خارجه بحرین نیز خاطر نشان کرد که نسبت به عملی شدن نکات مورد توافق با اسرائیل خوش‌بین هستیم و برای شروع پروازها میان بحرین و این کشور که قرار است در ماه دسامبر آغاز شود، دقیقه‌شماری می‌کنیم. وی افزود: همکاری‌های مثبت و

## سازمان ملل قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را تصویب کرد



اجباری علیه خود ابراز نگرانی شده است. سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به تصویب این قطعنامه ابراز تأسف کرده که بعضی از کشورها از جمله کانادا، حقوق بشر و ساز و کارهای بین‌المللی آن را ابزار پیشبرد مطامع و اغراض سیاسی خود می‌کنند. خطیب‌زاده اقدام دولت کانادا و دیگر بنیان این قطعنامه را مصادق بارز «سوء استفاده از مفاهیم و ارزش‌های متعالی حقوق بشری برای پیشبرد اغراض کوتاه‌بینانه سیاسی» و «فقد هرگونه وجهت و اثر قانونی» دانسته است.

خطیب‌زاده که سخنگوی یک نظام سرکوبگر است که سال گذشته در این روزها هزاران نفر را یقیناً قتل عام کرد و یا دستگیر کرده و به زندان انداخت، رأی ممتنع و منفی برخی کشورهای عضو سازمان ملل متحد را نشانه‌ای از «نازبایتی» این کشورها از «رویکرد ریاکارانه بنیان قطعنامه» خوانده و به دولت کانادا توصیه کرد: «بجای دلسوزی منافقانه برای حقوق بشر مردم ایران از همراهی با تروریسم اقتصادی

● **این قطعنامه از سوی کشورهای آمریکا، انگلستان، استرالیا، فرانسه، آلمان، ژاپن، پرتغال، لوکزامبورگ، سوئد، فنلاند، لهستان، اسلوانی، اسرائیل، ایتالیا، دانمارک و یمن مورد تأیید قرار گرفته و کشورهای روسیه، چین، کوبا، هند، عراق، افغانستان، ویتنام، پاکستان و سوریه رأی منفی به آن دادند.**

نشست سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۲۸ آبان ماه شصت و چهارمین قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران را با رأی ۷۹ کشور عضو تصویب کرد. سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۲۸ آبان ماه با رأی ۷۹ کشور عضو، شصت و چهارمین قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران را تصویب کرد. این قطعنامه به ابتکار کانادا، با ۷۹ رأی موافق، ۳۰ رأی مخالف و ۷۰ رأی ممتنع به تصویب رسید.

این قطعنامه از سوی کشورهای آمریکا، انگلستان، استرالیا، فرانسه، آلمان، ژاپن، پرتغال، لوکزامبورگ، سوئد، فنلاند، لهستان، اسلوانی، اسرائیل، ایتالیا، دانمارک و یمن مورد تأیید قرار گرفت و کشورهای روسیه، چین، کوبا، هند، عراق، افغانستان، ویتنام، پاکستان و سوریه رأی منفی به آن دادند. در قطعنامه سازمان ملل متحد علیه نقض آشکار حقوق بشر در ایران نسبت به افزایش اجرای احکام اعدام به ویژه اعدام نوجوانان و همچنین اعتراضات

اجرای مجازات اعدام به ویژه فعالان سیاسی و بر مبنای اعترافات اجباری، عدم دسترسی به وکیل انتخابی از سوی زندانیان سیاسی، اعدام کودکان، فشار بر اقلیت‌های مذهبی و بازداشت‌های گسترده معترضان اعتراضات آبان‌ماه و دی‌ماه سال گذشته ابراز نگرانی شده است.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی خواسته‌اند تا به بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و رفتار ظالمانه علیه زندانیان، مجازات معترضان اعتراضات مسالمت‌آمیز و حبس زندانیان سیاسی خاتمه دهد. در این قطعنامه از حکومت جمهوری اسلامی را که بر اساس قوانین بین‌المللی بازداشت آنها خودسرانه محسوب می‌شود، آزاد کند.

دولت کانادا نیز خواستار پایبندی جمهوری اسلامی به قوانین بین‌المللی شده و تأکید کرده که کانادا همچنان به دفاع از حقوق بشر متعهد است و به همکاری با متحدان بین‌المللی خود ادامه می‌دهد تا رژیم ایران مسئولیت اقدامات ضدانسانی خود را بپذیرد.

### کیهان شما، کیهان لندن

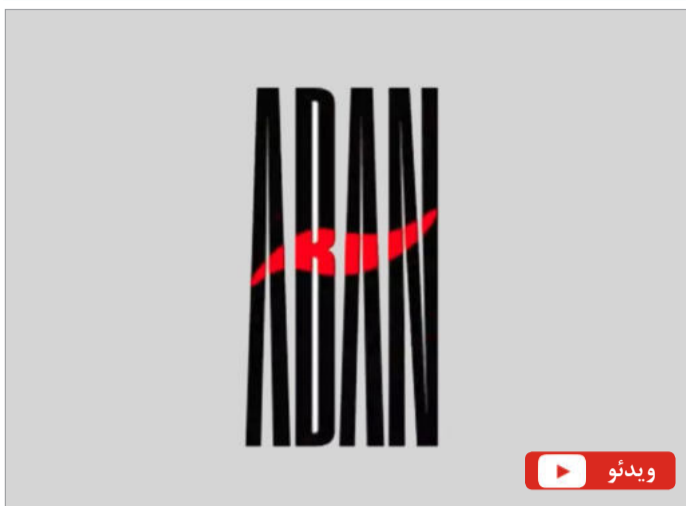
- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan\_london

### KAYHANLIFE

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription



## برگزاری دادگاه بین‌المللی مردمی آبان ۹۸ در بهمن ۹۹؛ برای حقیقت و دادخواهی



ویدئو

اسلامی و کسانی را که در سرکوب نقش داشتند محاکمه خواهند کرد. در این دادگاه مردمی از جمهوری اسلامی نیز دعوت خواهد شد با تیم حقوقی خود حضور پیدا کند.

احمد رأفت با حمید صبی حقوقدان ایرانی ساکن لندن که در این روزها سرگرم ثبت شکایت‌ها و شهادت‌هاست، گفتگویی انجام داده است.

هلند، دادگاه بین‌المللی مردمی آبان برگزار خواهد شد. هدف از برگزاری این نشست حقوقی سه روزه، بررسی عملکرد دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی در جریان خیزش مردمی آبان ۹۸ است. در این نشست گروهی از حقوقدانان بین‌المللی با استناد به شهادت خانواده‌های جانباختگان، شاهدان عینی و زخمی‌شدگان تجمعات آبان سال گذشته، جمهوری

همزمان با اولین سالگرد خیزش مردمی آبان، سه نهاد حقوق بشری (سازمان حقوق بشر ایران، سازمان عدالت برای ایران و ائتلاف جهانی باهم علیه اعدام) اعلام کردند در بهمن آینده دادگاهی مردمی را در رابطه با جنایات جمهوری اسلامی در آبان ۹۸ برگزار خواهند کرد.

در این دادگاه سه روزه گروهی از حقوقدانان بین‌المللی بر اساس شهادت شاهدان عینی، شرکت‌کنندگان در اعتراض‌های آبان و خانواده‌های جانباختگان و همچنین بیش از ۱۲۰۰ ویدئو از خیزش در شهرهای مختلف، عملکرد دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار خواهند داد.

در جریان خیزش مردمی آبان ۹۸ بیش از ۱۵۰۰ نفر توسط نیروهای سرکوبگر کشته شدند. شمار زخمی‌ها نیز بر مبنای گزارش نهاد‌های بین‌المللی بیش از ۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. صدها نفر نیز بازداشت و بسیاری به حبس‌های طولانی و برخی نیز به اعدام محکوم شدند. در ماه بهمن ۹۹ در شهر لاهه، در

## بیانیه شاهزاده رضا پهلوی در سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸: امید به طلوعی بهتر برای ایرانیان



شماری از جوانانی که در آبان ۹۸ توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیدند

پرچم ملی شیروخورشید ایران، یعنی که ایرانی هرگز در برابر تبهی و تاریکی زانو نمی‌زند.

آبان ۹۸ برای من و هر آنکه دلش به عشق ایران می‌تپد، تا ابد یادآور آخرین کلمات پویا بختیاری اندکی پویا بختیاری و صدای نوید افکاری را شنید. صدایی که انعکاسش را در آغاز رویگردانی بسیاری از کشورهای اروپایی از حاکمان خونریز جمهوری اسلامی می‌توان دید.

همت و شجاعت بی‌نظیر شما در آبان ۹۸ به سال‌ها دروغ و فریب در لباس «اصلاح‌طلب» و «میان‌رو» و «عملگرا» پایان داد و ماهیت واقعی این رژیم ایران‌ستیز را، در کلیت و تمامیتش، برای جهانیان روشن ساخت.

آبان ۹۸ و غریو فریاد «جانم فدای ایران» در هزار هزار کوی و برزن سرزمین مقدس‌مان یعنی که ایران هرگز نمی‌میرد و ایرانی هرگز تسلیم نمی‌شود. آبان ۹۸ و به زیر کشیدن پرچم حاکمان ایران‌ستیز و برافراشتن

قهرمانی که مانند دیگر قهرمانان آبان بارویای فردایی متفاوت به خیابان آمده بود. آبان ۹۸ یکسال گذشت و هنوز جهان، مبهوت شجاعت هزار هزار زن و مرد قهرمان ایرانی‌ست. آری، دنیا فریاد ملت ایران را شنید. دنیا پیام پویا بختیاری و صدای نوید افکاری را شنید. صدایی که انعکاسش را در آغاز رویگردانی بسیاری از کشورهای اروپایی از حاکمان خونریز جمهوری اسلامی می‌توان دید.

پاسخ جوان و نوجوان ایرانی در رویای زندگی نرمال مثل جوانان همه‌جای دنیا، گلوله بود. و در مقابل، سهم هزاران میلیاردی برای حسن نصرالله و بشار اسد و ده‌ها گروه بنیادگرای تروریستی بود، و هزاران «آقازاده» در مجل‌ترین مراکز خوشگذرانی جهان.

آبان ۹۸، تصویری‌ست روشن از هراس خودکامهای خونریز که اوج وحشت حقیرانه‌اش را با شلیک گلوله در قلب نیکتا اسفندانی ۱۴ساله به نمایش می‌گذارد. دختر نوجوان

## سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال «حضور مقتدر» در اقیانوس‌ها با «شهید رودکی»!



شناور اقیانوس پیمای «شهید رودکی» که به اسم ناو به نیروی دریایی سپاه پاسداران ملحق شده

کرد ناو هواپیمابر «شارل دوگل» از ژانویه تا آوریل در پشتیبانی عملیات شمال (در خاورمیانه) به کار گرفته می‌شود. علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم الحاق این شناور گفت «قواتین دریایی این اجازه را به نیروی دریایی می‌دهد تا ۱۲ مایلی هر کشوری حضور پیدا کند؛ ما اعتقادمان این است که در کنار برادران عزیزمان در نیروی دریایی ارتش برای برقراری امنیت آب‌های فرادست یا فراتر از مرزها در اقیانوس، سیادت دریایی داشته باشیم.»

او تأکید کرده «قابل قبول نیست که کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های ما در دریاهای آزاد مورد تهدید قرار گیرند یا دفاع از منافع حیاتی خود به جغرافیایی امنیت این کشتی‌ها به عهده ما است و با اقتدار آن را به انجام می‌رسانیم.»

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران نیز با اشاره به اینکه «برای دفاع از منافع حیاتی خود به جغرافیایی خاصی محدود نیستیم» گفت: «امروز شاهد الحاق یک شناور پشتیبانی و در عین حال رزمی به نیروی دریایی سپاه هستیم؛ یعنی شناسایی که هم می‌تواند از خود دفاع کند، هم از منافع ما در دریاهای آزاد و هم در امن‌سازی خطوط دریانوردی کشورمان در نزدیک و در دوردست نقش ایفا کند.»

از اظهار نظرهای فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چنین به نظر می‌رسد که آنها قصد دارند کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های جمهوری اسلامی را که اغلب تحریم‌اند در دریاهای اقیانوس‌ها اسکورت کنند. در سال‌های اخیر بارها گزارش شد که ناوهای ارتش امکان اسکورت کشتی‌ها و نفتکش‌های ایران را دارند اما مشخص نیست چرا فرماندهان و در رأس آنها علی‌خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا تصمیم گرفتند سپاه پاسداران را مأمور تأمین امنیت کشتی‌ها در آب‌های آزاد کنند! آنهم در شرایطی که این نهاد از سوی آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارد.

مأموریت‌های اقیانوسی با ایجاد امنیت پایدار خطوط مواصلاتی دریایی و امداد رسانی به ناوگان تجاری و صیادی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه‌ای است.»

در این گزارش آمده «با پیوستن ناو اقیانوس پیمای شهید رودکی به نیروی دریایی سپاه، مأموریت دریادلان سپاه برای حضور مقتدر در آب‌های دوردست از امروز آغاز شد.»

در سال ۱۳۸۸ در دولت محمود احمدی‌نژاد یک کشتی کانتینر با نام «ایران اراک» که توسط شرکت کشتی‌سازی و صنایع فراساحل ایران ساخته شده بود در خلیج فارس به آب انداخته شد. آن زمان جمهوری اسلامی ایران ادعا کرد کار ساخت کشتی‌های اقیانوس‌پیمای ملی را آغاز کرده است. در اوایل سال ۱۳۹۳ دومین کشتی کانتینر ساخت این شرکت آزمایش شد که نام آن «ایران شهرکرد» بود. این کشتی یکی از ۱۲۵ کشتی بود که از ۱۳۹۸ که بعد در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت.

ناو «شهید رودکی» از نظر طراحی بدنه شباهتی با ناوهای جنگی ندارد و بیشتر شبیه کشتی‌های کانتینر است و این احتمال که سپاه یکی از همین کشتی‌های تجاری تحریمی را به اسم ناو جا زده باشد دور از ذهن نیست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بعضی وبسایت‌های خبری نزدیک به ولایت‌مداران و انقلابی‌ها قبلاً نیز در گزارش‌های خود اشاره کرده بودند که دو کشتی شناور «ایران اراک» و «ایران شهرکرد» و «ایران کاشان» که هنوز در دست ساخت و تکمیل است قابلیت تبدیل شدن به ناوهای شبیه ناو هواپیمابر «گاریبالدی» را دارند!

ناو اقیانوس‌پیمای سپاه پاسداران کمترین شباهتی به ناوهای معمول و استاندارد دنیا ندارد! ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه)، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در یک سخنرانی به مناسبت سال نوی میلادی در جمع نیروهای نظامی این کشور اعلام

● ناو «شهید رودکی» از نظر طراحی بدنه شباهتی با ناوهای جنگی ندارد و بیشتر شبیه کشتی‌های کانتینر است. این احتمال که سپاه یکی از کشتی‌های تجاری تحریمی را به اسم ناو جا زده باشد دور از ذهن نیست.

● علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران: قابل قبول نیست که کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های ما در دریاهای آزاد مورد تهدید قرار گیرند یا اتفاقی برای امنیت آنها بیفتد. تأمین امنیت این کشتی‌ها به عهده ما است و با اقتدار آن را به انجام می‌رسانیم.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران: برای دفاع از منافع حیاتی خود به جغرافیایی خاصی محدود نیستیم!

روز چهارشنبه ۲۹ آبان‌ماه مراسم الحاق یک «ناو اقیانوس‌پیمای» به نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بندرعباس برگزار شد.

بر عرشه این شناور که نام آن «شهید رودکی» است و بیشتر شبیه کشتی‌های کانتینر است تا یک ناو جنگی، چهار قایق، یک پهپاد و هلی‌کوپتر و تعدادی لانچر پرناب موشک به چشم می‌خورد. خبرگزاری‌های داخلی نوشته‌اند این ناو چندمنظوره و دوربرد است و قابلیت حمل و به پرواز درآوردن انواع هواپیما، پهپاد و همچنین عملیاتی کردن سیستم‌های موشکی، پدافندی و راداری را دارد!

گفته شده وزن این شناور ۴۰۰ تن، طول آن ۱۵۰ متر و عرض‌اش ۲۲ متر و دارای رادار آرایه فازی سه بعدی، موشک‌های سطح به سطح، سطح به هوا، سامانه‌های مخابراتی یکپارچه بسیار پیشرفته جنگل و موشکی سوم خرداد با قابلیت حمل بالگرد ها، پهپادها و شناورهای عملیاتی است که همه آنها از تولیدات داخلی بوده و توسط جوانان متخصص و مومن انقلابی طراحی و عملیاتی شده است! باشگاه خبرنگاران جوان وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی می‌نویسد «ناو سنگین رزمی، اطلاعاتی و پشتیبانی شهید رودکی که به مثابه یک شهر دریایی متحرک است که با تمام تجهیزات و امکانات لازم آماده انجام

## نقض برجام با فعال کردن سانتریفیوژهای IR-2m؛ راستی آزمایی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام



جمهوری اسلامی ایران اسفند سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که در حال آزمایش روزی نسل جدیدی از سانتریفیوژهاست که قدرت غنی‌سازی بیشتری با حجم بالاتر دارند

اورانیوم در ایران است و پیش از این روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده بود که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا گزینه احتمالی برای هدف قرار دادن تأسیسات اتمی ایران را با مشاوران خود بررسی کرده است.

روزنامه انگلیسی دیلی میل می‌نویسد بر اساس تجزیه و تحلیل گسترده‌ای که توسط انجمن کنترل تسلیحات مستقر در واشنگتن انجام شده ایران در حال حاضر بیش از دو برابر ماده مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک سند محرمانه گزارش داد که ذخایر اورانیوم ایران به ۱۲ برابر بیش از حد مجاز که در توافق اتمی تعیین شده رسیده است.

در گزارش آژانس آمده تا تاریخ دوم نوامبر ایران دارای ۲۴۴۲.۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده بود در حالی که در ۲۵ اوت ۲۰۱۵، ۲۰۱۵.۴ کیلوگرم ذخیره داشت. بر اساس توافق اتمی که در ژوئیه سال ۲۰۱۵ میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شد، حداکثر میزان مجاز ذخیره‌ی اورانیوم ۲۰۲.۸ کیلوگرم است.

● **برگزاری نشست فصلی شورای حکام** میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در نهاد‌های بین‌المللی مستقر در وین در توییتی از آغاز نشست ماه نوامبر

اورانیوم در ایران است و پیش از این روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده بود که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا گزینه احتمالی برای هدف قرار دادن تأسیسات اتمی ایران را با مشاوران خود بررسی کرده است.

روزنامه انگلیسی دیلی میل می‌نویسد بر اساس تجزیه و تحلیل گسترده‌ای که توسط انجمن کنترل تسلیحات مستقر در واشنگتن انجام شده ایران در حال حاضر بیش از دو برابر ماده مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک سند محرمانه گزارش داد که ذخایر اورانیوم ایران به ۱۲ برابر بیش از حد مجاز که در توافق اتمی تعیین شده رسیده است.

در گزارش آژانس آمده تا تاریخ دوم نوامبر ایران دارای ۲۴۴۲.۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده بود در حالی که در ۲۵ اوت ۲۰۱۵، ۲۰۱۵.۴ کیلوگرم ذخیره داشت. بر اساس توافق اتمی که در ژوئیه سال ۲۰۱۵ میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شد، حداکثر میزان مجاز ذخیره‌ی اورانیوم ۲۰۲.۸ کیلوگرم است.

● **برگزاری نشست فصلی شورای حکام** میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در نهاد‌های بین‌المللی مستقر در وین در توییتی از آغاز نشست ماه نوامبر

● **جمهوری اسلامی ایران تزریق گاز هگزافلورید اورانیوم به سانتریفیوژهای IR-2m را آغاز کرده است.**

● **میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در نهاد‌های بین‌المللی مستقر در وین: دستور کار شورای حکام، مسائل پادمانی ایران نیست زیرا مشکلات دسترسی بازرسان به دو سایت مستقر در ایران با موفقیت حل و فصل شد!**

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) گزارش داد جمهوری اسلامی ایران با نقض تعهدات خود در توافق اتمی اقدام به نصب سانتریفیوژهای پیشرفته برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم در سایت نظنن کرده است.

خبرگزاری رویترز چهارشنبه ۱۸ نوامبر (۲۸ آبان) نوشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش دادند ایران ۱۷۴ سانتریفیوژ پیشرفته IR-2m را که اخیراً در تأسیسات زیرزمینی نظنن نصب کرده، راه‌اندازی کرده است. طبق متن توافق اتمی جمهوری اسلامی ایران تنها حق ذخیره اورانیوم غنی‌شده با دستگاه‌های نسل اول IR-1 را دارد و فقط این دستگاه‌ها مجوز فعالیت دارند.

بر اساس جدیدترین گزارش‌ها ایران تزریق گاز «هگزافلورید اورانیوم» (UF<sub>6</sub>) را به سانتریفیوژهای نسل جدید IR-2m آغاز کرده است. این ماشین‌ها به یک کارگاه زیرزمینی در نظنن منتقل شده‌اند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۱۴ نوامبر گزارش داد ایران نخستین ایشار سانتریفیوژهای پیشرفته IR-2m را در تأسیسات هسته‌ای نظنن نصب کرده اما هنوز تزریق هگزافلورید اورانیوم را انجام نداده است. نظنن اصلی‌ترین سایت غنی‌سازی



## گروه موسیقی تلفیقی ایرلندی - ایرانی «نوا»؛ از پاپو سلیمانی و نوایی تا نوروز و کوهیزریل



گروه نوا

کرده است. از او می‌خواهیم در مورد آخرین موفقیت‌های گروه بگویید. ما-امسال نامزد دریافت جایزه‌ی بهترین گروه در ژانر فولک و موسیقی محلی شده‌ایم که رادیوتولویزیون ایرلند چند سال است با عنوان RTE FOLK AWARDS برگزار می‌کند. مراکز فرهنگی دیگر نیز در ایرلند وجود دارند که جایزه‌ی در ژانرهای دیگر موسیقی، مانند موسیقی راک، می‌دهند.

● **خیلی جالب است که در ایرلند گروهی که در زمینه موسیقی تلفیقی فعالیت دارد و در کارهای خود از نغمه‌های ایرانی نیز استفاده می‌کند نامزد بهترین گروه موسیقی محلی شده...**

بله، ما با کار مداوم چندین ساله توانستیم گروه را که در زمینه موسیقی فولک کار نسبتاً جدیدی ارائه می‌دهد، در جامعه ایرلند جایبندازیم و شنوندگان خود را پیدا کنیم. در واقع ما گام به گام حرکت می‌کنیم و مثلاً بدون مقدمه موسیقی ردیف ایرانی را که برای مردم ایرلند و اروپا نامانوس است وارد موسیقی تلفیقی خود کرده‌ایم. برای مخاطبین غربی ارتباط برقرار کردن با موسیقی سنتی ایرانی کار چندان آسانی نیست. برای همین ما بجای آن از نغمه‌های موسیقی فولک ایرانی مانند موسیقی خراسان و نغمه‌های کردستان بیشتر بهره برده‌ایم. یعنی ملودی‌های کوچک محلی را وارد موسیقی خود کرده و با موسیقی ایرلندی تلفیق و تنظیم می‌کنیم. بعد دیگر کار ما اجرای موسیقی ایرلندی با سازهای ایرانی است.

● **آیا عکس آن یعنی نواختن نغمه‌های ایرانی با سازهای ایرلندی هم انجام می‌شود؟**  
در ایرلند شمالی شخصی این کار را با سازی شبیه سنتور ایرانی انجام می‌دهد که البته در حد کار ما ...

کتابه در صفحه ۱۷

## در گفتگو با بهمن مقصدلو: چگونه موتور «صنعت سینمای ایران» توسط اسماعیل کوشان و پرویز خطیبی به حرکت درآمد

بخش اول



پرویز خطیبی و بهمن مقصدلو در مراسم بزرگداشت خطیبی

و برنامه‌هایی برگزار می‌کردیم. حتی در آنجا از پرویز خطیبی خواهش کردیم تا در یک سخنرانی از تاریخ طنز در ایران صحبت کند. خلاصه خیلی همدیگر را می‌دیدیم و همیشه بحث و گفتگوهای جالبی داشتیم و لذت می‌بردیم. من می‌دانستم که بعد از جنگ دوم جهانی، خطیبی در سینمای ایران چه نقش اساسی و مهمی داشته و اصلاً به عنوان یک هنرمند چندبُعدی، هم فیلمنامه‌نویس بوده هم کارگردان، هم نمایشنامه‌نویس و تصنیف‌های فکاهی هم می‌نوشت. یاد هست در زمان بچگی‌های من تصنیف‌فروش‌های دوره‌گرد، این تصنیف‌ها را در کوچه و خیابان می‌خواندند و هر تصنیف را به قیمت دوزار یا یک قران می‌فروختند. خطیبی یک نگاه فکاهی و طنز بسیار قوی داشت؛ طنزی که بعداً سیاسی شد. در هفده‌سالگی جوان‌ترین سردبیر مجله‌ی توفیق بود و در رادیو هم دائم برنامه‌هایش را می‌شنیدیم. در واقع هنرمندی همه فن حریف بود و در تاریخ سینما جزو چهارپای پنج نفر اولی است که فیلم سینمایی ساخته‌اند. اما چگونه و چگونه آن موتور را به حرکت درآوردند؟ برای اینکه به آنجا برسیم اول باید یک مقدمه‌ای بگوییم. در ایران دهه‌ی چهل تا پنجاه اگر ما تمام منتقدین و مورخین سینما را جمع می‌زدیم تعدادشان شاید پانزده یا دست بالا بیست نفر بود. نگاه اغلب آنها به سینمای تجاری ایران از بالا به پایین بود، یعنی «این سینمای تجاری مزخرفه و اصلاً حرفش رو نزنید!» به نظر آنها اصلاً سینمای ایران از همان روز اول که کار خودش را شروع کرده پشت آن نه فکری بوده، و نه هنری بوده. فقط مزخرف بوده!

● **آیا این یک تحلیل آکادمیک است؟**

بله، همانطور که می‌دانید اولین کتابی که به زبان انگلیسی درباره‌ی سینمای ایران نوشته شده، کتابی است که من زمانی که در دانشگاه کلمبیا به عنوان دانشجوی دکترا درس می‌خواندم نوشتم و انتشارات دانشگاه نیویورک آن را در سال ۱۹۸۷ منتشر کرد. اما اینجا همانطور که گفتیم، مقدمه‌ای لازم است: سینما (تولید فیلم و نمایش) در فرانسه و آمریکا در سال ۱۸۹۵ همزمان آغاز شد و هالیوود به سرعت پا گرفت. سینما را «هنر» و «صنعت» خوانده‌اند چراکه صنعتی است که عده‌ی زیادی در آن کار می‌کنند تا یک فیلم تولید بشود. سینما اصلاً هنر پر هزینه‌ای است. مثل کتاب نوشتن توسط یک شخص یا نقاشی کردن و شعر گفتن توسط یک فرد نیست. دستگاه می‌خواهد، وسایل صدا می‌خواهد، فیلمبردار، صدابردار و دستیار و لابراتوار لازم دارد. بعد این فیلم‌ها باید چاپ و ادیت بشوند. تبلیغات و پوستر و خیلی مسائل دیگر هم هست. بعد از همه‌ی اینها فیلم بالاخره به مرحله‌ی اکران می‌رسد و حالا باید در سینما به نمایش دربیاید و بفروشد تا فیلم بعدی بتواند ساخته بشود. اگر فیلم فروش نداشته باشد، مسلماً این صنعت جلو نمی‌رود. پس در درجه‌ی اول، یک صنعتی باید وجود بیاید که بتواند این موتور را به حرکت در بیاورد.

● **بله، بله؛ خیلی خوب یادم است...**  
ما... از همان زمان با هم دوست شدیم. حتی اگر یاد باشد با هم یک بنیاد فرهنگی هم درست کردیم در رابطه با هنر که دکتر اسماعیل خوبی را هم آوردیم و در استودیوی دوست مشترکمان «علی شیوا» در نیویورک

آوردن چیزهای دست نیافتنی است. مطالبی که در هیچ جای دیگر نخوانده و نشنیده بودم. یا-تشریح، نسخه‌ی فارسی این مقاله در شماره‌ی مهرماه مجله‌ی «تجربه» سال ۱۳۹۹ در تهران به چاپ رسیده است.

● **یادم است در سال ۱۳۸۲ که ما همه در نیویورک زندگی می‌کردیم؛ شما اولین فردی بودید که در طول پنجاه و پنج سال فعالیت هنری و فرهنگی پدرم، پرویز خطیبی که در صحنه‌ی هنرهای گوناگون از روزنامه‌نگاری طنز تا تئاتر و پیش‌پرده‌نویسی، ترانه‌سرایی، نمایشنامه‌نویسی برای رادیو و به‌خصوص ساختن اولین فیلم کم‌دی سینمای ایران حضور داشت، به این فکر افتادید که برای او در شهر نیویورک یک مراسم بزرگداشت برگزار کنید.**

این بزرگداشت در سینما «بمبئی» در خیابان ۵۷ منهنهت درست مقابل «کارنگی هال» یعنی بزرگترین تالار موسیقی نیویورک برگزار شد. وقتی خاطرات شما را خواندم و دیدم که شما در این خاطرات برداشت‌هایی هم از این آدم‌ها داشتید کنجاکو شدم بدانم برداشتی که از پرویز خطیبی و میراثی که از کار و هنر او برجای مانده داشتید چه بوده؟ یعنی از دیدگاه خودتان آنچه شما را برانگیخت تا در مراسمی از او بطور رسمی تجلیل کنید چه بوده؟

چقدر خوشحالم که روزی چنین کاری را انجام دادم. واقعا خیلی خوشحالم چرا که اول از همه در آن زمان یعنی در سال ۱۹۸۱ من شش سال بود که در نیویورک زندگی می‌کردم و داشتم مدرک دکترا را در رشته‌ی سینما می‌گرفتم. سینمای «بمبئی» را هم من اجاره کرده بودم و در آنجا روزهای پنجشنبه فیلم‌های ایرانی، سه روز آخر هفته فیلم‌های هندی و روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه فیلم‌های روز آمریکایی را برای اعضای «آکادمی آوارد» (اسکار) نمایش می‌دادیم. فکر کردم این سالن سینمای ششصد نفره یک مکان عالی برای برگزاری بزرگداشتی برای پرویز خطیبی است که من از ایران به او ارادت داشتم، با کارها و نوشته‌هایش آشنا بودم و برنامه‌های رادیویی‌اش را گوش کرده بودم. با کارهایش در روزنامه‌ی توفیق هم آشنا بودم و چند تا از فیلم‌هایش را هم دیده بودم. اما در آن زمان که او به تازگی به نیویورک آمده بود و روزنامه‌ی فکاهی-سیاسی «حاجی‌بابا» در تبعید را منتشر می‌کرد هنوز دوستی و رفاقتی با هم نداشتیم. یعنی از همان زمانی که ایشان به نیویورک آمد من افتخار آشنایی نزدیک با پدرت را پیدا کردم، اگر یادت باشد.

● **بله، بله؛ خیلی خوب یادم است...**

ما... از همان زمان با هم دوست شدیم. حتی اگر یاد باشد با هم یک بنیاد فرهنگی هم درست کردیم در رابطه با هنر که دکتر اسماعیل خوبی را هم آوردیم و در استودیوی دوست مشترکمان «علی شیوا» در نیویورک

سینمایی‌ام که اولین آن در Cinema without boarders به انگلیسی منتشر شد؛ مقاله‌ای درباره‌ی «گتو باربیری» آهنگساز شهیر آرژانتینی که موسیقی متن فیلم «آخرین تانگو در پاریس» او توانست جایزه «گرمی» را به دست بیاورد؛ انسان بزرگی که یکی از بهترین موزیک‌های سینما را نوشته است. او از دوستان من بود و برای دو فیلم من، «منهنهت به روایت ارقام» و فیلم «هفت مستخدم» با بازیگری آنتونی کوئین موسیقی متن نوشت که سی‌دی‌هایش توسط کمپانی سونی و دیگر کمپانی‌های بزرگ در دسترس است. همسر وی- میشل د سورتینو- هم با من دوست بود که پیش از بیماری و فوت او در سال ۱۹۹۵ قرار بود با هم در نوشتن کتابی درباره‌ی برتولوچی همکاری کنیم که متأسفانه با مرگ او ناتمام ماند و من هم دیگر ادامه ندادم.

● **خانم سورنتینو مدتی هم دستیار برتولوچی بود؛ اینطور نیست؟**

بله. او در فیلم Before the Revolution (پیش از انقلاب) که در سال ۱۹۶۴ در رم تهیه شد دستیار برناردو برتولوچی بود. زمانی که او فوت کرد، برتولوچی از رم برای شرکت در مراسم یادبودش به نیویورک آمد. در آن جلسه «گتو باربیری» به خاطر دوستی و صمیمیتی که با او و همسرش داشتیم، گفتار رسمی درباره‌ی میشل را به من واگذار کرد. بعد هم با برتولوچی و گتو و چند نفر دیگر رفتیم شام و با هم دوست و آشنا شدیم. این معرفی آغاز روابط من با برتولوچی بود که در طول سال‌ها هر وقت به رم می‌رفتم به ایشان زنگ می‌زدم و می‌دیدمشان. در اوایل سال ۲۰۰۰ از برتولوچی پرسیدم که آیا این درست است که تو فیلمی راجع به فروغ فرخزاد ساختی؟ البته داستان آن مفصل است که در فرصتی دیگر به آن می‌پردازیم اما خلاصه اینکه او گفت: «نه، متأسفانه من فیلمی درباره‌ی فروغ نساخته‌ام. ای کاش می‌ساختم.» بعد هم من از او خواستم که برای من مطلبی را بنویسد تا سندی شود برای پایان دادن به این مسئله. برتولوچی هم همان روز برای من نامه‌ای نوشت و در آن زمان آن را «فکس» کرد. او در این نامه تأکید کرده که هرگز فیلمی درباره‌ی فروغ نساخته است. من این نامه را در مقاله‌ی «خاطراتم در قرنطینه» که راجع به فروغ فرخزاد، رابطه و آشنایی‌اش با گلستان و آشنایی گلستان با این سینماگر است آورده‌ام و بعد هم می‌رسم به آخرین مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۱۷ با برتولوچی داشتم.

● **این مصاحبه را کجا انجام دادید؟**  
درست یکسال قبل از مرگ او من رفته بودم به ایتالیا. رئیس هیات داوران در فستیوالی در «باری» بودم. در رم با او تماس گرفتم و ظهر رفتیم منزلش. دو ساعتی در همانجا نشستیم و صحبت کردیم که عکس‌های این ملاقات هم در مقاله آمده. برتولوچی یکسال بعد درست در همان تاریخ فوت کرد.

● **من نسخه‌ی انگلیسی این مقاله را خواندم. بسیار مقاله‌ای جالبی است. خواندن آن مثل به دست**

یک سینمای هنری تنها بر بستر و درکنار یک سینمای تجاری موفق به وجود می‌آید.

● **شما در تاریخ سینمای هیچ کشوری از فرانسه تا آمریکا، از ژاپن تا هند اگر مطالعه کنید نمی‌بینید که از روز اول فیلم هنری تولید شده باشد. هیچکدام از آنها از روز اول شاهکار تحویل نداده‌اند. پس باید به «شرایط فیلمسازی» توجه کنیم و این واقعیت را بپذیریم که سینمای هنری و سینمای تجاری با هم و در یک مسیر حرکت می‌کنند. اگر سینمای تجاری موفق نباشد سینمای هنری هم شانسی برای تولید و حیات ندارد.**

● **سینما در یک کشور سنتی با وضعیت اجتماعی و تاریخی که تا دوران انقلاب مشروطیت، حتی نقاشی پرتره هم ممنوع بود و اسلام مجسمه‌سازی و موسیقی را هم ممنوع کرده بود، در کشوری که فرهنگ تصویری ندارد، راه درازی دارد تا بتواند یک فیلم خوب هنری بسازد.**

چندی پیش کیهان لندن در گفتگوی مفصلی که آدم صابونجیان با بهمن مقصدلو سینماگر و پژوهشگر و نگارنده‌ی تاریخ سینما داشت به بررسی موج نو در سینمای بیست کشور پرداخت. این بار فیروزه خطیبی در گفتگوی دیگری با دکتر مقصدلو به جوانب مختلف صنعت سینمای ایران می‌پردازد.

● **دکتر مقصدلو، پیش از هر چیز اجازه بدهید پرسیم شما که معمولاً در فصل جوایز سینمایی در حال سفر و شرکت در جشنواره‌های مختلف هستید، در این روزهای کرونایی و دوران قرنطینه اوقاتن را چگونه می‌گذرانید؟**  
- بسیار خوشحالم که باز هم شرایطی پیش آمده که با شما دوست بسیار خوب و قدیمی از دوران نیویورک و دوران کار در تلویزیون ملی ایران قبل از انقلاب و قبل از حرکت به نیویورک تا امروز صحبتی داشته باشیم. این روزها من هم مثل اغلب مردم جهان بیشتر اوقاتم را در قرنطینه و منزل بسر می‌برم، اما برای من این یک فرصت طلایی است تا یکسری از کارهایم را سر و سامان بدهم و بتوانم خیلی سریع کارهای نیمه‌تمام را تمام کنم و یکسری کار جدید شروع کنم و البته در کنار آن به کارهای نوشتاری و ادیت فیلم‌های مستند خودم بپردازم. بطور خلاصه، کتابی زیر چاپ داشتم که نسخه‌ی حروف‌چینی‌شده‌ی آن را اخیراً برآیم فرستاده‌اند راجع به سینمای شاعرانه‌ی «ژان رنوار» کارگردان بزرگ فرانسوی. این کتاب که حدود سیصد صفحه است، سینما، زندگی و سبک و نگرش این سینماگر را بررسی می‌کند و کتاب خوبیست برای علاقمندان سینما بطور اعم و دوستداران سینمای «ژان رنوار» بطور اخص و به‌خصوص برای دانشجویان سینما. این کتاب تا چند ماه دیگر منتشر می‌شود. کتاب دیگری هم به نام «وقتی که ماه زیر ابر نبود» دارم که مجموعه‌ایست از گفتگوهای من با زنان هنرمند ایران در سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۰ و در همین ماه نوامبر منتشر شد. دیگر اینکه نوشتن یکسری مقالات را شروع کرده‌ام، در واقع نوشتن خاطرات

### کیهان لندن منتشر کرد:

**سوریه: جاله عنکبوت**  
حامد محمدی

پیشگفتارها، رضا تهرانی و حسن شریعتمداری

کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (اثر خیان)** برای نخستین بار ایجاب کرده حضور نظامی و تاکتیک‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق **کتابخانه کیهان لندن** [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و با انتشارات ساتراپ و سور هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



## معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا: دولت ترامپ مایل به مذاکره مستقیم با رژیم ایران بود اما تهران نپذیرفت



تیموتی لندر کینگ

● **لندر کینگ: پیامرسانی بین ایالات متحده و ایران توسط واسطه‌های حاشیه خلیج فارس و سایرین انجام شده است.**

● **تهران اکنون امیدوار است جو بایدن از حزب دموکرات رئیس جمهوری آمریکا شود تا شاید روزنه‌ای برای برداشته شدن تحریم‌ها و کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی ایجاد شود. اما حتی برای خود جمهوری اسلامی نیز این موضوع که بایدن نیز مانند اوباما شرایط را چنان تسهیل کند که هم جیب نظام پر شود و هم برنامه‌های اتمی و موشکی و شبه نظامی خود را ادامه دهد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.**

تیموتی لندر کینگ معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور خلیج فارس جمعه ۲۰ نوامبر به شرق الاوسط گفت دولت فعلی آمریکا مایل به مذاکره مستقیم با رژیم ایران بود اما تهران نپذیرفت و به رفتارهای خود ادامه داد. او تأکید کرده پیام‌رسانی بین ایالات متحده و ایران توسط واسطه‌های حاشیه خلیج فارس و سایرین انجام شده است.

این مقام آمریکایی در مورد زمان پیام‌های مورد بحث توضیح بیشتری نداد. وی ابراز امیدواری کرد که واشنگتن و تهران برخلاف تماس‌های غیرمستقیم که در مورد تبادل زندانیان و دیگر امور از طریق واسطه‌ها داشتند، به مذاکره مستقیم برسند. لندر کینگ با اشاره به اظهارات البوت ابرامز مسئول امور ایران در وزارت

**کیمیا منتشر کرد:**  
**سقوط بهشت**  
خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی  
اندرو اسکات کورپر  
ترجمه رضاتی زاده  
کتاب سقوط بهشت را تنها از کیمیا لندن می‌توان خریداری کرد  
قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



پس از این شرفیابی، به حضور آقای منصور نخست وزیر رفته و جریان را به اطلاع ایشان رساندم و ایشان نیز صد در صد موافقت داشتند و با آقای دکتر عاملی وزیر دادگستری نیز مذاکره کردم و قرار شد هر چه سریعتر قانون لازم تهیه و به مجلس داده شود. پس از مراجعت به خوزستان، منتظر تصویب قانون نشدم و شروع کردم به جمع‌آوری پول برای آزادی زندانیان و هر فرصتی که پیش می‌آمد از طریق کمک‌های افراد نیکوکار، عده‌ای را که بدهی‌هایی تا سیصد تومان داشتند، آزاد می‌کردیم و این کار بی‌نهایت مورد استقبال مردم قرار گرفت و در اعیاد مختلف مانند تولد حضرت محمد، عید نوروز و چهارم آبان و امثال آن، تعداد زیادی از زندانیان از این طریق آزاد شدند.

در تهران نیز قانون منع توقیف زندانیانی که تا مبلغ دو هزار تومان بدهی داشتند، از طرف وزارت دادگستری تهیه و تقدیم مجلس شد و در مدت کوتاهی به تصویب رسید. ولی متأسفانه در مجلس سنا تصویب آن متوقف گردید زیرا تعدادی از سناتورهای با نفوذ از مالکین سابق بودند و به دلایل مختلف تصویب این قانون را متوقف کردند و آن را در کمیسیونهای مجلس سنا دفن نمودند.

نکته بسیار جالب توجهی که طی مسافرت به شهرهای خوزستان و ملاقات با مردم به چشم می‌خورد این بود که با وجود این که در آن زمان در نتیجه انقلاب سفید و دادن حق رأی به زنان و برابری کار آنها در برابر قانون، دیگر مانع و رادعی برای شرکت بانوان در فعالیتهای اجتماعی وجود نداشت، ولی این فعالیتهای محدود بود به تشکیل گروههایی از بانوان تحت عنوان شورای زنان که غالباً همسران رؤسای ادارات دولتی در آن شرکت داشتند و فعالیت آنها نیز فقط در حدود تشکیل جلسات تشریفاتی و انتخاب افرادی به‌عنوان رئیس و نایب رئیس و خزانه‌دار و عنوانی از این قبیل که در مراسم مربوط به جشنها و یا بازدیدهای رسمی مقامات عالی دولتی و امثال آن شرکت می‌کردند و انتخاب بانوان نیز برای سمت‌های تشریفاتی مربوطه، اکثراً در ارتباط با اهمیت شغل همسران آنها بود و ارتباط چندانی با تحصیلات و شایستگی علمی و هنری و یا شخصیت اجتماعی آنها نداشت و از آنها به‌عنوان خانم پیشکار دارایی و یا خانم رئیس فرهنگ و یا خانم رئیس شهرپانی نام برده می‌شد. و حد اکثر فعالیت آنها محدود بود به جمع‌آوری افراد با کم‌کمکهای مختصری به افراد یا مؤسسات خیریه و در حقیقت قاطبه بانوان و دوشیزگان در فعالیتهای اجتماعی شهر و منطقه مربوط به آنان شرکت نداشتند و در سازمانهای دولتی نیز فرد مسؤلی برای آگاه ساختن بانوان از حقوق قانونی خود و دخالت دادن و به‌کار گرفتن آنها در فعالیتهای اجتماعی و رفع مشکلات عده‌ای که وجود داشت، تعیین نشده بود و عملاً کلیه فعالیتهای اجتماعی در دست مردان بود و بانوان هیچ‌گونه شرکتی در برنامه‌ریزی و اجرای امور اجتماعی نداشتند. برای رفع این نقیصه، در اولین فرصتی که به تهران رفتم، به آقای منصور نخست‌وزیر پیشنهاد کردم موافقت کنند بانوی شایسته‌ای را به‌سمت معاون استانداری خوزستان منصوب نمایم. ایشان با اصل موضوع موافقت کردند ولی گفتند شما خودتان به‌عرض اعلیحضرت برسانید و پس از کسب اجازه، اقدام کنید. به همین جهت وقتی که برای گزارش مربوط به امور خوزستان به حضور شاهنشاه رسیدم، موضوع را به عرض رساندم که بدون تردید تصویب فرمودند.

روز بعد، تیمسار سرتیپ صفاری که در آن زمان استاندار آذربایجان شرقی بودند و قبل از من، سمت استانداری خوزستان را داشتند به منزل من آمدند و پس از صحبت درباره مطالب مختلف،

## تاریخ شفاهی ایران

(۴۶)

فاخرت عبدالرضا انصاری



اظهار داشتند که شنیده‌ام شما خیال دارید یک خانم را به سمت معاونت به خوزستان ببرید. من به این دلیل به اینجا آمده‌ام که به شما که مانند پسر من هستید، بگویم که این کار را نکنید چون من به وضع خوزستان آشنا هستم و می‌دانم در آنجا بلوا ایجاد خواهد کرد و بهتر است از این موضوع صرف‌نظر کنید. عرض کردم از توجه و تذکر ایشان بی‌نهایت ممنون و متشکرم ولی دیگر کار انجام شده و راه برگشتی ندارد. ایشان گفتند به‌هرحال از نظر خیرخواهی من نظرم را گفتم و حالا خود دانید.

پس از این جریان، موضوع را به اطلاع آقای دکتر جواد صدر وزیر کشور نیز رساندم و خانم حشمت یوسفی را که تحصیلات خود را در آلمان انجام داده بود و در سمت معاونت سازمان اصل چهار در اصفهان خدمات بسیار چشمگیر و مؤثری در امور مربوط به بانوان و بطور کلی خدمات اجتماعی انجام داده بود و در آن زمان در وزارت آموزش و پرورش شغل مهمی داشت، به سمت معاون استاندار خوزستان در امور اجتماعی



منصوب کردم.

● **آیا لازم نبود که شما قبل از شروع این اقدامات موافقت آقای وزیر کشور را از نظر تشکیلاتی و تأمین اعتبارات بودجه‌ای و اداری به‌دست بیاورید؟**

– به‌طور کلی استانداران نماینده پادشاه و نماینده اول دولت در استان مربوطه هستند و مأمور و کارمند وزارت کشور نیستند و از لحاظ مقام در ردیف وزرا می‌باشند. بنابراین از جهت همکاری موظفند وزیر کشور را در جریان کارهای خود قرار دهند ولی الزامی ندارند که برای هر کار قبلاً موافقت وزارت کشور را کسب کنند مگر در مواردی که هزینه‌ای اضافه بر بودجه استانداری احتیاج داشته باشد که در آن صورت باید قبلاً موافقت وزارت کشور را به‌دست آورند.

در مورد این انتصاب چون هزینه‌ای برای وزارت کشور نداشت بنابراین، مسئله تأمین اعتبار مطرح نبود. خانم حشمت یوسفی کارمند وزارت آموزش و پرورش بود و با موافقت آن وزارتخانه حقوق و مزایای خود را از آنجا دریافت می‌کرد و حاضر شده بود بدون دریافت اضافه حقوق، به خوزستان بیاید زیرا این ارتقاء مقام نه تنها از نظر شخص ایشان مهم بود بلکه یک جهش بزرگ از نظر ارتقاء مقام تمام بانوان ایران به‌شمار می‌آمد و در حقیقت شکستن سد بزرگی بود که در مقابل پیشرفت بانوان و شرکت آنها در کل فعالیتهای مملکتی طی قرن‌ها به‌وجود آمده بود. تا آن زمان از نظر گردانندگان سازمانها و امور مهم کشور، کارها و فعالیتهای اداری و اجتماعی بانوان در چارچوب امور خانه‌داری و تدریس در کلاسهای آشپزی و خیاطی و گلدوزی و امثال آن و مدیریت مدارس دخترانه و یا ماشین‌نویسی و کارهای دفترداری در ادارات و جمع‌آوری اعانات محدود می‌شد و در هیچ سازمانی سمت‌هایی در ردیف ریاست ادارات کل و مدیر کلی و یا بالاتر به آنها ارجاع نمی‌شد و به همین جهت پس از انتصاب ایشان به سمت معاون استاندار، جنب و جوش زیادی در بین گروه بانوان برای ارتقاء به مقامات بالاتر در

ساختمان مدارس، لوله‌کشی آب شهرها و اسفالت جاده‌ها و اعزام سپاهیان دانش به روستاها و تشکیل خانه‌های انصاف، فضای مناسبی برای امور سازندگی و عمرانی در خوزستان به‌وجود آورد.

متأسفانه در روز اول بهمن ۱۳۴۳ - ۲۱ ژانویه ۱۹۶۵ آقای حسنعلی منصور نخست وزیر هنگام ورود به مجلس شورای ملی مورد سوء قصد قرار گرفت و در ششم بهمن درگذشت و آقای امیرعباس هویدا وزیر دارایی به‌جای ایشان به نخست‌وزیری منصوب گشت و امور کشور به‌روال گذشته ادامه یافت. در این زمان تبلیغات و تحریکات جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر علیه ایران به‌شدت هرچه تمامتر از طریق رادیوهای که امواج آنها به‌طرف ایران و بخصوص خوزستان پخش می‌شد، هرشب ادامه داشت و با حملات مستقیم به دولت ایران و ادعای واهی در مورد سرزمین خوزستان و نامیدن آن به‌نام عربستان، سعی داشتند که در بین عشایر خوزستان رخنه کرده و با ایجاد آشوب و بلوا دولت ایران را تحت فشار قرار دهند. به‌همین جهت مقامات امنیتی ایران نیز دائماً مراقب این نوع تحریکات بودند و سازمانهای مختلف از جمله شرکت ملی نفت و سازمان آب و برق خوزستان و سایر سازمانهای دولتی دائماً به‌حالت یک نوع آماده‌باش قرار داشتند. در اوایل تابستان، تیمسار سرلشکر پاکروان ریاست سازمان اطلاعات و امنیت به خوزستان آمدند و طی چند روز از قسمتهای مختلف خوزستان و بخصوص منطقه غربی که همجوار با عراق است بازدید کردند و در پایان این بازدید به استانداری آمدند و پس از تذکراتی در مورد مسائل امنیتی، به چند موضوع مهم اشاره کردند؛ یکی این که در حال حاضر در مرز غربی خوزستان در اواخر پائیز و فصل زمستان که آب رودخانه‌های کرخه و دجله و فرات طغیان می‌کند مرز ایران و عراق زیر آب رفته و آب تا حدود شصت کیلومتر در خاک ایران پیشرفت می‌کند و چون علائم مرزی مناسبی وجود ندارد هرگاه در طی این مدت عراقی‌ها به خاک ایران تجاوز کرده و ساختمانهایی به‌وجود آورند پس از فروکش کردن آب رودخانه‌ها عملی قسمتی از خاک ایران را تصاحب کرده و مشکلاتی فراهم خواهند آورد و علاوه بر این، به‌علت وجود فقط دو پاسگاه ژاندارمری یکی در موسیان نقطه شمالی مرز خوزستان با عراق و یکی در شلمچه در جنوب مرز که در فاصله حدود دویست کیلومتر از یکدیگر قرار دارند، حفظ مرز ایران با عراق دچار یک نقص فاحش است و باید هرچه زودتر درباره آن اقدام کرد. و اضافه کردند که به‌محض ورود به تهران موضوع را به حضور اعلیحضرت گزارش خواهند کرد تا اقدامی در این باره انجام شود.

پس از رفتن تیمسار پاکروان، من با استفاده از امکانات سازمان آب و برق خوزستان، از آقای ایرج ایمن که دستگاهی برای مطالعات جامعه‌شناسی در تهران درست کرده بود درخواست کردم هیأتی به خوزستان بفرستد تا منطقه دشت میشان را که در مجاورت کشور عراق است از نظر جامعه‌شناسی و وضعیت عشایر محلی مورد بررسی قرار دهد. ایشان نیز از این پیشنهاد استقبال کردند و ظرف مدت بسیار کوتاهی عده‌ای از کارشناسان خود را به خوزستان اعزام داشتند تا از جهات مختلف موضوع را مورد بررسی قرار دهند. در مسافرت به تهران نیز با تیمسار پاکروان تماس گرفتم و ایشان گفتند گزارش وضعیت مرز ایران و عراق به‌عرض اعلیحضرت رسیده و دستور فرموده‌اند مبلغ بیست میلیون تومان برای ایجاد جاده‌ای به‌طول دویست کیلومتر در طول مرز و ایجاد پانزده پست ژاندارمری تأمین و تحت نظر شما به‌فوری هرچه تمامتر کار جاده‌سازی شروع شود که تا قبل از بالا آمدن آب رودخانه‌ها این کار پایان یافته باشد.

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**

● **ادامه دارد**



## چه کسانی از بازگشت احتمالی آمریکا به برجام نفع می‌برند؟ مخالفان چه می‌گویند؟



جو بایدن می‌گوید نمی‌خواهد سیاست‌های یکجانبه‌گر ایانه ترامپ را ادامه دهد و در پی آن است تا آمریکا را به متحدان سنتی خود نزدیک کند

شرط و شروط گذاشته و می‌گویند شرط بازگشت آمریکا به برجام لغو همه تحریم‌ها و جبران خسارت‌هایی است که پس از خروج آمریکا از برجام جمهوری اسلامی متحمل شد!

فدا حسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به ایستادگی گفته بود اگر بایدن انتخاب شود احتمالاً سیاست‌های او با ما را ادامه دهد و به برجام باز می‌گردد.

بایدن پیش از انتخابات به س‌ان‌ان گفته بود که به تلاش‌ها برای عقب راندن رژیم ایران از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ادامه می‌دهد و با همکاری و تفاهم بین‌المللی متشکل از متحدان آمریکا با استفاده از تحریم‌های هدفمند علیه نقض حقوق بشر در ایران، حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم و برنامه موشک‌های بالستیک رژیم ایران اقدام خواهد کرد.

الیوت ابرامز مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا نیز که هفته گذشته برای تشدید تحریم‌ها و فشارها علیه جمهوری اسلامی به خاورمیانه سفر کرده بود گفت «دمکرات‌ها و جمهوریخواهان آمریکا در مقابله با تهدیدات رژیم ایران در منطقه با هم توافق دارند.» وی پیش از آن نیز گفته بود «حیای برجام برای دولت بعدی آمریکا آسان نخواهد بود.»

در مقابل اما بسیاری نگران هستند که اگر ریاست جمهوری بایدن بطور رسمی اعلام شود و وی به برجام بازگردد عامل تقویت مجدد رژیم ایران برای ادامه تهدیدات موشکی و منطقه‌ای و همچنین تقویت فعالیت‌های اتمی خواهد شد.

مایکل اورن سفیر پیشین اسرائیل در ایالات متحده و معاون وزیر در دفتر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در توییتهای با اشاره به ترور نفر دوم القاعده در تهران توسط مأموران اسرائیلی نوشت «هیچکس نمی‌پرسد چرا ایران میزبان فرماندهان القاعده است و چرا ایالات متحده باید به توافق اتمی بازگردد که ده‌ها میلیارد دلار به کسانی رساند که به قاتلان سه هزار آمریکایی پناه داده است؟»

اشاره او به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر است که بیش از سه هزار نفر از شهروندان آمریکایی در برج‌های دولتی نیویورک در عملیات تروریستی القاعده جان باختند.

در ایران حزب‌اللهی‌ها و اصولگرایان می‌گویند سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی با رفتن ترامپ و آمدن بایدن تغییری نمی‌کند و اصلاح‌طلبان و دولت حسن روحانی را متهم می‌کنند که بار دیگر می‌خواهند اشتباه برجام را تکرار کنند. احمد خاتمی عضو مجلس خبرگان گفته «ترامپ سردار سلیمانی را شهید کرد و بایدن به او خسته نشاید گفت... ما نباید با آمریکا مذاکره کنیم باید از آنها نفرت داشته باشیم و اگر کسی به آنها دل ببندد ناشیگری کرده است.»

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی‌مقدم نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید «ترامپ اوضاع را بر ما بیشتر از رؤسای جمهور گذشته تلخ کرد اما این به آن معنا نیست که ما حالا باید در باغ سبز نشان دهیم. باید برای مذاکره اشتیاق نشان ندهیم تا بایدن دستش را به سوی ما دراز کند.»

**زمره نامزدی ظریف برای انتخابات ۱۴۰۰**  
دولتی‌ها و تیم ظریف و اصلاح‌طلبان با استناد به صحبت‌های پراکنده

## آیا تهران روی مذاکره با ترامپ حساب باز کرده بود و با بایدن به نقطه صفر باز می‌گردد؟!



مذاکره با آمریکا به هر حال از مهم‌ترین مشکلات جمهوری اسلامی است؛ چه با ترامپ و چه با بایدن!

● آیا رژیم تهران خود را برای مذاکره با دولت ترامپ آماده کرده بود یا اینکه در دوران بایدن روند مذاکره میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران آسان خواهد بود؟

● روحانی و ظریف در ارتباط با احتمال ریاست جمهوری بایدن طوری سخن گفته‌اند که انگار رژیم تهران است که یکی از سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی را علیه آمریکا به اجرا درآورده بطوری که واشنگتن مجبور به قبول پیش شرط‌های جمهوری اسلامی برای مذاکره است و نه آنگونه که در واقعیت هست، آمریکاست که با فشار حداکثری جمهوری اسلامی را کاملاً فلج کرده است.

● مقام‌های رژیم ایران برای معامله با ترامپ شرط‌بندی کرده بودند چرا که آنها تجارب قبلی با دولت‌های پیشین آمریکایی را دارند؛ دولت‌هایی که در دور اول بسیار تند برخورد کردند اما در دور دوم ریاست جمهوری‌شان انعطاف‌پذیرتر بوده و برای بهره‌برداری سیاسی و استراتژیک با رژیم جمهوری اسلامی وارد معامله شدند. دولت جرج بوش پسر و حسین باراک اوباما هر دو در دور اول ریاست جمهوری برخوردی جدی و انعطاف‌ناپذیر با جمهوری اسلامی داشتند. اما در دور دوم تغییر موضع داده و به توافق‌هایی با رژیم تهران رسیدند به این دلیل که هر رئیس جمهور آمریکا تلاش می‌کند تا در دور دوم خود که بازگشتی در آن نیست، دستاوردی دیپلماتیک در کارنامه سیاسی داشته باشد تا به اسم او در تاریخ ثبت شود. دونالد ترامپ نیز از این قاعده مستثنا نمی‌بود به‌خصوص که او اهل جنگ هم نیست و بیشتر به امتیازهای اقتصادی اهمیت می‌داد؛ پس او می‌توانست با رژیم تهران به خوبی داد و ستد کند و توافق‌های پیدا و پنهان با تهران امضا کند.

● اکنون که ترامپ پیروز نشده، تهران فرصت مذاکره مشترک با واشنگتن را تقریباً از دست داده است. حالا با آمدن جو بایدن بر سر قدرت رژیم ایران باید به نقطه صفر بازگردد زیرا تجربه نشان داده که مذاکره با دولتی در دوره دوم ریاست جمهوری بسیار آسان‌تر از مذاکره با یک دولت تازه‌نفس در دوره اول خواهد بود.

مصطفی فحس (شرق الاوسط) - موضع‌گیری مقامات رژیم جمهوری اسلامی در قبال نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طی هفته گذشته متنوع بود. علی‌خامنه‌ای رهبر نظام گفت: «در مورد آمریکا سیاست ما حساب شده و مشخص است و این سیاست با رفت و آمد اشخاص تغییر نمی‌کند. اینکه چه کسی رئیس جمهوری بشود در سیاست ما هیچ تاثیری نمی‌گذارد.»

روزنامه «خراسان» که موضع جناح تندروهای رژیم ایران را نمایندگی می‌کند و از سوی «بیت رهبری» و شخص‌خامنه‌ای حمایت می‌شود، در صفحه اول خود با تیتیر درشت نوشت: «دشمن بدون نقاب (ترامپ) رفت و دشمن با نقاب (بایدن) آمد.»

اما حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران و وزیر خارجه‌اش محمدجواد ظریف با لحن انعطاف‌پذیرتری نظر داده و از وجود فرصتی برای مذاکره احتمالی با دولت جدید ایالات متحده سخن گفتند. اما این دو مقام جمهوری اسلامی نیز به نحوی از موضع بالا برخورد کرده و پیش‌شرط‌هایی برای مذاکره با واشنگتن تعیین کردند. روحانی و ظریف به گونه‌ای سخن گفتند که انگار رژیم تهران است که یکی از سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی را علیه آمریکا به اجرا درآورده بطوری که واشنگتن مجبور به قبول پیش شرط‌های جمهوری اسلامی برای مذاکره است و نه آنگونه که در واقعیت هست، آمریکاست که با فشار حداکثری جمهوری اسلامی را کاملاً

فلج کرده است. با وجود این برخی از محافل تصمیم‌گیری در تهران با انتخاب بایدن و خوش‌بینی بیش از حد معقول نسبت به این جابجایی، محتاطانه برخورد کرده‌اند.

مقامات جمهوری اسلامی ایران از اینکه فرصت مذاکره با ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش را از دست داده‌اند، بسیار ناراحت هستند اما این ناراحتی را ابراز نمی‌کنند. مقام‌های رژیم ایران برای معامله با ترامپ شرط‌بندی کرده بودند چرا که آنها تجارب قبلی با دولت‌های پیشین آمریکایی را دارند؛ دولت‌هایی که در دور اول بسیار تند برخورد کردند اما در دور دوم ریاست جمهوری‌شان انعطاف‌پذیرتر بوده و برای بهره‌برداری سیاسی و استراتژیک با رژیم جمهوری اسلامی وارد معامله شدند. دولت جرج بوش پسر و حسین باراک اوباما هر دو در دور اول ریاست جمهوری برخوردی جدی و انعطاف‌ناپذیر با جمهوری اسلامی داشتند. اما در دور دوم تغییر موضع داده و به توافق‌هایی با رژیم تهران رسیدند به این دلیل که هر رئیس جمهور آمریکا تلاش می‌کند تا در دور دوم خود که بازگشتی در آن نیست، دستاوردی دیپلماتیک در کارنامه سیاسی داشته باشد تا به اسم او در تاریخ ثبت شود. دونالد ترامپ نیز از این قاعده مستثنا نمی‌بود به‌خصوص که او اهل جنگ هم نیست و بیشتر به امتیازهای اقتصادی اهمیت می‌داد؛ پس او می‌توانست با رژیم تهران به خوبی داد و ستد کند و توافق‌های پیدا و پنهان با تهران امضا کند.

تجربه مقامات ایران با بوش پسر و حسین اوباما در دوره دوم ریاست جمهوری این دو شخصیت برخی مقامات تهران را بر آن داشت تا در باره مذاکره با ترامپ در دومین دوره ریاست جمهوری‌اش برنامه‌ریزی و حتی حساب باز کنند.

بوش پسر در دوره اول ریاست جمهوری خود رژیم ایران را بخشی از «محور شرارت» نامید اما در دور دوم ریاست جمهوری‌اش با سلطه ایران بر عراق موافقت کرده و فشارها را بر متحدان منطقه‌ای تهران یعنی رژیم سوریه و حزب‌الله لبنان کم کرد.

اوباما نیز در دوره اول ریاست جمهوری‌اش شدیدترین مجازات‌ها را علیه ایران وضع کرد و حمایت خود از انقلاب مردم سوریه اعلام کرد، اما در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش تنها دغدغه او امضای توافق‌نامه‌ای بود که به عنوان یک دستاورد تاریخی در کارنامه‌اش نوشته شود. به همین دلیل او از سرکوب خونین قیام مردم ایران توسط رژیم تهران در سال ۲۰۰۹ که به جنبش سبز معروف شد، چشم‌پوشی کرد. رژیم ایران در زمان اوباما و پس از توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ ۲۰ میلیارد دلار برای اعزام هزاران شبه‌نظامی از ملیت‌های مختلف به عراق، سوریه، لبنان و یمن هزینه کرد و نه تنها این کشورها را بلکه کل خاورمیانه را به سوی بی‌ثباتی و جنگ و هراس و مرگ سوق داد.

کنار آمدن مشکوک رژیم ایران با دولت ترامپ در ۶ ماه گذشته قیل از تاریخ انتخابات نیز بسیار عجیب بود. مقامات تهران از هر نوع اصطکاک و برخوردی میان شبه‌نظامیان وابسته به خود در عراق با نیروهای آمریکا در بغداد که منجر به درگیری جدی با دولت ترامپ شود، خودداری کردند و حملاتی که جناح‌های مسلح وابسته به

تهران علیه نیروهای آمریکایی و ائتلاف در عراق انجام می‌دادند یا موشک‌هایی که به سمت مناطق مجاور سفارت آمریکا در بغداد شلیک می‌کردند همه متوقف شد.

این حملات در آغاز ماه سپتامبر گذشته کاملاً متوقف شد و همزمان دو متحد لبنانی شیعی ایران در بیروت یعنی حزب‌الله و جنبش امل در مورد مذاکرات دولت لبنان با نهاد‌های اسرائیلی و تعیین مرزهای دریایی توافق کردند؛ دو جریانی که همواره با پیروی از ایدئولوژی جمهوری اسلامی حاضر به قبول موجودیت اسرائیل نمی‌شدند. نکته قابل توجه این است که از زمانی که نیبه بری دبیرکل جنبش امل و رئیس پارلمان لبنان، مذاکرات تعیین مرزها با اسرائیل را اعلام کرد، وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌های بیشتر علیه مقامات لبنان را متوقف کرد و زبان وزارت امور خارجه ایالات متحده با طبقه سیاسی لبنان نیز کمی نرم‌تر شد. از سوی دیگر، حملات هوایی جنگنده‌های اسرائیلی علیه اهداف نظامی مربوط به ایران در سوریه تقریباً متوقف شده و حزب‌الله مرزهای جنوبی لبنان را آرام نگه داشت.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا چندین بار از آمادگی خود برای مذاکره و امضای توافق‌نامه جدید هسته‌ای با ایران پس از پیروزی‌اش در انتخابات ریاست جمهوری سوم نوامبر ۲۰۲۰ سخن گفته بود و رژیم ایران خود را برای چنین توافقی آماده می‌کرد اما اکنون که ترامپ پیروز نشده، تهران فرصت مذاکره مشترک با واشنگتن را تقریباً از دست داده است. حالا با آمدن جو بایدن بر سر قدرت رژیم ایران باید به نقطه صفر بازگردد زیرا تجربه نشان داده که مذاکره با دولتی در دوره دوم ریاست جمهوری بسیار آسان‌تر از مذاکره با یک دولت تازه‌نفس در دوره اول خواهد بود.

راه آمدن رژیم ایران با دولت جدید آمریکا برخلاف تصور برخی تحلیلگران بسیار سخت‌تر از دولت ترامپ خواهد بود به این دلیل که دولت جدید آمریکا بیشتر از دولت ترامپ به نقش نهادها و سازمان‌های دولتی ایالات متحده پایبند و وابسته است. نهادهای دولتی آمریکا در دو دوره اوباما و دوره اخیر ترامپ که مجموعاً ۱۲ سال می‌شود در تصمیم‌گیری به حاشیه رفته بود و کاخ سفید بر تصمیمات کلی و کلان دولت تسلط کامل داشت اما با تحولات اخیر اوضاع جدیدی در آمریکا به وجود آمده و شرایط به کلی تغییر یافته است.

پس بازگشت تیم جو بایدن به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ در شرایط و وضعیت کنونی این توافق ناممکن به نظر می‌رسد و احتمال دارد دولت جدید آمریکا نیز مجدداً جمهوری اسلامی را زیر فشار سنگین تحریم‌ها قرار دهد و همزمان تهران را به مذاکرات دعوت کند اما این مذاکرات برای زمامداران ایران ساده نخواهد بود به ویژه که دولت ترامپ در هفته‌های پایانی دوره ریاست جمهوری خود تلاش خواهد کرد که تحریم‌های بیشتری علیه تهران اجرا کند. رژیم ایران نه تنها با چالش‌های اقتصادی بزرگی روبروست بلکه پس از کشته شدن قاسم سلیمانی از نوعی خلاء سیاسی-امنیتی نیز برای امتیازگیری در مذاکره رنج می‌برد.

\*منبع: شرق الاوسط

\*نویسنده: مصطفی فحس

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



## زنان شاخص

### مینو قره‌باغی (۱۳۸۸ - ۱۳۲۶)



مینو قره‌باغی، ارشد فرزندان ارتشید عباس قره‌باغی، (مینو، نینو و میترا) متولد سال ۱۳۲۶ در تهران، دبیرم دولتی خود را از دانشکده هنرهای زیبا و کاربردی شهر تولوز (فرانسه) دریافت داشت و سپس در مدرسه عالی موزه لوور پاریس به تحصیل ادامه داد و نیز هنرکده عالی تزئینات مجسمه‌سازی و گراور را در فاصله سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۶۷ میلادی به‌تمام رسانید و در بازگشت به ایران، ابتدا هنرستان هنرهای زیبا را در کرمانشاه تأسیس کرد و ریاست آن را خود برعهده گرفت. پس از راه افتادن کامل این مدرسه در کرمانشاه، مینو در تهران به ریاست هنرستان عالی استاد حسین بهزاد گمارده شد و در عین حال رشته‌های هنری را تدریس می‌کرد. در پی انقلاب اسلامی، مینو قره‌باغی به فرانسه بازگشت و با محافل هنری پاریس در زمینه

پیکر مینو قره‌باغی، روز جمعه شانزدهم اکتبر ۲۰۰۹ در گورستان پرلاشر پاریس به‌خاک سپرده شد.

### ۱۰ سوپر غذایی ضد گرسنگی و اشتها

چاقی و اضافه وزن از یک طرف و رژیم های سخت غذایی برای لاغر شدن و رسیدن به یک تناسب اندام دلخواه از طرف دیگر دغدغه ی شمار زیادی از انسان های دنیا مدرن است چرا که تغییر عادات غذایی و سبک زندگی شمار بالایی از جمعیت جهان را به سمت انباشته شدن چربی ها سوق می دهد. یکی از شاه راههای رسیدن به وزن ایده ال کنترل اشتها و مصرف خوراکی و مواد غذایی لاغرکننده است. در این گزارش قصد داریم ۱۰ ماده غذایی و خوراکی تایید شده از سوی متخصصان تغذیه برای سیری طولانی مدت و جلوگیری از افزایش اشتها به شما معرفی کنیم. به عقیده متخصصان رژیم درمانی زنان لندن ۱۰ خوراکی فوق العاده برای کاهش اشتها و لاغری راحت شناخته شده است که مصرف آن به هر کسی توصیه می شود. مواد غذایی و خوراکی که کم کننده اشتها و ضد گرسنگی:

شکستن چربی در بدن می شود. یکی از سبزیجات عالی برای لاغری و تناسب اندام کلم بروکلی است به طوری که متخصصان لاغری معتقدند کلم بروکلی یک انتخاب بزرگ برای کمک به کاهش وزن است. بروکلی با داشتن فیبر و آب قابل توجه احساس گرسنگی و اشتها را کاهش می دهد به این واسطه بدن دیگر نیاز مصرف میان وعده را احساس نمی کند.

**روغن نارگیل این بار داروی ضد گرسنگی:**  
روغن نارگیل را جایگزین روغن غذایان کنید تا به جای ذخیره شدن چربی در بدنتان سوخت چربی ها را داشته باشید. روغن نارگیل دارای چربی منحصربه فرد به نام تری گلیسرید است که موجب افزایش سوخت و ساز در بدن می شود. استفاده از روغن نارگیل در برنامه غذایی اشتها را کاهش داده و بدن برای مدت طولانی تری احساس سیری می کند.



**باقالی سبزی یک خوردنی ضد اشتها:**  
یکی از مواد غذایی پر مصرف در میان ژاپنی ها باقالی سبز است و آنها یکی از دلایل تناسب اندام و سلامتی شان را همین ماده غذایی پرخاصیت عنوان می کنند. باقالی سبز مانع از پرخوری شما می شود چرا که فیبر بالای موجود در آن احساس سیری طولانی مدتی ایجاد می کند. به همراه گوشت و سبزیجات دیگر در سالاد و سوپ می توانید باقالی استفاده کنید.  
**گریپ فروت میوه ضد اشتها:**  
خوراکی فوق العاده دیگر این بخش گریپ فروت است که در میان صدها خاصیت یکی مختص افرادی است که دوست ندارند اشتهای بالایی داشته باشند. میوه نارنجی فوق العاده در بدن با محدود کردن ترشح هورمون ذخیره چربی و انسولین بدن را برای کاهش وزن مستعد می سازد.  
**لفل ها تندترین ضد اشتها:**  
لفل تند همانطور که از نامش پیداست به تندی سوخت و ساز را در بدن پیش می برد اما دلیل آنکه این ماده خوراکی مقوی در لیست مواد غذایی

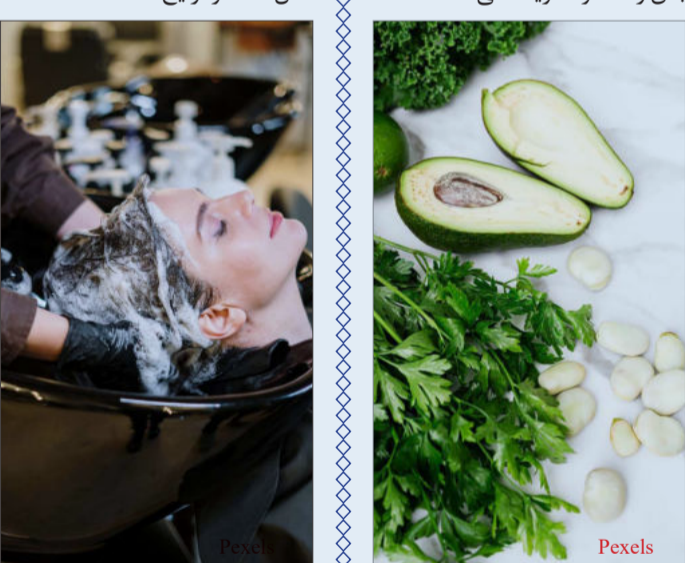
سالمون یک ضد اشتهای و گرسنگی پرخاصیت:  
بازهم بحث تغذیه سالم شد و صحبت از ماهی به میان آمد. مصرف ماهی روش بسیار خوبی برای کنترل وزن است. چربی های امگا ۳ موجود در این پروتئین با افزایش سوخت و ساز بدن سرعت سوزاندن چربی و کاهش وزن را سرعت می بخشد.  
**کوینولا کم کننده اشتها و ضد گرسنگی:**  
شاید نامش را کمتر شنیده باشید اما بهتر است با آن آشنا شوید تا رژیم غذایی سالم تری را تجربه کنید. این کربوهیدرات فاقد گلوتن است و ترکیبی با پروتئین می باشد. مصرف این ماده غذایی به فرد احساس سیری می بخشد. حفظ تعادل قند خون و کاهش میل به مصرف خوراکی های شیرین یکی دیگر از فواید لاغرکننده این ماده غذایی است.  
**استفاده از خاصیت چربی سوزی و ضد گرسنگی کلم بروکلی:**  
بروکلی علاوه بر داشتن کالری بسیار کم، ترکیباتی در خود دارد که موجب



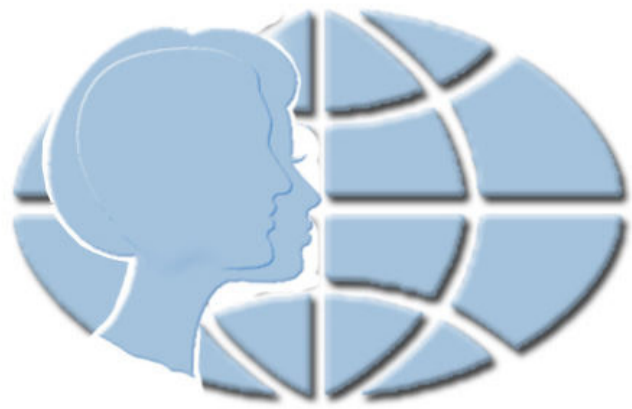
### مصونیت از کرونا پس از بهبود طولانی نیست

اخیرا شواهد جدید در حال اثبات این واقعیت هستند که آنتی بادی های ناشی از ابتلا به ویروس کرونا به سرعت در بدن کم می شوند و خطر ابتلای مجدد را ایجاد می کنند. متخصصان معتقدند که مصونیت در برابر این بیماری مدت زمان زیادی طول نخواهد کشید و بعد از دو، سه یا پنج ماه کاهش خواهد یافت. این تحقیق که توسط محققان کالج امپریال لندن انجام شد، نشان داد که تعداد افرادی که آنتی بادی قابل قبولی در فاصله ماه های ژوئن تا سپتامبر داشتند، حدود ۲۶ درصد کاهش یافته است و این شواهد بر این باور بیشتر تاکید می کنند که آنتی بادی های این ویروس به سرعت کم می شوند و خطر عفونت مجدد ایجاد می کنند. دکتر ایوان مالدونادو، متخصص بیماری های عفونی استنفورد می گوید: ما کاملا مطمئن ایم که ما آنتی بادی محافظتی که تا ابد دوام بیاورد نخواهیم داشت. محققان همچنان در حال کشف دوام آنتی بادی پس از عفونت هستند و هنوز میزان آنتی بادی یک سال پس از ابتلا به کووید ۱۹ ثبت نشده است. در همین راستا، بیش از ۳۵۰،۰۰۰ شرکت کننده در مطالعه در انگلستان آزمایش آنتی بادی خون دادند تا به محققان برای درک اینکه افراد مبتلا به عفونت ویروس کرونا تا چه مدت دارای آنتی بادی محافظ هستند، کمک کنند. به گفته دکتر آلن فاکسمن، آسیب شناس و ایمونوبیولوژیست دانشگاه ییل داشتن آنتی بادی در هنگام قرار گرفتن مجدد در معرض این ویروس ممکن است باعث شود سیستم ایمنی فرد پاسخ سریع تری ایجاد کند؛ هرچند که احتمال دارد هیچ تاثیری هم نداشته باشند چرا که پاسخ به این ویروس از فردی به فرد دیگر متفاوت است و هنوز علت آن مشخص تفکر دیگر نشده است.

ضد گرسنگی و اشتها قرار گرفته است. دارا بودن ماده ای به نام کیسایسین است که با تبدیل کردن غذا به انرژی در بدن سرعت شکستن چربی ها را افزایش داده و طبع گرمی آن مانع از تشدید اشتها می شود.  
**تمشک ریزه ضد اشتها و گرسنگی:**  
تمشک میوه ی خوشمزه ای است که در لیست خوراکی های لاغر کننده قرار دارد. راز اصلی و مهم لاغرکنندگی این میوه داشتن میزان شکر پایین و فیبر مناسب است. به همین علت مصرف تمشک هورمون گرسنگی در بدن را کمتر تحریک می کند.



**آوآکادومیوه پرچرب ضد اشتهاست:**  
درست است که آوآکادو یک میوه ی چرب به شمار می رود اما چربی موجود در آن در دسته مفیدها قرار دارند و همین میزان چربی در بدن باعث ایجاد احساس سیری و کاهش اشتها می شود. آوآکادو یک منبع غنی از چربی های اشباع نشده سالم برای بدن است که به همراه آمینو اسید موجود در این میوه حس گرسنگی در بدن را به شدت کاهش می دهد. مصرف یک دوم آوآکادو در روز باعث لاغری و تناسب اندام سریع می شود.  
**بادام یک ضد اشتهای خوشمزه:**  
درست است که بادام کالری بالایی دارد اما مطالعات نشان داده است که مصرف مناسب آن در کاهش وزن موثر بوده است. افرادی که در روز یک نیمه مشت بادام مصرف می کنند توانایی بیشتری برای کاهش وزن دارند. پروتئین بالا و چربی سالم موجود در بادام به ما کمک می کند تا مدت زمان بیشتری را احساس سیری داشته باشیم و میل خوردن میان وعده و غذای بیشتر در بدن کم شود.



## زن روز



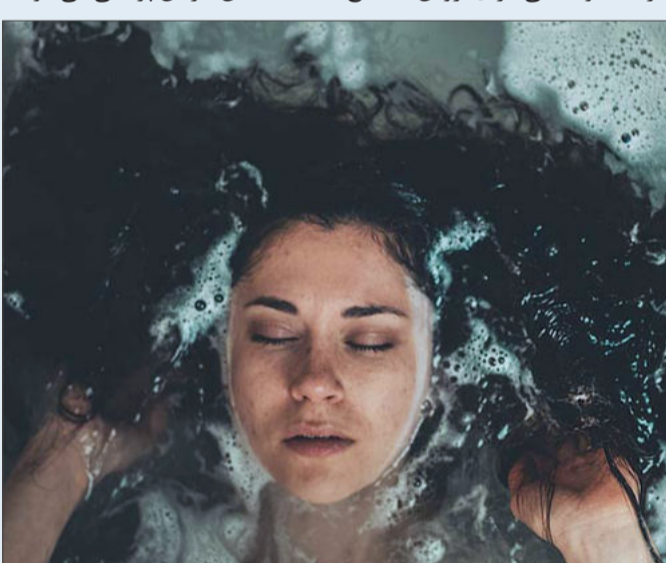
فرع فرخزاد

ناله می لرزد، می رقصد اشک آه بگذار که بگریزم من از تو ای چشمه جوشان گناه شاید آن به که بپرهیزم من بخدا غنچه شادی بودم دست عشق آمد و از شاخم چید شعله آه شدم صد افسوس که لبم باز بر آن لب نرسید عاقبت بند سفر پایم بست می روم خنده به لب خونین دل می روم از دل من دست بدار ای امید عبث بی حاصل

### بایدها و نبایدهای روش صحیح حمام کردن

استفاده کنید. **۴. محل های مورد نظر را تمیز کنید**  
واقعا باید محل های کثیف را تمیز کنید آن محل هایی که غدد تعریق بالایی دارند، مانند کشاله ران، کفل، زیر سینه ها و زیر بغل و موها را بیش از حد نشویند.  
**۵. پیش از اندازه موها را نشویند**  
مو از سلول های مرده تشکیل شده است و به اندازه بقیه پوست ما نیازی به شستن ندارد. این که چه طور مرتب می شوید به نوع موی شما بستگی دارد.  
شستن اغلب اوقات می تواند باعث خشک شدن شود، به خصوص برای افراد با موهای خاکستری و یا موهای رنگی، که تمایل به خشک تر شدن دارد.  
**۶. اما موها را خیلی کم هم نشویند**  
متخصصان امراض پوستی می گویند

الکتریکی ایجاد می کند. زمانی که از بالا به سمت پایین از سر تا انگشتان پا آب می ریزید سالم است. مغز ما رگ های بسیار کوچکی دارد و جریان خون در آن ادامه پیدا می کند. اگر فردی، یک لیوان آب را مستقیما روی سر خود بریزد، آن رگ ها باعث کاهش لخته شدن خون در آنجا می شود. انجام این کار برای سال ها، به کندی مغز ما را مسدود می کند که یکی از دلایل اصلی فلج یا خونریزی مغزی در سنین بالاتر است. وقتی مساله شدید می شود، قلب ما باید سریع تر از واکنش به مغز کار کند. بنابراین ضربان قلب ما افزایش می یابد، که به سرعت منجر به سکنه قلبی و چیزهای دیگر می شود. همان چیزی که برای یک کودک کوچک اتفاق می افتد وقتی که او قادر به تحمل آب نیست و احساس لرزش می کند. جزئیات و نکاتی برای روش صحیح حمام کردن



برخی مردم خیلی کم موها را می شویند که باعث تجمع شوره سر می شود. مردم اغلب به شستن پوست سر بی توجهی می کنند که منجر به پوسته پوسته شدن و قرمزی پوست می شود.  
**۷. روی بخش های خشک پوست تمرکز کنید**  
بازوها و پاهایتان همیشه به صابون نیاز ندارد. برای یک دوش سریع، روی زیر بغل و کشاله ران تمرکز کنید.  
**۸. اگر ژلیت می زنید، این کار را آخر انجام دهید**  
ژلیت زدن باید در پایان دوش اتفاق بیفتد تا موها خیس شوند اما از شدت گرما و بخار بیش از حد متورم نشوند، که باعث ورم مو می شود که بعدا منجر به فرو رفتن موها زیر سطح پوست می شود.  
**۹. استفاده از سنگ پا**  
همانند ژلیت زدن در آخر حمام استفاده از سنگ پا در فضای مرطوب و گرم پوست را نرم و سلولهای مرده را از بین می برد.

۱۰ بار آب را روی سر و سپس بر روی بدن می ریزید. آیا می دانید این چیزها می تواند زندگی را به خطر بیندازد؟ بسیاری از شما آن را شوی در نظر می گیرید.  
**روش صحیح حمام کردن:**  
بهترین روش برای استحمام باید از روی پا شروع شود. ابتدا، آب روی پاهای خود و سپس روی ران و بقیه بدن بریزید. این را باید از پایین به بالا انجام داد. سرانجام، باید آب را روی سر ریخت. انجام این کار فقط یک دقیقه طول می کشد، اما این فعالیت یک دقیقه ای می تواند زندگی ها را نجات دهد! همه ما می دانیم که چنین چیزهایی بدون منطق و یافته های علمی بی اساس هستند و هیچ کس موافقت نخواهد کرد. حالا باید دلیل علمی این را بگوییم.  
**دلیل علمی برای فرآیند حمام کردن صحیح:**  
میدان الکتریکی در همه جا و در بدن ما وجود دارد! به خاطر گذر پیوسته و جریان خون، در بدن ما یک میدان



۱۰ بار آب را روی سر و سپس بر روی بدن می ریزید. آیا می دانید این چیزها می تواند زندگی را به خطر بیندازد؟ بسیاری از شما آن را شوی در نظر می گیرید.  
**روش صحیح حمام کردن:**  
بهترین روش برای استحمام باید از روی پا شروع شود. ابتدا، آب روی پاهای خود و سپس روی ران و بقیه بدن بریزید. این را باید از پایین به بالا انجام داد. سرانجام، باید آب را روی سر ریخت. انجام این کار فقط یک دقیقه طول می کشد، اما این فعالیت یک دقیقه ای می تواند زندگی ها را نجات دهد! همه ما می دانیم که چنین چیزهایی بدون منطق و یافته های علمی بی اساس هستند و هیچ کس موافقت نخواهد کرد. حالا باید دلیل علمی این را بگوییم.  
**دلیل علمی برای فرآیند حمام کردن صحیح:**  
میدان الکتریکی در همه جا و در بدن ما وجود دارد! به خاطر گذر پیوسته و جریان خون، در بدن ما یک میدان



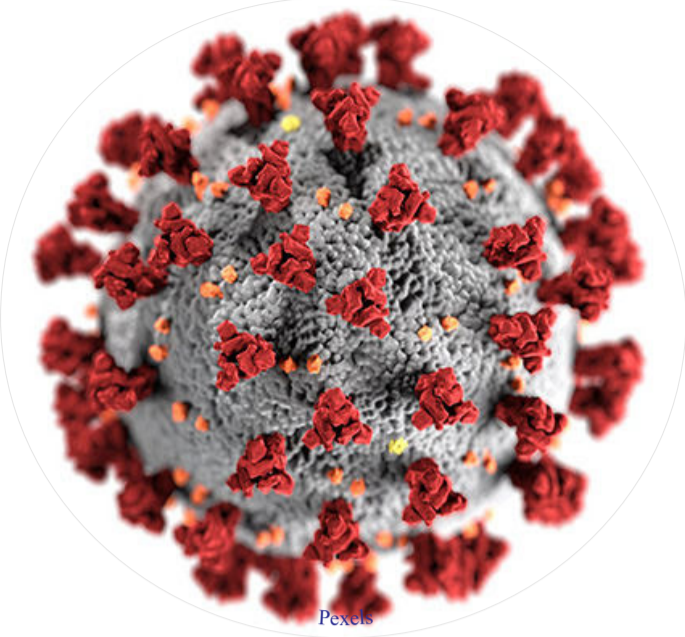
## مردان شاخص



### پرویز محمود (۱۳۷۵ - ۱۲۸۸)

پرویز محمود رهبر ارکستر و آهنگساز اهل ایران بود. وی ارکستر سمفونیک تهران را به فرم مدرن آن شکل داد و آثاری برای ارکستر سمفونیک با الهام از موسیقی ایرانی آفرید که از این بابت از پیشگامان موسیقی سمفونیک ایرانی به‌شمار می‌رود. پرویز از ۱۸ سالگی، برای تحصیل موسیقی به اروپا رفت و در کنسرواتوار سلطنتی بروکسل به فراگیری نواختن ویلن، آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ همزمان با اشغال نظامی بلژیک توسط آلمان در زمان جنگ جهانی، به ایران بازگشت. پرویز محمود پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۸، به تدریس در هنرستان عالی موسیقی و آموزش آهنگسازی و رهبری ارکستر مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ ارکستر هنرستان را احیا و رهبری آن را در دست گرفت. در سال ۱۳۲۲ به دلیل اختلافاتی که با علینقی وزیری (رئیس هنرستان) پیدا کرد، از رهبری ارکستر هنرستان موسیقی انصراف داد و سرژ خوستسیف دریافت دکترای موسیقی نایل آمد.

جایگزین او شد. پس از آن در سال ۱۳۲۳، پرویز محمود به دلیل علاقه‌ای که به ارکستر داشت، نوازندگان را در منزل پدرش گرد هم آورد و ارکستری را تشکیل داد که به هیچ نهاد رسمی وابستگی نداشت. این ارکستر «ارکستر سمفونیک تهران» نام گرفت و کنسرت‌های این ارکستر به رهبری خود او در تهران برگزار شد. پرویز محمود در سال ۱۳۲۸ به آمریکا مهاجرت کرد. چند سال بعد در دانشگاه ایندیانا به دریافت دکترای موسیقی نایل آمد.



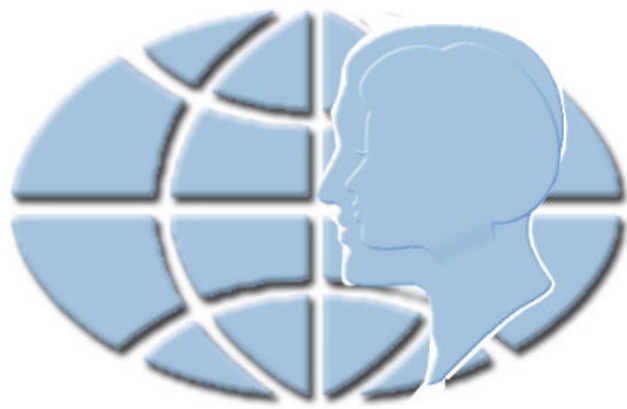
### ارتباط جدی ویتامین D و ابتلا به کرونا

مطالعه جدیدی که بر روی ۲۱۶ فرد مبتلا به کووید ۱۹ انجام شد، نشان داده است که ۸۰ درصد از این افراد ویتامین D کافی در خون ندارند. مطالعات نشان داده اند که داشتن ویتامین D کافی در بدن، سبب شده که تا ۵۱.۵ درصد خطر مرگ و میر ناشی از این بیماری برای مبتلایان کاهش یافته باشد و برای بهبودی به بیمارانی که به نوع شدید این ویروس مبتلا شده اند، کمک کند؛ هرچند که برای اثبات این مسئله آزمایش‌های بیشتری مورد نیاز است. در این تحقیق میزان ویتامین D در مردان کمتر از زنان بود و علاوه بر این در افرادی که کمبود ویتامین D داشتند، فشار خون بالا و بیماری‌های قلبی عروقی بیشتر بود.

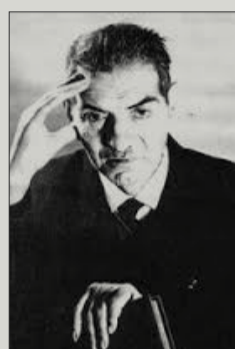
دکتر هانس کنراد بیالسکی، استاد دانشگاه هوهنهایم که ارتباط ویتامین D و کووید ۱۹ را بررسی کرده، می‌گوید: بیماری‌هایی مانند فشار خون، دیابت و چاقی با کمبود ویتامین D در ارتباط است. همچنین به نظر می‌رسد بیمارانی که ویتامین D کافی ندارند، به نوع شدیدتری از کووید ۱۹ مبتلا شوند اما ما هنوز چگونگی ارتباط بین این دو را پیدا نکرده ایم. با این وجود، علاوه بر ارتباط بین سطح ویتامین D و خطر ابتلا به کووید ۱۹ محققان در حال تلاش برای درمان این بیماری به کمک ویتامین D هستند. محققان معتقدند: درمان با ویتامین D باید در بیماران کرونایی با مقادیر پایین ویتامین D انجام شود، زیرا این روش ممکن است اثرات مفیدی در سیستم

اگر در معرض اسکلزی عضلانی و سیستم ایمنی بهداشت دهان و خطر شکستگی استخوان بدن داشته باشد.

قرار دارید، فعال ماندن به کاهش خطر در رفتگی و شکستگی، بهبود تعادل، قدرت، استقامت و کاهش درد کمک می‌کند. قسمت‌های خاصی از بدن مانند مچ دست، لگن و زانو هادر برابر شکستگی آسیب پذیر تر از قسمت‌های دیگر هستند. از انجام تمریناتی با شدت بالا مانند پریدن و دویدن، فعالیت‌هایی که شامل خم شدن به جلو و چرخش کمر می‌باشد، فعالیت‌هایی مانند لمس انگشتان پا، بشین پاشو، گلف، تیسی، بولینگ و برخی از حالت‌های



## مرد روز



شهریار

یاد آن که جز به روی منش دیده وانمود وان سست عهد جز سری از ماسوا نبود امروز در میانه کدورت نهاده پای آن روز در میان من و دوست جانبود کس دل نمی دهد به حبیبی که بی وفاست اول حبیب من به خدا بی وفا نبود تا آشنای ما سر بیگانگان نداشت غم با دل رمیده ما آشنا نبود از من گذشت و من هم از او بگذرم ولی با چون منی بغیر محبت روا نبود گر نای دل نبود و دم آه سرد ما بازار شوق و گرمی شور و نوا نبود سوزی نداشت شعر دل انگیز شهریار گر همره ترانه ساز صبا نبود

## ورزش تقویت استخوان برای سنین مختلف

تقویت استخوان‌ها و پیشگیری از مشکلات استخوان باید از کودکی شروع شود. با ورزش‌های مناسب هر سنی از کودکان زیر ۵ سال تا بزرگسالان می‌توانند استخوان‌هایشان را تقویت کنند.

### تقویت استخوان و عضلات پا ورزش

هدف انواع فعالیت‌های بدنی، سالم نگه‌داشتن استخوان‌ها است، در واقع فعالیت‌های بدنی تنها بخشی از سلامت استخوان‌ها را شامل می‌شوند و پیروی از رژیم سالم و متعادل، هم چنین پیشگیری از عوامل خطر را نیز در اولویت هستند. کودکی، نوجوانی و اوایل جوانی تا اواسط دهه ۲۰، فرصتی برای رشد اسکلت‌ها و ساختن استخوان‌هایی محکم می‌باشد. به جوانان ۵-۱۸ ساله توصیه می‌شود تا حداقل ۳ روز در هفته فعالیت‌های جدی ورزشی انجام دهند تا باعث تقویت عضلات و استخوان‌هایشان

ورزش‌های راکتی مانند بدمینتون، اسکواش و تنیس ژیمناستیک ورزش‌های رزمی مانند کاراته و تکواندو پرش و پریدن تمرینات مرتبط با وزن مانند لانگ، اسکات و شنا سوئدی ورزش‌های موسیقی دار مانند ایروبیک و بوکس صخره‌نوردی فعالیت‌های مرتبط با رقص

**بزرگسالان ۳۵ سال و بیشتر** برای کاهش میزان در رفتگی طبیعی استخوان که از سن ۳۵ سالگی به بعد رخ می‌دهد، حداقل ۲ روز در هفته را به انجام فعالیت‌های تقویت عضلات بپردازید. چنانچه در این بخش خواهید خواند نمونه‌هایی از سایر فعالیت‌های مناسب برای بزرگسالان عبارتند از: پیاده روی های سریع از جمله پیاده روی نوردیک وزنه‌برداری با مقاومت متوسط

## عوارض وحشتناک دندان پوسیده بر بدن

### پوسیده:

داشتن دندان‌های پوسیده و بهداشت ضعیف دندان و دهان، مردان را در معرض خطر بالایی از اختلال نعوظ قرار می‌دهد. باکتری از لثه‌ها و دندان‌های بیمار می‌تواند به راحتی وارد جریان خون شود و باعث ایجاد التهاب در رگ‌های خونی می‌شود؛ این التهاب، می‌تواند جریان خون را کاهش دهد و یا حتی متوقف کند. که در این شرایط، نعوظ سخت‌تر و یا حتی گاهی غیر ممکن می‌شود.

### عوارض دندان پوسیده روی سرطان:

بدیهی است که اقدامات بهداشتی ضعیف دهان و دندان، مانند مصرف تنباکو یا سیگار کشیدن، می‌تواند منجر به سرطان گلو یا دهان شود. اما انواع دیگر سرطان‌ها هستند که با بیماری‌های لثه ارتباط دارند. خطر ابتلا به سرطان کلیه، سرطان پانکراس و سرطان خون در افرادی که بهداشت دهان و دندان ضعیف دارند بسیار بالاتر است.

### رابطه بیماری‌های کلیوی و عوارض دندان پوسیده:

بیماری مزمن کلیه، یک مشکل جدی برای سلامتی است که بر کلیه‌ها، قلب، استخوان‌ها و فشار خون تاثیر می‌گذارد. که عفونت‌های بدن، مانند پرودنتال می‌تواند منجر به بیماری کلیه شود. در کل افراد مبتلا به بیماری لثه، دارای سیستم ایمنی ضعیف هستند و احتمال اینکه عفونت را تجربه کنند بسیار زیاد است. گاهی اوقات بیماری‌های کلیوی می‌تواند بسیار جدی و حتی مرگ بار باشند.

### عوارض دندان پوسیده و آرتریت روماتوئید:

بر طبق گفته انجمن ملی آرتریت رو ماتوئید، افراد مبتلا به بیماری لثه ۴ برابر احتمال ابتلا به آرتریت را افزایش می‌دهند. هر دو بیماری، التهاب مشترک دارند. باکتری‌های دهانی ناشی از روم لثه می‌تواند باعث افزایش التهاب در سراسر بدن شود.

### راه‌های پیشگیری از پوسیده شدن دندان‌ها:

بهترین راه برای پیشگیری رعایت بهداشت دهان و دندان می‌باشد و به طور منظم دندان پزشکی بروید. دندان‌ها و لثه‌هایتان را حداقل دو بار در روز شستشو دهید. از کشیدن سیگار و محصولات تنباکویی اجتناب کنید. خمیر دندان‌ها و دهان‌شویه‌های استفاده کنید که حاوی فلوراید هستند. غذاها و نوشیدنی‌های شیرین را محدود کنید. دندان‌های سالم پاک، بدون درد و ناشی از حفره‌ها هستند. لثه‌های سالم نیز صورتی رنگ هستند و با مسواک زدن خونریزی نمی‌کنند. سلامت دهان و دندان نشان دهنده سلامت کلی بدن است، پس با رعایت کردن آن خطر ابتلا به بیماری‌های جدی‌تر را در بدن خود کاهش دهید.



از آنجایی که بیماری لثه‌ها و پوسیدگی دندان‌ها، سطح قند خون را بالا می‌برند، پس افرادی با بهداشت دهان و دندان ضعیف در معرض خطر ابتلا به دیابت قرار می‌گیرند.

### عوارض دندان پوسیده در دوران بارداری:

برای مادران باردار، رعایت بهداشت دهان و دندان ضروری است. تغییرات هورمونی باعث می‌شود که عفونت به راحتی در دهان گسترش یابد. هر گونه عفونت در بدن زن باردار، عوارض حاملگی را افزایش می‌دهد. این مشکلات، سبب زایمان زودرس نیز می‌شوند. پوسیدگی دندان‌ها و بیماری‌های لثه، مادر و کودک را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد. نابرووری و رابطه اش با دندان پوسیده: ارتباط نزدیکی، بین بهداشت ضعیف دهان و دندان و مشکلات نابرووری در زنان وجود دارد. پوسیدگی دندانها و آسیب های لثه، می‌تواند سلامت کل بدن را تحت تاثیر قرار دهد. افرادی که بهداشت ضعیف دهان و دندان دارند، دیرتر از افراد دیگر باردار و بارور می‌شوند. **اختلال در نعوظ از عوارض دندان**



یوگا خودداری کنید. تمرینات توصیه شده برای کاهش دررفتگی شامل ترکیبی از تمرینات قدرتی، تعادل و استقامت می‌شود و عبارتند از: تمرینات قدرتی مرتبط با وزن بدن تمرینات انعطاف پذیری تایچی پیاده‌روی ایروبیک ملایم پله نوردی **این روال‌های ورزشی آرام و ملایم را نیز امتحان کنید:** تمرینات نشسته تمرینات قدرتی تمرینات تعادلی تمرینات انعطاف پذیری **کار با مری** اگر عمدتاً کم تحرک بوده‌اید یا هرگز ورزش نکرده‌اید، بهتر است از یک مربی کمک بگیرید. حتی اگر چند جلسه تمرین حضوری یا مجازی نیز داشته باشید، فرم مناسبی از ورزش کردن را یاد می‌گیرید و یک برنامه تمرینی متناسب با آن برای خود ایجاد می‌کنید.



پله‌نوردی حمل بار سنگین مانند مواد غذایی ورزش‌های با کش مقاومت باغبانی سنگین، مانند حفاری و بیل‌زنی دستگاه‌های آموزشی متقاطع **افراد مبتلا به پوکی استخوان** اگر مبتلا به پوکی استخوان هستید، فعالیت‌های بدنی منظم می‌تواند به استحکام آن‌ها کمک کرده و خطر شکستگی را در آینده کاهش دهد. بسته به نوع خطر شکستگی، ممکن است لازم باشد از برخی تمرینات با شدت زیاد اجتناب کنید. اما اگر سالم و متناسب هستید و از انجام ورزش‌های منظم لذت می‌برید باید این ورزش‌ها را ادامه دهید. پیاده‌روی و دویدن نمونه‌هایی از ورزش تحمل وزن هستند و به شما در ساخت و حفظ تراکم مواد معدنی استخوان کمک می‌کند. حتی اگر قبلاً نیز به پوکی استخوان مبتلا شده باشید، این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به حفظ تراکم استخوان‌ها، بهبود تعادل و کاهش خطر در رفتگی کمک کنند. **افراد در معرض خطر شکستگی**

شود. رده‌های سنی دیگر نیز با توجه به وضعیت جسمی خود بایستی فعالیت‌های سالم ورزشی را در برنامه روزانه خود بگنجانند. پس لازم شد در این مورد بیشتر بدانید. **فعالیت‌ها و ورزش‌های مفید برای تقویت استخوان** نمونه‌هایی از فعالیت‌های تقویت کننده عضلات و استخوان‌ها عبارتند از: **کودکان خردسالی که هنوز راه نمی‌روند** بازی‌های پر جنب و جوش بر روی شکم خواباندن سینه خیز رفتن **کودکان زیر ۵ سالگی که بدون کمک راه می‌روند** صخره‌نوردی پیاده‌روی پریدن بازی‌های دویدنی **کودکان و بزرگسالان** دویدن بازی‌های با توپ مانند فوتبال، بسکتبال، هاکی و نت بال ترامپولین



## اینترنت خاموش، کشتار بی صدا؛ گامی به سوی دادخواهی کشته‌شدگان آبان



مسالمت‌آمیز را از خوزستان، تهران، اراک تا مشکین شهر و مریوان مستند کرده است. در ارتباط با این گزارش ویژه از اعتراضات سراسری آبان‌ماه، یکسال پس از پرده‌پوشی و دروغ‌گویی و قلب واقعیت این جنایت ضدبشری توسط رژیم ایران، با رها بحرینی پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در امور ایران و وکیل حقوق بشر گفتگو کردیم و از ابعاد مختلف این گزارش و تأثیرات آن در سطح بین‌المللی برای دادخواهی خانواده‌ی قربانیان پرسیدیم.

حقیقت دست پیدا کرده که پس از قطع اینترنت از ۲۵ آبان‌ماه ابعاد کشتار معترضان به شکل هولناکی شدت پیدا کرده و فقط در ۴۸ ساعت بیش از ۲۲۰ نفر توسط نیروهای امنیتی در خیابان‌های سراسر کشور هدف گلوله قرار گرفته و کشته شدند. عفو بین‌الملل به نقض آشکار حق حیات و شلیک هدفمند برای کشتن معترضان در گزارش خود تأکید کرده و با استفاده از صدها ویدئویی که از داخل ایران دریافت نموده، کشتار شرکت‌کنندگان اعتراضات

آزاده کریمی، علی اشتیاق - سازمان عفو بین‌الملل و دانشگاه «هرتی» در همکاری با «پروژه تشخیص و تحلیل قطع اینترنت» (IODA) اسناد، اطلاعات و ویدئوهایی از اعتراضات سراسری آبان‌ماه سال گذشته در ایران منتشر کرده است. در این گزارش که تحت عنوان «اینترنت خاموش، کشتار بی‌صدا» تنظیم شده، قتل ۳۰۴ شهروند به دست نیروهای امنیتی در فاصله ۲۴ تا ۲۸ آبان‌ماه ۹۸ بطور موثق ثبت شده است. عفو بین‌الملل به این

ویدئو

## یک پله سقوط برای تیم ملی فوتبال ایران در رده‌بندی جهانی؛ فوتسال ایران در مکان ششم جهان



سال‌های اخیر همواره دچار نابسامانی بوده و همزمان موضوع حضور زنان در استادیوم‌ها برای تماشای مسابقات فوتبال پیش آمد و وقتی دستور فیفا در این باره به فدراسیون فوتبال ایران با مقاومت ملایان، امام جمعه‌ها و مسئولان حکومتی روبرو شد، جیبانی اینفانتینو شخصاً به ایران سفر کرد و هنگام بازی‌های خارجی تیم ایران در ورزشگاه صد هزار نفری حضور یافت تا از حضور زنان در ورزشگاه مطمئن شود. فیفا و شخص اینفانتینو به رژیم جمهوری اسلامی هشدار دادند در صورت جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاه‌ها، فوتبال ایران تعلیق خواهد شد.

تیم ملی فوتبال ایران در آخرین رده‌بندی تیم‌های ملی فوتبال کشورها در ماه نوامبر ۲۰۲۰ با یک رده سقوط در جایگاه سوم جهان و دوم آسیا قرار گرفته است. تیم ملی ایران در آخرین مسابقه خارجی خود اخیراً تیم فوتبال بوسنی را در یک بازی دوستانه دو بر یک شکست داد.

تیم ملی ژاپن همچنان در رتبه بیست و هفتم جهان باقی مانده است. در رده ماه اکتبر، تیم بلژیک در صدر جدول تیم‌های ملی دنیا دیده می‌شود و تیم کلمبیا که کارلوس کیروش سرمربی پیشین تیم ایران هدایت آن را به عهده دارد با پنج مرتبه تنزل از مقام دهم تا مکان پانزدهم پایین آمده است.

بعد از اخطار رئیس فدراسیون جهانی، حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری دادستان کل جمهوری اسلامی در اظهار نظری عجیب و از روی نادانی گفت: به فیفا چه مربوط است که در امور داخلی حکومت ما دخالت می‌کند؟! زیرا او غافل از این است که فیفا تنها فدراسیون بین‌المللی ورزش‌هاست که اختیارات نامحدودی در مواجهه با کشورها و رژیم‌هایی که بین زنان و مردان برای تماشای مسابقات فرق قائلند و همینطور تقلب‌های گوناگون، در این ورزش دارد.

به هر روی مشکل نشستن زنان در جایگاه‌های استادیوم‌های ایران برای تماشای فوتبال بطور گزینشی «حل» شد. همچنین تعداد زیادی

ده تیم برتر دنیا در حال حاضر به ترتیب تیم‌های بلژیک، فرانسه، برزیل، انگلیس، پرتغال، اسپانیا، آرژانتین، اوروگوئه، مکزیک و ایتالیا هستند. در دورانی که کارلوس کیروش سرمربی اهل پرتغال هدایت تیم ایران را به عهده داشت، تیم ملی دو بار در بازی‌های جام جهانی حضور یافت و برای شش سال عنوان برترین آسیا را در اختیار داشت. اما با اصرار و سماجت مسعود سلطانی فر وزیر ورزش، کیروش از سرمربیگری تیم ایران کنار گذاشته شد و از آن پس تیم ملی در مدتی کوتاه چند سرمربی خارجی عوض کرد.

### رئیس کمیته بین‌المللی المپیک:

## المپیک ژاپن با حضور تماشاچی برگزار می‌شود



از حضور در رقابت‌های المپیک به دلیل حوادثی که در آن کشور در جریان است، از سوی ورزشکاران و روزنامه‌نگاران و تأکید آنها بر اثرات منفی شرایط سیاسی آن کشور بر شرکت‌کنندگان در المپیک دریافت کرده‌ام. ما نیز با کمیته ملی المپیک بلاروس تماس گرفتیم تا مطمئن شویم ورزشکاران رشته‌های مختلف آن کشور به بازی‌های المپیک اعزام خواهند شد.

المپیک ۲۰۲۰ قرار بود تابستان گذشته در توکیو انجام شود ولی به دلیل همه گیر شدن ویروس خطرناک کرونا، یک سال به تأخیر افتاد.

### المپیک را نقض کند، تحریم خواهد شد.

توماس باخ رئیس آلمانی کمیته بین‌المللی المپیک که در روزهای آینده برای دیدار و گفتگو با یوشی هیدوسوگا نخست‌وزیر ژاپن و جانشین شینزو آبه که زحمات خستگی‌ناپذیر او برای برپایی المپیک ۲۰۲۰ ژاپن به یاد ماندنی است، به توکیو می‌رود.

او قبل از سفر به خبرنگاران گفت: بازی‌های المپیک ژاپن را تعداد قابل توجهی علاقمندان به ورزش تماشا خواهند کرد. این نخستین سفر توماس باخ بعد از بحران کرونا به ژاپن است. رئیس I.O.C را در این سفر چهار روز، شماری از نمایندگان کمیته بین‌المللی المپیک همراهی می‌کنند.

توماس باخ گفت: در این سفر پیام من به مردم ژاپن این است که ما تعهد داریم مسابقات المپیک ۲۰۲۰ را ایمن برگزار کنیم. وی یادآور شد: تعداد قابل توجه و در واقع معقولی در جایگاه‌های ورزشگاه‌ها به تماشای رقابت‌های المپیک خواهند نشست البته شمار حضاران در ورزشگاه‌ها بستگی به شرایط زمان انجام مسابقات نیز دارد. رئیس کمیته بین‌المللی المپیک اضافه کرد: ما از تلاش‌های دانشمندان که به تولید واکسن کرونا نزدیک شده‌اند و تا حد زیادی به آن دست یافته‌اند، حمایت می‌کنیم. اما موج اول واکسن «فایزر» برای افراد نیازمند

## از پیامدهای کرونا؛ معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت به دلیل «مدیریت بسیار غلط و پر نقص» استعفا داد

سخت‌ترین شرایط تحریم و امکانات بودجه‌ای، به بالاترین سطح تولیدات کمی و رشد کیفی و استناد به مقالات نسبت به گذشته رسیده است و رتبه نخست منطقه و کشورهای اسلامی را دارد، عدم تشکیل شورای معاونین طی ۶ ماه گذشته و عدم اختصاص وقت از سوی شما برای بحث در امور آموزشی، پژوهشی و دانشجویی.



دکتر رضا ملک‌زاده

روز گذشته، پنجشنبه ۲۹ آبان، سعید نمکی وزیر بهداشت بخش تحقیقات نظام سلامت را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را ناکارآمد دانسته بود. نمکی در سخنانی تند گفت «در تمام دنیا منابع را در بخش تحقیقاتی صرف می‌کنند که نتیجه آن، راهکاری برای گشودن گره‌ای از نظام ارائه خدمت باشد. نظام تحقیقاتی دانشگاهی کشور در این راستا چه کرده است؟ کدام مقاله را به وزیر وقت داده که اگر این کار را انجام دهی، نظام ارائه خدمت به سمت و سوی بهتری می‌رود؟ در مورد کووید ۱۹، یک مدل به بنده بدهید که پیش‌بینی‌ها درست بوده باشد. حتی یکی از پیش‌بینی‌ها هم درست نبوده است. کدام ریاضیدان می‌تواند برای نظام سلامتی مدل‌سازی کند که مؤلفه‌های موثر بر آن با ۵ درصد تغییر، جابجایی شوند؟»

بسیار در ایران شده است و در عین حال مدعی درس «مدیریت بحران کرونا» دادن به سایر کشورها هستید.»

دکتر رضا ملک‌زاده همچنین تبلیغ طب سنتی توسط دم و دستگاه وزارت بهداشت و وزیر را مورد انتقاد شدید قرار داده و نوشته است: «ادعاهای بی‌اساس جنابعالی و سازمان غذا و دارو در خصوص موثر بودن داروهای گیاهی که به اعتقاد اینجانب بدون هیچ مبنای علمی و پژوهشی و مطالعات بالینی کافی صورت گرفته و همچنین دفاع و اقدام جنابعالی از ادغام طب سنتی در نظام شبکه بهداشت و درمان کشور که می‌تواند شبکه بهداشت و درمان ایران را ناپایدار و در دراز مدت تضعیف کرده و مردم را از حقوق خود در بهره‌مندی از درمان‌های پیشرفته پزشکی مدرن محروم سازد.»

دکتر رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت که خود زمانی در دوران ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی به مدت سه سال از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ وزیر بهداشت بود، امروز جمعه ۳۰ آبان ۱۳۹۹ از سمت خود استعفا داد.

دکتر رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت اگرچه امروز در پاسخی بسیار مفصل پاسخ عتاب‌ها و حمله‌های دیروز سعید نمکی را داده بود اما ساعاتی بعد متن استعفای خود را نیز در اینستاگرام منتشر کرد.

«ادعاهای بی‌اساس جنابعالی و سازمان غذا و دارو در خصوص موثر بودن داروهای گیاهی بدون هیچ مبنای علمی و پژوهشی و مطالعات بالینی کافی صورت گرفته و همچنین دفاع و اقدام جنابعالی از ادغام طب سنتی در نظام شبکه بهداشت و درمان ایران را ناپایدار و در دراز مدت تضعیف کرده و مردم را از حقوق خود در بهره‌مندی از درمان‌های پیشرفته پزشکی مدرن محروم سازد.»

دکتر رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت که خود زمانی در دوران ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی به مدت سه سال از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ وزیر بهداشت بود، امروز جمعه ۳۰ آبان ۱۳۹۹ از سمت خود استعفا داد. رضا ملک‌زاده ۶۹ ساله متخصص بیماری‌های داخلی و دارای فوق تخصص بیماری‌های گوارشی و کبد، زمانی عضو شورای انقلاب فرهنگی نیز بوده است. وی در متنی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده استعفا خود را از مقام معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت اعلام کرده است. دکتر ملک‌زاده در توضیح دلایل خود برای این استعفا خطاب به سعید نمکی وزیر بهداشت نوشته است: «مدیریت بسیار غلط، پرنقص در پاندمی کرونا که به دلیل عدم شورش و توجه شما به توصیه‌ها و هشدارهای متخصصان و محققان نظام سلامت، موجب تلفات انسانی

امروز بعد از آنچه دکتر رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات و فناوری سعید نمکی در پاسخی بسیار مفصل به این عتاب‌های وی پاسخ داد اما ساعاتی بعد متن استعفای خود را نیز در اینستاگرامش منتشر کرد.



## فاسدان با وجود پرونده قضائی همچنان مشغول به کار هستند؛ امضای قرارداد میان سپاه و مهدی جهانیگیری



جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی امضا شده که او به عنوان یکی از افراد فاسد دستگاه حاکمیت با پرونده فساد اقتصادی و اداری روبروست. مهدی جهانگیری پیشتر در ۱۴ مهرماه ۹۶ توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران استان کرمان به دلیل فساد کلان اقتصادی بازداشت شد. سردار غلامعلی ابوحزمه فرمانده سپاه نثارالله کرمان درباره علت بازداشت مهدی جهانگیری گفته بود که علت بازداشت او «خلل در مسائل مالی کشور، کسب درآمد نامشروع و خروج از کشور» بوده است. برخی حتی تصمیم عجیب، توجیه ناپذیر و زبان بار قیمت گذاری ۴۲۰۰ تومانی برای دلار را اقدام برادران جهانگیری می دانند. قیمتی که ارز دولتی را به «ارز جهانگیری» معروف ساخت!

برخی گزارش های غیررسمی از اصرار و پافشاری اسحاق جهانگیری برای قیمت گذاری ارز دولتی به قیمت ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالا خبر می دهند، در حالی که قیمت ارز همان زمان در مسیر ۷ هزار تومان بود!

«ارز جهانگیری» یا «ارز ۴۲۰۰ تومانی» امکانات رانت های بزرگ را برای نزدیکان مقامات جمهوری اسلامی و مافیاهای حکومتی ایجاد کرد و میلیاردها دلار ثروت ملی کشور را تخصیص این ارز به اسم واردات در اختیار رانتخواران قرار گرفت ولی در ازای آن نه کالایی وارد شد و نه در اقتصاد و زندگی مردم گشایشی به وجود آمد در حالی که با توجه به صحبت های سردار غلامعلی ابوحزمه، مهدی جهانگیری پیش از بروز پدیده «ارز ۴۲۰۰ تومانی» نیز در «خلل ارزی» نقش داشته است.

مهدی جهانگیری چند ماه در زندان و در بازداشت نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. اما در اوایل دی ماه آزاد شد. برخی خبرگزاری ها به نقل از منابعی آگاه اعلام کردند او برای رفتن به دفتر کارش و امضای اوراقی چون صورت جلسات و چکها آزاد شده و پس از انجام امور به زندان باز می گردد! اما مهدی جهانگیری دیگر هیچوقت به زندان بازنگشت!

وبسایت «مشرق نیوز» دو ماه پس از آزادی مهدی جهانگیری و در اسفندماه ۹۶ با اشاره به «لایه های سنگین» در پرونده مهدی جهانگیری نوشت: «وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی مهدی جهانگیری با لایه سنگین به هزار میلیارد کاهش پیدا کرد!»

هرچند آن زمان برخی اصولگرایان همان وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی را هم مبلغی نامناسب با رقم اتهامی فساد مهدی جهانگیری عنوان می کردند، اما وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی هم با توجه به وثیقه های صادر شده در پرونده های فساد اقتصادی رقم قابل توجهی است. با اینهمه سرنوشت پرونده مهدی جهانگیری نامشخص مانده و معلوم نیست چگونه لایه خانواده جهانگیری در دفتر رئیس جمهوری اسلامی و رئیس دولت «تدبیر و امید» توانسته این پرونده را امسکوت و معلق کند!

حالا این متهم فساد کلان اقتصادی در حالی آزادانه به فعالیت اقتصادی و زدوبند و امضای قراردادهای هنگفت مشغول است که جریان دیگری که اتفاقاً یک سر آن نیز به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متصل است ادعای «فسادستیزی» و «فسادزدایی از نظام» را دارد!

این قراردادها با گردش مالی ده ها هزار میلیارد تومانی در شرایطی با مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی یکی از افراد فاسد دستگاه حاکمیت با پرونده فساد اقتصادی و اداری روبروست. مهدی جهانگیری پیشتر در ۱۴ مهرماه ۹۶ توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران استان کرمان به دلیل فساد کلان اقتصادی بازداشت شد. سردار غلامعلی ابوحزمه فرمانده سپاه نثارالله کرمان درباره علت بازداشت مهدی جهانگیری گفته بود که علت بازداشت او «خلل در مسائل مالی کشور، کسب درآمد نامشروع و خروج از کشور» بوده است. برخی حتی تصمیم عجیب، توجیه ناپذیر و زبان بار قیمت گذاری ۴۲۰۰ تومانی برای دلار را اقدام برادران جهانگیری می دانند. قیمتی که ارز دولتی را به «ارز جهانگیری» معروف ساخت!

برخی گزارش های غیررسمی از اصرار و پافشاری اسحاق جهانگیری برای قیمت گذاری ارز دولتی به قیمت ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالا خبر می دهند، در حالی که قیمت ارز همان زمان در مسیر ۷ هزار تومان بود!

«ارز جهانگیری» یا «ارز ۴۲۰۰ تومانی» امکانات رانت های بزرگ را برای نزدیکان مقامات جمهوری اسلامی و مافیاهای حکومتی ایجاد کرد و میلیاردها دلار ثروت ملی کشور را تخصیص این ارز به اسم واردات در اختیار رانتخواران قرار گرفت ولی در ازای آن نه کالایی وارد شد و نه در اقتصاد و زندگی مردم گشایشی به وجود آمد در حالی که با توجه به صحبت های سردار غلامعلی ابوحزمه، مهدی جهانگیری پیش از بروز پدیده «ارز ۴۲۰۰ تومانی» نیز در «خلل ارزی» نقش داشته است.

مهدی جهانگیری چند ماه در زندان و در بازداشت نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. اما در اوایل دی ماه آزاد شد. برخی خبرگزاری ها به نقل از منابعی آگاه اعلام کردند او برای رفتن به دفتر کارش و امضای اوراقی چون صورت جلسات و چکها آزاد شده و پس از انجام امور به زندان باز می گردد! اما مهدی جهانگیری دیگر هیچوقت به زندان بازنگشت!

وبسایت «مشرق نیوز» دو ماه پس از آزادی مهدی جهانگیری و در اسفندماه ۹۶ با اشاره به «لایه های سنگین» در پرونده مهدی جهانگیری نوشت: «وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی مهدی جهانگیری با لایه سنگین به هزار میلیارد کاهش پیدا کرد!»

هرچند آن زمان برخی اصولگرایان همان وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی را هم مبلغی نامناسب با رقم اتهامی فساد مهدی جهانگیری عنوان می کردند، اما وثیقه ۶ هزار میلیارد تومانی هم با توجه به وثیقه های صادر شده در پرونده های فساد اقتصادی رقم قابل توجهی است. با اینهمه سرنوشت پرونده مهدی جهانگیری نامشخص مانده و معلوم نیست چگونه لایه خانواده جهانگیری در دفتر رئیس جمهوری اسلامی و رئیس دولت «تدبیر و امید» توانسته این پرونده را امسکوت و معلق کند!

حالا این متهم فساد کلان اقتصادی در حالی آزادانه به فعالیت اقتصادی و زدوبند و امضای قراردادهای هنگفت مشغول است که جریان دیگری که اتفاقاً یک سر آن نیز به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متصل است ادعای «فسادستیزی» و «فسادزدایی از نظام» را دارد!

## یار غار صادق آملی لاریجانی و فاسد کلان اقتصادی و اداری: تنها گناههم اینست که ۲۰ سال خدمت صادقانه داشتیم و مدیری لایق، توانمند و پاکدست بوده ام!



اکبر طبریزی هنگام ورود به جلسه دادگاه

اتهام یا جرم» را به او و دادگاه ارائه نکرده و «هیچیک از اتهامات این پرونده مربوط به شغل و جایگاه یا مسئولیت خدمتی بنده نبوده و طراحان شکایت صوری (...). نتوانستند سر سوزنی اتهام در رابطه با جایگاه شغلی و مدیریتی ۳۸ ساله خدمتم نسبت دهند.»

در شرایطی که در پرونده اکبر طبریزی اسنادی موجود است که نشان می دهد او با زد و بند و سوء استفاده از موقعیت خود به عنوان معاون اول صادق آملی لاریجانی سال ها به صدور مجوز، فراری دادن متهمان فساد کلان اقتصادی، رشوه گیری و پولشویی مشغول بوده، اما او در این نامه مدعی شده که همه این اموال کسب شده، ناشی از قراردادهای کاری خارج از قوه قضائیه بوده است!

طری همچنین نوشته که «تمامی دریافتی ها و پرداختی های اغراق آمیز و بزرگنمایی شده مربوط به ۲۶ سال قبل بلکه مبتنی و مستند به قرارداد شخصی کتبی و شفاهی مشاوره فنی مهندسی و مشارکت ساخت بوده که هیچکدام از اتهام انتسابی کوچک ترین ارتباطی با درون دستگاه قضائی، جایگاه شغلی، اموال و بودجه قوه قضائیه در بیت المال در کیفرخواست (...). نبوده، تمامی اعمال ساختمانی مربوط به رشته تخصصی ام که کارشناسی رسمی دادگستری بودم و تهااتر ملکم بر فرض ثبوت صرفاً دارای وصف حقوقی و قراردادی هستند، قابلیت تفهیم اتهام و تعقیب اینجانب را نداشته است.»

اکبر طبریزی همچنین خود را «قربانی مبارزه با فساد در درون قوه قضائیه» خوانده که علیه اش «پرونده صوری» درست شده است: «چنانچه نام اینجانب به عنوان قربانی مبارزه با فساد در درون قوه وجود نداشت، از این پرونده عریض و طویل صوری را که تشکیل داده شد، بردارند و نام شخص دیگری را به جای اینجانب درج نمایند، آن شخص از اتهامات واهی تبرئه خواهد شد و پیش از ۹۰ درصد اتهامات اینجانب قبلاً در دوران رؤسای قبلی قوه قضائیه در محاکم قضائی رسیدگی و قرار منع تعقیب و مختومه شده بود.»

شده، گفته بود: «۱۰ نفر از متخلفان تحت تعقیب قضائی و اداری قرار گرفته اند و گزارش لازم نیز برای اقدام به مراجع قضائی ارسال شده است.»

صدور احکام پرونده طبریزی؛ معاون صادق آملی لاریجانی به ۳۱ سال و آمر فیلتر تلگرام در آبان ۹۸ به ۱۰ سال زندان محکوم شدند

روزنامه شرق با اشاره به نقش اکبر طبریزی معاون پیشین اجرایی قوه قضائیه و متهم فساد کلان اقتصادی و اداری، پس از آنکه ابعاد تازه ای از فساد مالی و اداری وی با زمینخواری و ساخت و ساز غیرقانونی در لواسانات منتشر شد، در نامه ای سرگشاده از زندان به دفاع از خود پرداخته است.

روزنامه شرق روز سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۹ در گزارشی با تیتیر «برگ جدیدی از تخلفات در لواسان» نوشت ۶۵۰ هزار مترمربع در این منطقه ساخت و ساز غیرمجاز در این منطقه صورت گرفته است.

در این گزارش به نقل از حسن درویشیان رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور آمده که از ۶۵۰ هزار مترمربع ساخت و ساز غیرمجاز در این منطقه ۲۵۰ هزار مترمربع آن در محدوده و ۴۰۰ هزار مترمربع نیز در حریم شهر بوده است.

درویشیان با بیان اینکه در این مدت ۵۵ میلیارد تومان تخفیفات غیرقانونی از سوی شهرداری به برخی از افراد ارائه شده، گفته بود: «۱۰ نفر از متخلفان تحت تعقیب قضائی و اداری قرار گرفتند - بازداشت و در ساعت سه و نیم شب توسط بازپرس رسیدگی کننده پرونده که در آن شب در بند دو-الف بازداشتگاه منتظر بود، تفهیم اتهام نموده که در تاریخ تشکیل بیش از یکصدساله عدلیه در آن ساعت شب سابقه نداشته است روانه سلول انفرادی شدم.»

اکبر طبریزی همچنین مدعی شده که کاری که صد سال طول می کشید در قوه قضائیه انجام شود را او در ۲۰ سال انجام داده است: «تنها گناه اینجانب این است که بیست سال خدمت صادقانه در قوه قضائیه، مدیری لایق، توانمند و پاکدست بوده ام که در پایان هر دوره ریاست قوه قضائیه حساسی دقیق توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی حسب دستور مرحوم حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و حضرت آیت الله محض ورود حجت الاسلام دکتر رئیسی صورت گرفته که امین روسپیدی از کار درآمدهام و به عنوان مدیر نمونه اجرایی کشور معرفی شده ام. کار یکصد ساله عدلیه را به گواه رؤسای کل دادگستری سراسر کشور، ظرف مدت بیست سال انجام دادم.»

رئیس اجرایی پیشین قوه قضائیه جمهوری اسلامی مدعی شده سازمان اطلاعات سپاه «هیچیک از ادله اثبات

جانشین احتمالی او نام برده می شود. علی لاریجانی رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و مشاور فعلی علی خامنه ای در پیامی گفت «درگذشت دوست گرمای جناب آقای ولید المعلم معاون نخست وزیر و وزیر خارجه فقید کشور برادر، سوریه، موجب تأسف و تألم شد.»

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پیام تسلیت به خاطر مرگ همتای سوری خود خطاب به مهندس عرنوس رئیس شورای وزیران رژیم سوریه نوشت «المعلم در طول دوران حیات خود نقش مهمی در جهت خدمت و دفاع از منافع ملی و امنیت کشورش داشت!»

ولید المعلم در سال های اخیر بارها به تهران سفر کرد و روابط بسیار گرمی با محمدجواد ظریف داشت

این جنگ ۶.۶ میلیون نفر رسید. بر اساس گزارش یونیسف ۵ میلیون کودک سوری متولد دوران جنگ هستند که یک میلیون تن از آنها در اردوگاهها متولد شده اند. در همین دوران حدود ۹ هزار کودک جان باخته و یا مجروح شده اند. علاوه بر این فجایع، حدود ۵ هزار کودک که برخی از آنها تنها ۷ سال سن داشته اند به عنوان نیروی جنگی به کار گرفته شدند.

در تمام این دوران هولناک که جامعه سوریه را دچار انشقاق کرد و به زیرساخت های آن خسارات گاه جبران ناپذیر وارد آورد، المعلم وزیر خارجه سوریه به عنوان یکی از همدستان اصلی بشار اسد در جنایات علیه مردم این کشور در حال خدمت بود. از همین روست که مدح و ستایش چنین فردی از سوی مقامات جمهوری اسلامی در ایران و رسانه های داخلی چندان عجیب نیست.

بسیاری از سیاستمداران دنیا از جمله اورسولا فن در لاین رئیس کمیسیون اروپا و وزیر دفاع پیشین آلمان از بشار اسد به عنوان «قصاب سوریه» یاد کرده اند.

تشییع جنازه المعلم روز دوشنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۲۰ در دمشق برگزار شد. از فیصل مقداد معاون المعلم به عنوان

عربی» و اعتراضات ضدحکومتی در خاورمیانه و شمال آفریقا جرقه های اعتراض در سوریه نیز در اسفند سال ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) زده شد. بازداشت تعدادی دانش آموز در شهر دما در جنوب سوریه که روی دیوار مدرسه علیه اسد شعار نوشتند خشم مردم را در پی داشت. در این اعتراضات تعداد زیادی دستگیر شدند. اعتراضات مسالمت آمیز سوری ها به درگیری و مقابله کشید که تعدادی کشته برجای گذاشت و شعله خشم مردم را به خمص و دمشق کشاند. با ادامه اعتراضات کنترل اوضاع از دست رژیم اسد خارج می شد که وی دست به دامان جمهوری اسلامی شد. رژیم ایران شماری از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای کمک به نیروهای بشار اسد به شهرهای مختلف این کشور اعزام کرد. حضور حزب الله و نیروهای وابسته به سپاه پاسداران و سرکوب شدیدی مردم مقدمه جنگ داخلی در سوریه شد.

سوریه پیش از آغاز جنگ حدود ۲۲ میلیون نفر جمعیت داشت. طی ۹ سال جنگ سوریه بیش از ۵۰۰ هزار نفر کشته شدند. بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تعداد آوارگان سوریه در طول

از جنگ داخلی سوریه به رژیم اسد بود. در حالی که بشار اسد در سوریه با حمایت روسیه و ایران توانست در برابر فشارهای غرب بماند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند.

## سوگنامه های برادرانه از تهران تا مسکو المعلم «ولید قصاب سوریه»

از جنگ داخلی سوریه به رژیم اسد بود. در حالی که بشار اسد در سوریه با حمایت روسیه و ایران توانست در برابر فشارهای غرب بماند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند.

از جنگ داخلی سوریه به رژیم اسد بود. در حالی که بشار اسد در سوریه با حمایت روسیه و ایران توانست در برابر فشارهای غرب بماند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند.

از جنگ داخلی سوریه به رژیم اسد بود. در حالی که بشار اسد در سوریه با حمایت روسیه و ایران توانست در برابر فشارهای غرب بماند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند.

از جنگ داخلی سوریه به رژیم اسد بود. در حالی که بشار اسد در سوریه با حمایت روسیه و ایران توانست در برابر فشارهای غرب بماند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند. در حالی که مردم سوریه در برابر فشارهای غرب ایستادند.



## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۹۶)

( کیهان لندن شماره ۱۳۷۷ )

احمد احرار



اقداماتی که سردار سپه می‌کند، با فکر خودش یا اجانب باشد، خلاف مصالح مملکت است.» از این قبیل اظهارات خیلی کرده‌اند و از این سفر خیلی اظهار نگرانی نمودند. بعد از آن، یکی از وکلا اظهار نمود که این اخبار روزنامه‌های ایران نبوده بلکه اخبار رویتر بوده است که در جراید نقل شده است.

آقا شیخ محمدعلی تهرانی اظهار نموده‌اند که اگر به این شخص کمک بشود، پیشرفت خواهد نمود و الا موفق نخواهد شد. بعد آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند تا امروز من موفق سردار سپه بودم، از آقای مدرس هم به‌واسطه سردار سپه بریدم. فعلا که آقای مدرس خطر را اینطور بیان می‌فرمایند باید فکر چاره کرد و بنا کرد به گریه کردن و گفت: «من یک آخوند شیشو بیشتر نیستم!»

صورت‌السلطنه پیشنهاد کرد که وزرا را دعوت بنمایند برای سه به غروب مانده، بیایند و توضیح بدهند. آقا سید یعقوب اظهار کردند که محتاج نیست، اگر لازم است الساعه بیایند. عده‌ای اظهار داشت که از فراکسیون‌ها، راه حل پیدا نمایند و اساسا با اظهارات مدرس و خطراتی که رسیده موافقت دارم. بهشتی که اجانب به ما بدهند نمی‌خواهیم. موافقت حاصل شود که وزرا را احضار نمایند. تنفس شد. بعد وزرا آمدند. آقای ضیاءالملک از وزرا توضیح خواسته و اظهار داشتند که من موافق با دولت بوده‌ام. امیدوارم طوری پیش نیاید که من هم مخالف باشم. خوب است وزرا توضیح بدهند که آیا صحیح است که رئیس‌الوزرا به بوشهر برای ملاقات شیخ خواهند رفت؟ خوب است به ایشان تلگراف شود که به بوشهر نروند و به تهران مراجعت نمایند. مجلس هم، چنین تذکری به ایشان بدهد. آقای وزیر مالیه این طور توضیح دادند که اخبار رویتر را نمی‌توانم تصدیق کنم، یا تکذیب کنم. رئیس‌الوزرا از اول در نظر داشتند که این کار به‌طور مسالمت ختم شود و حرکت ایشان به‌طور غیر مرتقبه بود و شب قبل از حرکت ما را احضار فرمودند که من به اصفهان، که مرکز عملیات است و شاید بالاترها هم، بروم و تا این کار را خاتمه ندهم مراجعت نخواهم کرد. انگلیسی‌ها هم، در این مدت اقداماتی نزد رئیس‌الوزرا و وزیر خارجه می‌نمودند که کار به‌اصلاح خاتمه یابد. بعد از حرکت رئیس‌الوزرا هم نماینده دولت انگلیس همین مذاکرات را تعقیب می‌نمودند. و در این زمینه توضیحات دادند. بعد از آن، شاهزاده سلیمان میرزا اظهار داشتند استقلال در هر دوره نسبت به حفظ استقلال مملکت امتحانات خود را داده است. دوره اول مقاومت با محمدعلی میرزا، دوره دوم با قشون ارتجاع، و مقاومت در مقابل التیماتوم روس، دوره سوم موضوع مهاجرت، دوره چهارم قرارداد.

فعلا هم موضوعی است که پیش آمده، البته در کلیات و موقع خطر، اختلاف نظر و اختلاف احزاب، نباید باشد ولی با مابقی اظهارات آقای مدرس مخالفم. زیرا که فرمودند که رئیس‌الوزرا در وقت حرکت با رفقای خودشان مشورت نفرموده‌اند. بلی، با آنها که مشورت نکرده‌اند، زیرا که محتاج به مشورت نبوده‌اند. در چه مشورت می‌کردند؟ مسأله تلگرافات شیخ خزعل را آقای رئیس‌الوزرا در مجلس خصوصی مطرح کردند و به‌استثنای بعضی از آقایان که حاضر نشدند، مابقی او را منمرد تشخیص دادند و تقاضای سرکوبی او را از دولت کردند. شخص رئیس دولت هم برای اجرای امر مجلس، در این فصل زمستان که از هیچ رئیس دولتی دیده نشده است، به فرونت تشریف بردند. ما عاشق اشخاص نیستیم، ما عاشق اعمال اشخاصیم. به‌خیر مملکت برخلاف آقای مدرس، رئیس‌الوزرا را درختی که اجنبی آن را کاشته باشد، نمی‌دانم. در مدت چهارده ماه و نیم که در کابینه ایشان عضویت داشته‌ام، ایشان را شخصی ثابت‌العقیده و دارای استقامت در مقابل خارجه دانسته و

اقدام نظامی در خوزستان و پایان دادن به حکومت و حاکمیت شیخ خزعل برای سردار سپه یک پیروزی بزرگ بود و بر اقتدارش افزود. در «سفرنامه خوزستان» که سردار سپه تقریر و دبیر اعظم بهرامی تحریر کرده، جزئیات این واقعه منعکس است. سردار سپه، احساس غرور و در عین حال خشم خود از رفتار مخالفانش را در خلال خاطرات سفر خوزستان عیان می‌سازد. از جمله می‌گوید:

«این اشخاص مذذب و دو رو که با اقلیت مجلس و چند نفر نازاضی یا ترسو دست به هم داده بودند، معلوم می‌شود شوری در مرکز قانونگذاری ایران برپا کرده‌اند، اذهان بعضی وکلای ساده‌لوح را هم مشوب نموده‌اند. و به قدری فتنه و وسوسه کرده‌اند که عده بسیاری از نمایندگان به‌تردید افتاده‌اند. خدمات چندین ساله مرا که در زیر گلوله و بهتان و تهدید سیاسی انجام داده‌ام فراموش کرده، و این حرکت بیبکانه مرا که شخصاً به میان آتش و جنگ رفته، و نتایج شدید انگلیس را پس داده، و چنگ به گلولی امیر نیمه‌مستقل محرمه نهاده‌ام، جنگ زرگری و بنا بر موافقت انگلیس و خود خزعل دانسته‌اند. به آنها وانموده شده است که مقصود، تطهیر خزعل و امضای استقلال است!

پس در جلسات خصوصی، نطق‌های آتشین کرده و نسبت‌ها به من داده، و قصد سلب اختیار از من داشته‌اند. در مقابل تمام اینها، دولت من و وکلای آگاه پاک‌ستیت، دفاع کرده بودند. اما تحریک دلت‌مخالف کار را به جایی کشانید که نزدیک بود بزرگترین لطمات از طرف مجلس شورای ملی به استقلال و قدرت مملکت وارد شود. یک لطمه جدی جبران‌ناپذیر، و آن رد کردن بودجه وزارت جنگ بود. وکلای وطنخواه هیچ تأمل نکردند که تعویق افتادن، یا رد شدن بودجه وزارت جنگ، یعنی از هم پاشیدن نظام جوان، یعنی تجزیه ایالات مملکت، یعنی استقلال چندین خزعل، یعنی از دست رفتن بنادر، و بالاخره از میان رفتن همه چیز مملکت.

گفتند بودجه وزارت جنگ زیاد است و باید تقلیل یابد و چندی در بوته‌اجمال بماند و بالاخره بعد از نامیدشدن من و متزلزل شدن قشون، فکری بشود! عجب این است که دربار قجر هم با این رأی که فای تاج و تخت لرزان اوست، موافقت دارد و همین قدر که از قدرت من کاسته شود، به هر چیز تن درمی‌دهد.

گفته‌اند وکلای مجلس جلسه رسمی سری تشکیل داده و راجع به من و قدم‌هایی که برداشته‌ام، مذاکراتی نموده‌اند. صورت یکی از مجالس سری که به‌طور خلاصه به من تلگراف شده و اکنون از خواندنش فراغت حاصل کرده‌ام، درج می‌شود.

«بدو! شیخ جلال اخبار رویتر را مطرح مذاکره قرار داده و اظهار داشت که اگر این خبر اصلاح، صحیح باشد از نقطه‌نظر اهمیت قابل هرگونه تعقیب خواهد بود. پس از آن، آقای مدرس اینطور بیان کردند: کودتاهایی که در دنیا در هر چند مدت یک مرتبه برای اصلاحات شده است هم‌ماش مبنی بر استقلال فکر کودکانندگان بوده. از قبیل نادرشاه، شاه‌اسماعیل، ناپلئون و غیره. ولی کودتایی که در چهار سال قبل شده است با تحریک اجانب بوده است. اگرچه آقای رضاخان سردار سپه استفاده‌هایی نموده و قشونی تنظیم کرده، ولی از نقطه‌نظر سیاست همیشه مورد نگرانی بوده است. از سه سال قبل که می‌خواست رئیس‌الوزرا بشود به هر شکل بود من جلوگیری نمودم. ولی از همان روزی که به این مقام رسید، منتظر بودم که اجانب از درختی که کاشته‌اند میوه‌اش را بچینند. من این روز را خوانده بودم. امروز از نقطه‌نظر خطر مملکتی، دیگر اکثریت و اقلیت در کار نیست ولی در این مسافرت که کرده‌اند با من و سیزده نفر از رفقای من مشورتی نکرده بودند. بادیگران اگر مشورت نموده‌اند، من اطلاعی ندارم. اگر با نظر آنها یک قسمت مملکت را داده باشند، من هم حرفی ندارم. بالاخره اگر

می‌دانم، ولی به‌فرض صحت اظهارات آقای مدرس، می‌دانید که اگر ایشان قراردادی هم برخلاف مملکت ببندند یا مذاکراتی نمایند، بدون تصویب مجلس بلائثر خواهد بود. اما باید در نظر داشت در وقتی که قشون مشغول اقدامات است، اشخاص سیاسی نباید مداخله به تاکتیک نظامی نمایند. وزرا به ما مطالبی گفته‌اند، ولی ما آنچه را که اطلاع داریم رئیس‌الوزرا، قوای آذربایجان و قوای بروجرد را خواسته، و فوج پهلوی را از تهران امر به حرکت داده‌اند. مقدمات محو خزعل را به‌طریق محاصره فراهم نموده‌اند. در این موقع، این صدایی که بلند می‌شود به‌گوش من که کهنه‌کار مجلس هستم، نامطبوع است و نمی‌توانم ساده تلقی نمایم. رئیس‌الوزرا جز فداکاری و خدمت، کاری نکرده و نخواهند کرد و این صحبت‌های امروز مثل مذاکرات مجلس یونان و احضار پدر اسکندر از ایران بود که شصت سال فتح یونانی‌ها را عقب انداخت. در این موقع آقای رئیس‌الوزرا یگانه کسی هستند که بیریق ایرانی را بر دوش گرفته‌اند. باید او را کاملاً تقویت کرد و گفت با‌مشت آهنین خود، این آخرین سد را هم بکوبید که اقتدار حکومت مرکزی برقرار و بیشتر از این، دست شیخ‌ها را نبوسیم. پس محتاج به هیچ اقدامی از طرف مجلس نیست. آقایان وزرا البته احساسات مجلس را ابلاغ خواهند فرمود. و کلاً نیز اظهار موافقت نمودند. حاجی عز‌الممالک با اظهارات شاهزاده موافقت نموده و اظهار داشت که اگر مخالفی هست، حرف بزن. بعد آقا شیخ جلال به‌نام فراکسیون قیام، نظریات سلیمان میرزا را تقویت و دخالت اجانب را در امور داخله تنقید نمود. ملک‌الشعرا اظهارات مدرس را تقویت و به یک قسمت از اظهارات سلیمان میرزا اعتراف نمود. سردار معظم اظهار داشت که رئیس‌الوزرا مطیع مجلس بوده و احساسات مجلس را به معزای الیه ابلاغ می‌نماییم. وقت تشریف بردن اظهار فرمودند که «یا باید شیخ را از بین بردارم و یا خود بزرگرم.»

سردار سپه ادامه می‌دهد:

«ز آنجایی که اکثریت نمایندگان به‌حقیقت امر مطلع بودند، نقشه دربار و اقلیت و چند نفر آژان خارجی که به‌لباس نمایندگی و مدیریت جریده درآمده‌اند، پیش رفت. بعضی از صلحا ثابت کردند که اگر رئیس دولت به‌نفسه خود را در آتش می‌اندازد، اگر جمعی از قشون ایران تلف می‌شود، اگر وزارت خارجه یادداشت شدید انگلیس را پس می‌فرستد، تمام اینها خواب و دروغ و خیال نیست. همه حقیقت دارد و اسناد آن در مقابل چشم است. کسی که می‌خواهد نفوذ انگلیس و استقلال شیخ را ببیند، چرا جنگ می‌کند؟ چرا لشکر به قلب خوزستان می‌کشد؟ چرا با انگلیس درمی‌افتد؟ چه چیز او را مجبور به این زحمات می‌کند؟ مگر دولت‌های سابق این مملکت برای موافقت با خارجه یا اطاعت از امرای داخله چه می‌کردند؟

آیا غیر از این بود که چشم به‌هم بگذارند و ساکت بنشینند و مبلغی بابت حق السکوت بگیرند؟

پس کسی که جدا وارد کار می‌شود و در چندساله خدمت خود قدمی برخلاف مصلحت ایران یا موافق آمال خارجیان برنداشته، در این سفر هم بدبختی است که جز اصلاح ملک و ملت قصدی ندارد. پس نباید قشون او را در این وقت متزلزل کرد.

این بود که بوجه با اکثریت ۷۷ رأی در مقابل ۱۴ رأی تصویب گردید و مخالفین در این مرحله هم مغلوب شدند. وقتی که به‌عاقبت وخیم این دسایس و جلوگیری از اعطای اعتبارات فکر می‌کنم، یاد می‌آید از خست و لغامت فتعلی‌شاه که در جنگ روس، پسرش را که در اول خوب کار می‌کرد، بی‌پول، و قشون را بی‌سلاح و بی‌معاش گذاشت و بر خود هموار نکرد که دیناری از طلاهای انباشته خود خرج کند، در نتیجه آن شکست‌ها به ایران رسید و آن خسارت‌ها وارد آمد. همه را می‌خواست به‌حرف تمام نماید. به‌خیالش قشون روس را با تهدید می‌توان از میدان برد.»

اورشلیم پست:

## کدام دوشورای رقیب منتظر حکومت در ایران هستند؟



شانس زنده ماندنم صفر است اما آن لحظه که بتوانم به ایران برگردم با اولین پرواز بازخواهم گشت.»

در ۴۲ سال گذشته هدف او بازگشت به وطن بوده است. پهلوی گرچه با وجود زندگی در غرب دائم با تهدیداتی مثل ترور روبروست اما کمپین‌هایی مختلفی با هدف ایجاد یک دموکراسی مدرن و لیبرال در ایران بر اساس رعایت حقوق بشر و آزادی و برابری حقوقی به راه انداخته و همواره برای بازگشت به ایران تلاش می‌کند.

او در جهت هدفش برای سرنگونی رژیم آیت‌الله‌ها تشکیلاتی به نام «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» را رهبری می‌کند. شورایی متشکل از مخالفان در تبعید که هدفشان بازگرداندن پهلوی به ایران به عنوان پادشاه یا رئیس جمهوری است. این شورا که مثل یک دولت در تبعید عمل می‌کند مدعیست در بین آزادخواهان داخل و خارج از ایران ده‌ها هزار حامی دارد.

رضا پهلوی می‌گوید «این شورا که به صورت یک جنبش زیرزمینی عمل می‌کند از طریق ارتباطات الکترونیک و یا رو در رو فعالیت می‌کند و در داخل رژیم ایران نیز حامیانی دارد». او همچنین تأکید کرد «در بین دیپلمات‌های سابق، رسانه‌ها، شاخه‌های نظامی از جمله در سپاه پاسداران طرفدار داریم.»

پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ و قبل از اینکه وی ساکن کاخ سفید شود، رضا پهلوی نامه‌ای سرگشاده به وی درباره آینده روابط با ایران نوشت و تأکید کرد «امروزه مردم ایران، خاورمیانه وجهان متمدن، با تهدید اسلام رادیکال مواجه هستند که ریشه‌های آن در تفکر «خمینیسم» برآمده از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، تئوری صدور انقلاب و اسلامی سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران نهفته است.»

شاهزاده پهلوی آن زمان از ترامپ خواست از تلاش نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از ایران با هدف یک «فروپاشی کنترل شده و بدون خشونت» برای انتقال قدرت و استقرار یک حکومت دموکرات و سکولار از طریق برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه کمک کند.

معلوم نیست آیا این درخواست تأثیری بر سیاست‌های ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران داشت یا نه اما حتی وقتی ترامپ بطور یکجانبه خواست از توافق امنی خارج شد و تحریم‌های شدید را علیه رژیم اعمال کرد تأکید داشت که هیچ تصمیمی در مورد تغییر رژیم در ایران ندارد.

در عین حال رژیم ایران پیش از آنهم با مخالفت‌های داخلی دست و پنجه نرم می‌کرد و اعتراضاتی که اغلب به خشونت کشیده شد در جریان بود از جمله تظاهرات پس از اعلام نتیجه انتخابات ۲۰۰۹ که مردم می‌گفتند در آن تقلب شده است.

در ژانویه ۲۰۱۸ ایران دوباره آشفته شد. تجمعات و اعتراضات خیابانی به صورت سراسری شکل گرفت که محور آن وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و افزایش روزافزون قیمت مواد غذایی و کالاها بود. این اعتراضات خیلی زود به مخالفت با کلیت رژیم و بطور مشخص رهبر جمهوری اسلامی تبدیل شد. بخشی از اعتراضات نتیجه‌ی

ماجراجویی‌هایی رژیم در کشورهای منطقه از جیب مردم ایران بود. از دخالت مستقیم در جنگ داخلی سوریه و پشتیبانی نظامی و لجستیک پرهزینه از حزب‌الله در سوریه تا حمایت از حوثی‌ها در یمن و گروه حماس در غزه. مبالغ هنگفتی از جیب مردم ایران صرف این ماجراجویی‌ها در منطقه می‌شد.

تظاهرات سراسری ضد رژیم ایران در ماه‌های اواخر ۲۰۱۹ و ابتدای سال ۲۰۲۰ آغاز شد و در تابستان همین سال انفجارهای زنجیره‌ای مشکوک در تاسیسات اتمی و استراتژیک جمهوری اسلامی رخ داد. گرچه تصور می‌شد رژیم ایران متزلزل شده، اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه در حال از دست دادن قدرت است دیده نشد. «شورای ملی ایران» نیز که شاهزاده پهلوی آن را رهبری می‌کند نتوانست از این موقعیت به نفع خود بهره برد. یک مشکل اصلی برای رضا پهلوی و دولت در تبعید او این است که وی تنها مدعی قدرت در ایران دموکراتیک پس از سقوط آیت‌الله‌ها نیست. «شورای ملی مقاومت» (NCRI) نیز که نام آن بطور نگران‌کننده‌ای شبیه «شورای ملی ایران» است خود را یک آلترناتیو می‌داند.

در ظاهر به نظر می‌رسد «شورای ملی مقاومت» سازماندهی قویتری دارد و گروه‌های بیشتری نسبت به «شورای ملی ایران» حامی آن هستند اما نگرانی بیشتر درباره این «شورا» این است که «سازمان مجاهدین خلق» که جمهوری اسلامی آن را یکی از بزرگترین دشمنان خود می‌داند از مؤسسان «شورای ملی مقاومت» است.

«شورای ملی مقاومت» در سال ۱۹۸۱ با ۵۶۰ عضو پایه‌گذاری شد که اغلبشان از اقلیت‌های قومی و مذهبی ایران بودند و می‌گفتند به دنبال ایجاد یک سیستم کثرت‌گرا، چند حزبی و دموکراتیک در ایران هستند. ۲۵ کمیته این شورا مدعی هستند که در صورت سقوط رژیم کمتر از شش ماه قدرت را به دست گرفته و طی این شش ماه انتخابات آزاد و عادلانه در سطح ملی برگزار کرده و مجلس مؤسسان را تشکیل خواهند داد.

در هر حال، به نظر می‌رسد ارتباط اندکی بین این دو شورا وجود دارد که هر دو ظاهراً نتیجه مشترکی را برای ایران دنبال می‌کنند. تفاوت اصلی این است که «شورای ملی مقاومت» به فکر برقراری پادشاهی نیست، بلکه هدف مبرور ادعای آن ایجاد یک «جمهوری» در ایران پس از آیت‌الله‌هاست.

شاهزاده پهلوی می‌گوید مشکلی با یک نظام «جمهوری» ندارد و فارغ از شکل نظام آینده‌ی ایران آماده خدمت به کشورش است. او می‌گوید: «همه می‌دانند که من میراث پادشاهی را با خود دارم اما اگر کشور برای جمهوری آماده‌تر باشد، حتی بهتر است. عالیست.»

به نظر می‌رسد، برای رسیدن به هدف مشترک خیلی ضروری باشد که این دو شورا دست به دست هم بدهند و سعی کنند بر سر یک سیاست به توافق و همکاری برسند.

\*منبع: اورشلیم پست  
\*نویسنده: نوئل تیلر  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ و قبل از اینکه وی ساکن کاخ سفید شود، رضا پهلوی نامه‌ای سرگشاده به وی درباره آینده روابط با ایران نوشت و از او خواست از تلاش نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از ایران با هدف یک «فروپاشی کنترل شده و بدون خشونت» برای انتقال قدرت و استقرار یک حکومت دموکرات و سکولار از طریق برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه کمک کند.

● جمهوری اسلامی با معترضان داخل ایران دست و پنجه نرم می‌کند. تجمعات و اعتراضات خیابانی به صورت سراسری که محور آن وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و افزایش روزافزون قیمت مواد غذایی و کالاها بود شکل گرفت و خیلی زود به مخالفت با کلیت رژیم و رهبر جمهوری اسلامی تبدیل شد.

● شاهزاده رضا پهلوی در جهت هدفش برای سرنگونی رژیم آیت‌الله‌ها تشکیلاتی به نام «شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد» را رهبری می‌کند. شورایی متشکل از مخالفان در تبعید که هدفشان بازگرداندن پهلوی به ایران به عنوان پادشاه یا رئیس جمهوری است. این شورا که مثل یک دولت در تبعید عمل می‌کند مدعیست در بین آزادخواهان داخل و خارج از ایران ده‌ها هزار حامی دارد.

● اما «شورای ملی مقاومت» نیز خود را یک آلترناتیو می‌داند و با اینکه به نظر می‌رسد سازماندهی قویتری دارد اما «سازمان مجاهدین خلق» از مؤسسان آن است.

● تفاوت اصلی این است که «شورای ملی مقاومت» به فکر برقراری پادشاهی نیست بلکه هدف مورد ادعای آن ایجاد یک «جمهوری» در ایران پس از آیت‌الله‌هاست. شاهزاده پهلوی می‌گوید اگر مردم بخواهند وی با جمهوری مشکلی ندارد.

۳۱ اکتبر شصتین سالگرد تولد شاهزاده رضا پهلوی بود که تا ۱۹ سالگی در ایران حضور داشت و میراثدار تاج و تخت پادشاهی‌ست. با شورش در ارتش و تظاهرات عمومی خشونت‌آمیز در ایران، محمدرضا شاه پهلوی ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ داوطلبانه کشور را ترک گفت و به تبعید رفت. پهلوی جوان آن زمان در یک پایگاه نظامی تگزاس آمریکا دانشجوی خلبانی هواپیمای جنگنده بود. دو هفته بعد روح‌الله خمینی پس از ۱۵ سال به ایران بازگشت و کنترل کشور را به دست گرفت و پادشاه پهلوی و فرزندش دیگر قدم به ایران نگذاشتند.

با این حال رضا پهلوی می‌گوید «هیچوقت ایران را ترک نکرده‌ام.» او می‌گوید: «ایران زندگی روزمره من و تمام چیز است که دارم... اگر امروز سوار هواپیما شوم و به تهران بازگردم







# سه رویداد و سه دولتمرد نگاهی نو به یک دهه از تاریخ معاصر ایران



## تقویم تاریخ

تا هفت ماه دیگر برای تصویب مجلس پانزدهم تنظیم و ارائه خواهد شد. در مورد آذربایجان نیز چون مسأله داخلی ایران محسوب می‌شود تصمیم گرفته شد ترتیب مسالمت‌آمیزی اتخاذ گردد. اول آذرماه ۱۳۲۵ - از طرف نخست‌وزیر اعلامیه مبنی بر اعزام نیرو به آذربایجان صادر شد. ۲۰ آذر ۱۳۲۵ - نیروهای دولتی وارد تبریز شدند. فرقه دموکرات آذربایجان از هم پاشید. پیشه‌وری و همکارانش به روسیه گریختند.

حل و فصل مسائلی که در مسکو مورد مذاکره قرار گرفت برخوردار است. ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ - سادچیکف و قوام طی بیانیه مشترکی اعلام داشتند که ارتش شوروی ظرف یک ماه و نیم خاک ایران را تخلیه خواهد کرد و قرارداد ایجاد شرکت نفت ایران و شوروی

۲۸ بهمن ۱۳۲۴ - احمد قوام «قوام‌السلطنه» وزرای خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد و بی آنکه منتظر رأی اعتماد شود در رأس هیأتی برای مذاکره با رهبران شوروی، به مسکو سفر کرد. دوم اسفند ۱۳۲۴ - قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران و ژوزف استالین رهبر شوروی پیرامون مسائل جاری دو کشور مذاکره کردند. ۲۹ اسفند ۱۳۲۴ - سادچیکف سفیر جدید شوروی وارد تهران شد. او از اختیارات کامل برای

به نمایندگان مجلس و به شوروی‌ها گفته شود، گفته شد و قوام با یک ترفند ایرانی موجبات رد قراردادی را که خود امضاء کرده بود فراهم کرد. سفیر انگلیس در تهران رد قرارداد نفت را «خطری بزرگ» تلقی می‌کرد. وزارت امور خارجه آمریکا نیز نوعی مصالحه را با شوروی‌ها ترجیح می‌داد که کانون جدیدی در جنگ سرد پدیدار نشود.

اما جرج آلن سفیر کبیر آمریکا شخصاً با سیاست دولت خود همراه نبود و در سخنانی برحق حاکمیت ایران تأکید کرد. قوام در دفاع از منافع ایران این بار تنها بود و پس از آن تنها ماند و بهای سنگینی پرداخت. اما از راه خود منحرف نشد. مجلس براساس طرحی که تهیه کننده آن دکتر صادق رضازاده شفق دوست نزدیک نخست وزیر بود، موافقت نامه ایجاد شرکت مختلط بهره‌برداری از نفت شمال را تقریباً به اتفاق آرا رد کرد.

بحرانی شدیدی در روابط ایران و شوروی آغاز شد. در روز ۱۳ آبان ماه ۵ نوامبر ۱۹۴۷، وزیر امور خارجه ایران رسماً رد موافقت نامه را به سفارت شوروی ابلاغ کرد.

پاسخ شوروی‌ها در یادداشتی که در روز ۲۱ نوامبر به دولت ایران تسلیم شد استثنائاً تند و خشن بود و جز این هم انتظاری نمی‌رفت. در روز

ماه ابراز تمایل کردند و شاه همان روز او را مأمور تشکیل کابینه جدید کرد که روز ۱۹ شهریور به مجلس معرفی شد و در ۱۲ مهر با ۹۳ رأی موافق از ۱۲۰ تن نماینده حاضر در جلسه از قوه مقننه رأی اعتماد گرفت.

در روز ۲۹ مهر، قوام در مجلس شورای ملی حضور یافت و گزارشی مفصل درباره شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که تعهد به تشکیل آن کرده بود به نمایندگان داد و تقاضای تصویب آن را نمود.

ارتش، ناچار به مقابله با غائله بزرگ دیگری در جنوب کشور بود. دلاوری و از خودگذشتگی و جانبازی شبکه‌های مقاومت مسلحانه در زنجان و خمسه طی یک سالی که فرقه بر آذربایجان حکومت داشت، تجزیه‌طلبان را یک آن آسوده نگذاشت.

سرانجام باید گفت که مقاومت منفی مردم آذربایجان در ابتدای کار و خروش و قیام یکپارچه آنان در روزهای آخر، زیربنای همه پیروزی‌ها بود. در این روزها، مثل همه مواردی که ایران

بسیار خواندم. در طی سی سال اخیر، کنجکاو شخصی من درباره این دوران، به ضرورت یک بررسی تاریخی و سیاسی انجامید. خوشبختانه امکان غرور کردم. روزی که تبریز آزاد شد، پدرم از شادی می‌گریست و من این مسرت و غرور را می‌فهمیدم و در آن با او شریک و سهیم بودم.

در سال آخر دبیرستان بودم که نهضت ملی ایرانیان بر ضد سیاست استعماری بریتانیا و به خاطر ملی کردن صنعت نفت شکل گرفت و به یک موج تلافی و ابراز غرور و سربلندی

گهواره‌ها و پایگاه‌های اصلی بزرگی و تمدن کشورمان، به ایران بازگشت، مانند همه ایرانیان احساس شادی و غرور کردم. روزی که تبریز آزاد شد، پدرم از شادی می‌گریست و من این مسرت و غرور را می‌فهمیدم و در آن با او شریک و سهیم بودم.

در سال آخر دبیرستان بودم که نهضت ملی ایرانیان بر ضد سیاست استعماری بریتانیا و به خاطر ملی کردن صنعت نفت شکل گرفت و به یک موج تلافی و ابراز غرور و سربلندی



احمد قوام (قوام‌السلطنه)



سپهبد فضل‌الله زاهدی



دکتر محمد مصدق

۱۱ آذر ماه، دوم دسامبر، شوروی‌ها در یادداشت دیگری رسماً ایران را تهدید کردند. قوام دستور داد که برخلاف رسوم و آداب دیپلماتیک متن یادداشت تهدیدآمیز شوروی‌ها انتشار یابد که مردم از خطری که متوجه ایران است مطلع شوند و افکار عمومی برای دفاع از منافع کشور تجهیز گردد. باز هم به دستور او و بر خلاف سنن، ابراهیم خواجه نوری معاون نخست‌وزیر و سرپرست تبلیغات و رادیو شخصاً در رادیو تهران با فصاحت بیانی که داشت و با لحنی شدید به گفتارهای رادیو مسکو و اعتراضات شوروی‌ها پاسخ داد و در حقیقت به حمله متقابل پرداخت.

در حالی که بحران روابط ایران و شوروی همچنان ادامه داشت، نخست وزیر موفق شد در آخرین روزهای حکومتش، ۲۲ آبان ماه ۱۳۲۶، برای همه متهمان و محکومان و کسانی که در حوادث آذربایجان و کردستان مورد تعقیب قرار گرفته بودند، یک فرمان عفو عمومی از شاه بگیرد. خشونت مردم با کسانی که متهم به همدمستی با فرقه دموکرات بودند طی ماههای بعد از آزادی آذربایجان شدید بود و بعضاً با حمایت مأموران دولت صورت می‌گرفت، گرچه هرگز به حد فجایع و جنایات و غارت‌های تجزیه‌طلبان نرسید. این عکس‌العمل‌ها به تدریج کاهش یافته بود اما قوام می‌خواست به هر قیمت اوضاع را قبل از ترک قدرت به حال عادی درآورد و موفق شد. پایان کارش فرا رسیده بود.

در روز ۱۸ آذرماه ۱۳۲۶، تقریباً یک سال بعد از آزادی آذربایجان و منطقه مهاباد در مجلس شورای ملی حضور یافت و پس از بیان مطالبی پیرامون اقدامات دولت تقاضای رأی اعتماد کرد. از یک صد و دوازده نفر عده حاضر فقط چهل و شش تن به دولت رأی موافق دادند. در نتیجه دولت قوام ساقط شد. قوام در آخرین نطق خود در مجلس گفت:

«بالاخره روزی فراخواهد رسید که مردم بی‌غرضی در این مملکت اوراق تاریخ را ورق بزنند و از میان سطور آن حقایق مربوط به زمان ما را بخوانند.»  
**نقل از کتاب «سه رویداد و سه دولتمرد»**

حالی‌بایست رئیس دولت ترتیب رد پیشنهاد خود را بدهد! این ترفند بزرگ دیگر او در برابر شوروی‌ها بود. با بسیاری از نمایندگان شخصاً ملاقات کرد و به یک یک آنان گفت که تعهد او در انعقاد این قرارداد برای کسب موافقت شوروی‌ها در مورد تخلیه ایران و تقدیم آن به قوه مقننه بود. اما آن‌ها تکلیفی در تصویب آن ندارند و باید آزادانه طبق وجدان خود و در مصلحت مملکت عمل کنند.

در روز بعد از تقدیم گزارش به مجلس، قوام در مصاحبه‌ای با ادوارد سابلیه خبرنگار روزنامه Le Monde پاریس که مستقیماً بدون مترجم انجام شد، سیاست خود را علنی کرد: «وعده من به جای خود باقی است. توافق اصولی من با شوروی‌ها تعهدی است که کرده‌ام و به جای خود باقی است. من کسی نیستم که زیر امضای خود بزنم و به مردی که به وعده‌اش وفا نمی‌کند شهرت یابم.»

به همین سبب تقاضای تصویب موافقت نامه را از مجلس خواهم کرد. اما وضع به کلی تغییر کرده است. نمایندگان منتخب مردم آزادی کامل در قضاوت و تصمیم خود دارند. ما نمی‌توانیم تصمیمی را که خلاف باور و عقیده آنان باشد به آنها تحمیل کنیم. بنابراین ممکن است که موافقت نامه به تصویب قوه مقننه نرسد. من شخصاً با چنین احتمالی موافق نیستم چرا که با همسایه شمالی، ایجاد سوءتفاهم خواهد کرد.»

ادوارد سابلیه از او پرسید: «اگر بیان شما را درست فهمیده باشم، آیا احتمال رد موافقت نامه ایران و شوروی از طرف مجلس وجود دارد؟»  
قوام پاسخ داد: «من چنین چیزی نگفتم. اما دو طرف باید به شرایط جدیدی که به وجود آمده توجه داشته باشند.»  
مخبر لوموند اضافه می‌کند: «آنچه می‌بایست گفته شود، گفته شده بود.»

ادوارد سابلیه در خاطرات خود می‌نویسد، «قوام از من خواست که متن مصاحبه را بلافاصله و حتی قبل از آن که در پاریس به چاپ برسد در اختیار جراید تهران بگذارم و من نیز چنین کردم. آن چه می‌بایست علناً

واقعا در خطر بود، ایرانیان متحد بودند و متحد ماندند که بدون این اتحاد ملی، هیچ چیز میسر نمی‌شد. بحث و مجادله درباره این که چه کسی آذربایجان را نجات داد از گفتگوهای بی‌حاصل است. همه در این مهم شریک بودند. هرکس به قدر مرتبت و قدرتش و بینش و تدبیرش. اگر بنا باشد که دو تن را رو در روی



هیأت ایرانی به ریاست احمد قوام (قوام‌السلطنه) قبل از سفر به مسکو (۲۸ بهمن ۱۳۲۴)

یکدیگر قرار دهیم باید بگوییم که قوام بر استالین پیروز شد. \*\*\*

مسأله موافقت نامه مربوط به بهره‌برداری از نفت شمال باقی مانده بود. قوام از آغاز کار طرح خود را ریخته بود. به هنگام اقامت در مسکو روزی جهانگیر تفضلی فرستاده «ایران ما» را نزد خود می‌خواند و به او می‌گوید: «کاغذی به خسرو اقبال و نویسندگان ایران ما بنویسید که در هر صورت از پیشه‌وری حمایت نکنند و اگر هم دولت با پیشه‌وری مدارا کرد، ایران ما از دولت در این باره انتقاد کند. البته به آن‌ها بنویسید که من این مطالب را گفته‌ام.»

اندیشه فریفتن شوروی‌ها و معامله با آن‌ها از آغاز کار در سرش بود. انتخابات مجلس پانزدهم که مسکو با بی‌صبری در انتظار تشکیل آن بود، انجام شد و شاه دوره جدید قانون‌گذاری را با تشریفات معمول در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ گشود. پس از «آمادگی مجلس»، نمایندگان بار دیگر به انتصاب قوام به ریاست دولت در بیستم شهریور

تدوین این کتاب، برآیند خاطراتی است که از سال‌ها در ذهن خود داشتم - که در حاشیه، به منابع بسیاری از آنها اشاره کرده‌ام - و نیز بررسی‌های طولانی که طی سی سال اخیر انجام داده‌ام. آن چه نوشته‌ام نه درباره این رویدادها، و این دهه پر حادثه و نوسان، کلام آخر است و نه درباره شخصیت‌هایی که به آنان

تدوین این کتاب، برآیند خاطراتی است که از سال‌ها در ذهن خود داشتم - که در حاشیه، به منابع بسیاری از آنها اشاره کرده‌ام - و نیز بررسی‌های طولانی که طی سی سال اخیر انجام داده‌ام. آن چه نوشته‌ام نه درباره این رویدادها، و این دهه پر حادثه و نوسان، کلام آخر است و نه درباره شخصیت‌هایی که به آنان

تدوین این کتاب، برآیند خاطراتی است که از سال‌ها در ذهن خود داشتم - که در حاشیه، به منابع بسیاری از آنها اشاره کرده‌ام - و نیز بررسی‌های طولانی که طی سی سال اخیر انجام داده‌ام. آن چه نوشته‌ام نه درباره این رویدادها، و این دهه پر حادثه و نوسان، کلام آخر است و نه درباره شخصیت‌هایی که به آنان

تدوین این کتاب، برآیند خاطراتی است که از سال‌ها در ذهن خود داشتم - که در حاشیه، به منابع بسیاری از آنها اشاره کرده‌ام - و نیز بررسی‌های طولانی که طی سی سال اخیر انجام داده‌ام. آن چه نوشته‌ام نه درباره این رویدادها، و این دهه پر حادثه و نوسان، کلام آخر است و نه درباره شخصیت‌هایی که به آنان

تدوین این کتاب، برآیند خاطراتی است که از سال‌ها در ذهن خود داشتم - که در حاشیه، به منابع بسیاری از آنها اشاره کرده‌ام - و نیز بررسی‌های طولانی که طی سی سال اخیر انجام داده‌ام. آن چه نوشته‌ام نه درباره این رویدادها، و این دهه پر حادثه و نوسان، کلام آخر است و نه درباره شخصیت‌هایی که به آنان

ملی تبدیل شد. دکتر مصدق، پرچمدار بی چون و چرای این نهضت بود و محمدرضا شاه مانند اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان، از او پشتیبانی می‌کرد. ایرانیان، یک دل و یگانه بودند و به همین سبب در مرحله نخست این نهضت پیروز شدند. این پیروزی بر سیاست استعماری بریتانیای کبیر که هنوز یک امپراتوری نیرومند - اما در راه زوال - بود، همانند پیروزی بر سیاست استعماری شوروی و بر شخص استالین در ماجرای آذربایجان، از صفحات درخشان تاریخ ایران است که باید به تجزیه و تحلیل درست و بی‌طرفانه آنها پرداخت، آن‌ها را باز شناخت و هرگز فراموششان نکرد.

به هنگام پیروزی نهضت ملی، من دیگر در ایران نبودم، و در شادی‌های آن شرکت نداشتم ولی دشواری‌های آن را از دور می‌دیدم و احساس می‌کردم. به هنگام پیروزی، ایرانیان متحد بودند و چون کار به دشواری و سرانجام به بن بست کشید، وحدت کلمه مردم نیز پایان پذیرفت و می‌رفت که کشور، باز هم در معرض خطر تجزیه و تسلط شوروی‌ها و یا عوامل آنان قرار گیرد که بار دیگر تاریخ ورق خورد.

هنگامی که در سال ۱۹۵۸ (بهار سال ۱۳۳۷) پس از هشت سال تحصیل در اروپا به ایران بازگشتم، کشور در امن و امان بود و حکومت مقتدر، دکتر مصدق پس از پایان سه سال زندان که به آن محکوم شده بود، در تبعید اجباری احمدآباد می‌زیست. سپهبد زاهدی نیز ناچار به ترک وطن شده بود. نسب به هر دو حق‌ناشناسی شده بود، اما نه به یک صورت.

شرایط زندگی و مقتضیات سیاسی اجازه نمی‌داد که از دور یا نزدیک دکتر مصدق را ببینم و بشناسم. نه هنگامی که در احمدآباد می‌زیست و نه طی چند ماه آخر عمرش که به تهران بازگشته بود. سپهبد زاهدی در این سال‌ها دو یا سه بار به ایران آمد، اما امکان دیدار وی نیز حاصل نشد. کوتاه سخن آن که من در این کتاب، درباره حوادثی می‌نویسم که بیشتر از دور ناظر آن بودم و درباره دولتمردانی که هرگز آنها را ندیدم. در باره همه این حوادث بسیار شنیدم و

از دکتر هوشنگ نهاوندی، رئیس پیشین دانشگاه تهران، پیش از این کتابهایی به زبان فارسی و فرانسه انتشار یافته است، از آن جمله «ایران، دو رویای درهم شکسته» از انتشارات آلبن میشل، «پرونده سیاه بنیادگرایی اسلامی» از انتشارات نوول ادیسیون، «پرونده دریده اسلامگرایی» از انتشارات پرمیرلینی، «شاه عباس، امپراتور ایران» از انتشارات پرن - که در سال ۱۹۹۹ جایزه آکادمی فرانسه را دریافت داشته - «انقلاب اسلامی، حقایق و دروغها» و بالاخره «آخرین روزها - پایان سلطنت و درگذشت شاه» از انتشارات شرکت کتاب در کالیفرنیا.

کتاب تازه دکتر نهاوندی، با عنوان «سه رویداد و سه دولتمرد - نگاهی نو به یک دهه از تاریخ معاصر ایران» که آن هم از سوی شرکت کتاب به چاپ رسیده به تازگی روانه بازار شده و به تحلیل سه رویداد مهم دهه ۱۳۲۰ و نقش سه دولتمردی که در این رویدادها نقش اصلی را داشته‌اند - احمد قوام، دکتر محمد مصدق و سپهبد فضل‌الله زاهدی - می‌پردازد. مقدمه‌ای که دکتر نهاوندی بر این کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای نوشته است انگیزه و هدف نگارش آن را بیان می‌کند.

در این مقدمه می‌خوانیم:

سه رویداد و سه دولتمرد، تأملی است درباره یک دهه از تاریخ معاصر ایران که پس از گذشت بیش از نیم قرن، نه تنها از دیدگاه تاریخی و تاریخ، بلکه از نظر سیاسی مورد بحث و حتی مجادله بسیاری از صاحب نظران است. سه حادثه عمده تاریخ معاصر ایران: کوشش شوروی‌ها برای تجزیه آذربایجان و قسمتی از کردستان و پایان این بحران به همت همه مردم ایران، به ویژه قوام‌السلطنه، نهضت ملی کردن نفت که دکتر مصدق پرچم‌دار آن بود و سرانجام پایان حکومت مصدق و حوادث بیست و پنجم تا بیست و هشتم مرداد و نقش سپهبد زاهدی در آنها و زندگی و دوران حکومت او، همواره به طور مستقیم یا غیرمستقیم در همه بحث‌های مربوط به مسایل امروزی ایران پدیدار می‌شوند. در هر سه مورد، ایران دستخوش تحریکات یا مداخلات قدرت‌های بزرگ جهانی بود. در هر سه مورد، بخصوص پیرامون دو حادثه اخیر، هنوز اختلاف نظرها و گفتگوها آمیخته با عصبیت و موضع‌گیری‌های سیاسی و مرامی است.

هدف اصلی این کتاب، بررسی دقیق و کاملاً مستند پیرامون این سه حادثه است و تأمل و تحقیق درباره زندگی نامه سیاسی بازیگران اصلی آن‌ها، قوام‌السلطنه، دکتر مصدق و سپهبد زاهدی، و یادآوری از سیاستمداران و نظامیان دیگری که در این دوران نقش و سهمی داشتند، به ویژه آنان که خادمان صدیق وطن خود بودند و همه باید بکشیم که نام آنها به دست فراموشی سپرده نشود.

من، نه قوام‌السلطنه را هرگز دیده‌ام، نه دکتر مصدق را و نه سپهبد زاهدی را. به هنگام حوادث آذربایجان و کردستان، دانش‌آموز دوره اول متوسطه بودم. مانند بیشتر ایرانیان، پدرم سخت نگران تجزیه آذربایجان و خطر تسلط «بلشویک‌ها» بر کشورمان بود. نواهای دیگری را هم می‌شنیدم. اما نگرانی عمومی را احساس می‌کردم و نمی‌توانستم تجزیه کشور را بپذیرم. در دبیرستان سرود آذربایجان را می‌خواندیم و چون به همت قوام‌السلطنه، ایران ناتوان آن روز، بر یکی از دو ابرقدرت پیروز شد و «خطه آذربایجان»، یکی از



## تحریم‌های جدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی؛ وزیر اطلاعات و شبکه‌ی «بنیاد مستضعفان» تحریم شدند



پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان امیر منصور برقی قائم مقام پرویز فتاح در بنیاد مستضعفان محمد علی یزدان جو مشاور عالی رئیس بنیاد مستضعفان سید محمد اتابک معاون اقتصادی بنیاد مستضعفان جواد قناعت، معاون امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان خسرو مختاری، معاون برنامه‌ریزی و امور مجامع بنیاد مستضعفان

سیدضیاء ایمانی، مدیرعامل بانک سینا وابسته به بنیاد مستضعفان محسن علیخانی، شرکت مادر تخصصی و سرمایه‌گذاری سینا وابسته به بنیاد مستضعفان محمد اسکندری، مدیر عامل و عضو هیئت‌مدیره شرکت مالی و سرمایه‌گذاری سینا وابسته به بنیاد مستضعفان جواد اوجی، مدیرعامل هلدینگ انرژی گستر سینا وابسته به بنیاد مستضعفان همچنین بنیاد مستضعفان و شرکت‌های زیر نیز در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفتند:

شرکت آلومینیوم کاوه خوزستان شرکت گسترش صنایع معدنی کاوه پارس شرکت صرافی سینا شرکت انرژی گستر سینا شرکت مادر تخصصی مالی و سرمایه‌گذاری سینا شرکت گسترش پایا صنعت سینا شرکت توسعه خدمات دریایی و بندری سینا

شرکت حمل و نقل سینا ریل پارس سهامی خاص شرکت صنایع کاشی و سرامیک سینا شرکت مهندسی‌مدیریت‌فناوران سامیک شرکت صنایع شیمیایی تاب‌کم شرکت تالون

سیمان تهران شرکت ترابری بین‌المللی تهران شرکت سهامی الیاف شرکت فولاد شرق کاوه شرکت ملی ساختمان شرکت فولاد کاوه آرونند شرکت حفاری و اکتشاف انرژی گستر پارس

شرکت صنایع تجهیزات پارس سارابه شرکت به تام روانکار شرکت ترابری تهران شرکت بازرگانی بهران شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد سهامی خاص شرکت نمایندگی‌های کشتیرانی بنیاد شرکت پالایش قطران ذغال سنگ معدن دماوند

شرکت دی شرکت نساجی حجاب شهرکرد شرکت گسترش الکترونیک ایران شرکت تولیدی ایران تایر شرکت حفاری شمال شرکت صنعت چوب شمال شرکت عمران و مسکن ایران شرکت کاشی پارس

شرکت سیاحتی و مراکز تفریحی پارسینا شرکت پایا سامان پارس شرکت پایاندان شرکت پیوند تجارت آتیه ایرانیان شرکت بازرگانی پیشگامان گسترش افق تجارت ایرانیان

شرکت مالی و سرمایه‌گذاری پیشرو ایران شرکت ره نگار خوار میانه پارس شرکت رامان شرکت صنعتی دوده فام شرکت تولیدی کارخانجات ریسندگی و بافندگی سلک باف گروه صنایع شیشه و گاز

● **یازده مقام و مدیر جمهوری اسلامی از جمله رئیس «بنیاد مستضعفان» و وزیر اطلاعات تحریم شدند.**

● **کشتی باربری بوسکو گیلان و ۴۸ شرکت فعال در حوزه مالی، انرژی، عمران، و معدن نیز در لیست تحریم‌های جدید قرار دارند.**

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تحریم‌های تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی وضع کرده که بخش‌هایی از حوزه‌های مالی، انرژی، عمران، و معدن ایران و همچنین ۱۱ مقام و مدیران اجرایی رژیم ایران از جمله وزیر اطلاعات را شامل می‌شود. نام «بنیاد مستضعفان»، ۴۸ شرکت و یک کشتی باربری نیز در فهرست تحریم‌های ایالات متحده وجود دارد.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا روز چهارشنبه ۱۸ نوامبر برابر با ۲۸ آبان با صدور بیانیه‌ای از تحریم‌های تازه علیه جمهوری اسلامی خبر داد. مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده روز یکشنبه ۲۵ آبان اعلام کرده بود که «امریکا هفته‌آینده تحریم‌های وسیعی را در واکنش به سرکوب‌های مداوم سیاسی مخالفان حکومت جمهوری اسلامی به اجرا در خواهد آورد.»

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد یک شبکه کلیدی زیر نظر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و مقاماتی چون رئیس «بنیاد مستضعفان» و وزیر اطلاعات تحریم شده‌اند.

بر اساس این بیانیه، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا (OFAC) «بنیاد مستضعفان» با مالکیت بیش از ۱۶۰ بخش مهم اقتصادی ایران در حوزه‌های مالی، انرژی، عمران و معدن را تحریم کرده است.

محمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته است. بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، او در نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی از جمله در سرکوب مردم معترض است. آبان ۹۸ نقش محوری داشته است.

پرویز فتاح رئیس «بنیاد مستضعفان»، امیر منصور برقی قائم مقام پرویز فتاح در این بنیاد، محمد علی یزدان جو معاون امور اقتصادی «بنیاد مستضعفان» و جواد قناعت معاون امور اداری و پشتیبانی «بنیاد مستضعفان» از جمله مدیرانی هستند که نام آنها در فهرست تحریم‌های تازه ایالات متحده قرار دارد.

کشتی باربری بوسکو گیلان (BOSCO GILAN) نیز در فهرست این تحریم‌ها قرار گرفته است. در بخشی از این بیانیه تأکید شده که «رهبر جمهوری اسلامی از بنیاد مستضعفان برای پاداش دادن به عوامل خود، زیر پوشش امور خیریه استفاده می‌کند. ایالات متحده به هدف قرار دادن مقامات رسمی کلیدی و منابع تولید درآمد که فرصت سرکوب مستمر مردم ایران را به جمهوری اسلامی می‌دهد، ادامه خواهد داد.»

اسامی افراد و شرکت‌هایی که توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تحریم شده‌اند به شرح زیر است: سید محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی

\*منبع: عرب‌نیوز  
\*نویسنده: کالین مالک  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

عرب‌نیوز:

## تحلیلگران می‌گویند رژیم ایران و ترکیه «بازندگان» نظم در حال ظهور خاورمیانه جدید هستند



یک ناو جنگی نیروی دریایی ترکیه که در رزمایش وطن آبی ۲۰۱۹ شرکت داشت در تاریخ ۹ مارس ۲۰۱۹ از تنگه بسفر در استانبول عبور می‌کند

عبور از واشنگتن با کشورهای حاشیه خلیج فارس کنار بیاید، مرتکب اشتباهی بزرگ شده است و این پیش‌فرض غلط کارساز نیست. محور مقاومت در حالت تدافعی قرار گرفته و این موضوع جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار می‌دهد.

از نظر وطنخواه، اگر پیمان ابراهیم در نهایت منجر به ایجاد روش‌های جدید ملموس برای همکاری میان اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس شود، این موضوع بقای پیمان ایدئولوژیکی که جمهوری اسلامی طی ۴۲ سال گذشته مبلغ آن بوده است دشوارتر می‌کند. وی تأکید می‌کند:



دیدار علی خامنه‌ای و رجب‌طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه در تهران مه‌ماه سال ۱۳۹۶

«این مایه شرمساری جمهوری اسلامی و یک شکست برای آن است.» او می‌افزاید: «سیاست خارجی ایران تحریم‌های سنگینی را متوجه این کشور کرده است و کلیت رژیم را به خطر انداخته است. برخلاف تمام ادوار پیشین، ایرانیان به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و همه چیزهایی که جمهوری اسلامی بر روی آنها استوار است را به چالش می‌کشند. این خطری واقعی برای رژیم است.»

طبق دیدگاه دیگر شرکت‌کنندگان در این میزگرد، ترکیه نیز خود را در سمت اشتباه نظم جدید خاورمیانه می‌یابد. نظمی که در پی عادی‌سازی پیوندها میان اسرائیل و امارات و بحرین ایجاد می‌شود. عمر تاش پینار همکار ارشد «مؤسسه بروکلین» می‌گوید که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه به دنبال ایجاد وجهه‌ای قدرتمند از ترکیه در منطقه در چشم اخوان المسلمین و صدها میلیون مسلمان است.

او می‌گوید پیمان ابراهیم باعث انزوای ترکیه در منطقه خواهد شد. چرا که اسرائیل چندین کشور متحد ترکیه نبوده. «حالا دولت ترکیه بطور فزاینده‌ای به عنوان حکومتی اسلامگرا شناخته می‌شود.» تاش پینار می‌گوید: «این در احساس خشم، کینه و قرار گرفتن ترکیه در وضعیت یک قربانی نقش دارد. اردوغان با بیان اینکه یکی از معهود متحدان باقیمانده‌ی آرمان فلسطین است، این وضعیت قرار گرفتن در جایگاه قربانی را به امتیازی برای خود بدل خواهد کرد.»

تاش پینار می‌گوید اردوغان تلاش می‌کند نشان دهد که ترکیه یکی از معهود کشورهای است که می‌تواند پویایی موجود در منطقه را که به سمت مشروعیت بخشیدن به اسرائیل می‌رود به چالش بکشد. وی می‌افزاید: «نوعی

گفتگوی مجازی بود که در آن کارشناسان استراتژی، محققان و سیاست‌گذاران از نقاط مختلف جهان شرکت داشتند.

خلیفه شاهین المرار دستیار امور سیاسی وزیر خارجه امارات، که روز چهارشنبه در جلسه «خاورمیانه در میان عقلانیت سیاسی و توهم» شرکت کرده بود، آن را به این شکل شرح داد: «پیمان ابراهیم نمایانگر پروژه‌های عظیم و در حال انجام است. هر چه نتایج عینی بیشتری از این توافق بگیریم، انگیزه بیشتری برای یافتن راه‌های مسالمت‌آمیز برای درگیری‌های جاری پیدا خواهیم کرد.»

● **عمر تاش پینار همکار ارشد «مؤسسه بروکلین»:**

**اردوغان تلاش می‌کند نشان دهد که ترکیه یکی از معدود کشورهای است که می‌تواند پویایی موجود در منطقه را که به سمت مشروعیت بخشیدن به اسرائیل می‌رود به چالش بکشد.**

● **از نظر سیاسی، اردوغان مصمم است به عنوان گامی دیگر در پیام‌های پوپولیستی خود به دنیا و پایگاه داخلی‌اش، این پیام را ارسال کند که طرفدار آرمان فلسطین است.»**

● **«آمریکای تحت ریاست بایدن اهرم‌های اقتصادی زیادی علیه اردوغان خواهد داشت، و اقتصاد آسیب‌پذیرترین نقطه ضعف اردوغان است چرا که ترکیه نفت و گاز ندارد.»**

● **وطنخواه می‌گوید:**

**در صورتی که ایران تصمیم بگیرد گزینه نجات توافق اتمی و گسترش مذاکرات را انتخاب کند، که ممکن است ظرف شش ماه آینده اتفاق بیافتد، پس از آن آمریکا به عنوان یک بازیگر در منطقه مورد قبول جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.**

● **«انتخاب بایدن می‌تواند فرصتی عالی برای تغییر موضع علی خامنه‌ای باشد اما بجای این کار او کل ساختار سیاسی آمریکا را فاسد خواند و از انتخابات کوفته‌فکری اوست.»**

شرکت‌کنندگان در همایش استراتژیک ابوظبی که به تازگی به نتیجه رسیده است معتقدند معاهده‌های امضاء شده بین امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل علیه هیچ کشور دیگری نیست، اما ترکیه و جمهوری اسلامی ایران «بازندگان» بزرگ عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل هستند.

نکته کلیدی در بحث‌های سه روزه این نشست این بود که «پیمان ابراهیم» ضمن ایجاد تحرک برای صلح در کل خاورمیانه، در مورد حل مناقشه اعراب و اسرائیل و دستیابی به آن، یک روش استراتژیک و واقع‌گرایانه است. هفتمین دور این همایش سه ساله که توسط مرکز سیاست‌های امارات سازماندهی شد، شامل پنل‌های

به نظر این پژوهشگر «ایران طی ۴۲ سال گذشته با این باور که می‌تواند با



آلمان به شهروندانش درباره سفر به ایران هشدار داد:

## خطر دستگیری و ابتلا به ویروس کرونا



تمام موارد حقوقی با اشخاص دارای تابعیت ایران مانند افرادی که فقط شهروند ایرانی هستند، رفتار می‌کند. وزارت خارجه آلمان اعلام کرده است، جلوگیری از ورود و خروج شهروندان ایرانی-آلمانی و آلمانی نیز بدون دلیل می‌تواند برای آنها اتفاق بیفتد و پشتیبانی کنسولی از آنان در صورتی که اتفاقی برای آنها در ایران بیفتد، بسیار محدود و یا اصلاً ناممکن است. از همین رو وزارت خارجه آلمان به دو تابعیتی‌های ایرانی-آلمانی توصیه کرده قبل از سفر با نمایندگی دیپلماتیک ایران در خارج از کشور «این موضوع را روشن کنید که آیا شهروند ایرانی هستید» و «اگر تابعیت ایرانی دارید، ضرورت سفر خود را بررسی کنید.» این توصیه در حالیست که جمهوری اسلامی ایران گذشته از اینکه چندین شهروند غیرایرانی و تبعه کشورهای دیگر را دستگیر کرده و به گروگان گرفته است، از نظر حقوقی اساساً دو تابعیتی بودن ایرانیان را قبول ندارد و آنها را تبعه‌ی ایران و تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی می‌داند. وزارت امور خارجه آلمان همچنین در ارتباط با شیوع ویروس کرونا نیز ایران را خطرناک اعلام کرده و نوشته است تمرکز منطقه‌ای شیوع ویروس کرونا در ایران به سختی قابل شناسایی است چراکه خطر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در سراسر کشور بسیار زیاد است. در اطلاعیه‌ی این وزارتخانه به این نکته اشاره شده که ایران دارای منطقه سفید نیست و وزارت بهداشت جمهوری اسلامی کشور را به مناطق قرمز برابر با وضعیت بحرانی، نارنجی وضعیت پر خطر و زرد

● در اطلاعیه‌ی این وزارتخانه، به دستگیری دو شهروند دارای تابعیت آلمانی-ایرانی اشاره و بدون دلیل دستگیر شدن. ● وزارت خارجه آلمان به دو تابعیتی‌های ایرانی ساکن این کشور هشدار داده که مقامات جمهوری اسلامی در تمام موارد حقوقی با آنها مانند افرادی که فقط شهروند ایرانی هستند، رفتار می‌کند و پشتیبانی کنسولی آلمان از آنان بسیار محدود و یا اصلاً ناممکن است. ● ناهید تقوی و مسعود مصاحب از جمله شهروندان دو تابعیتی ایرانی-آلمانی هستند که توسط جمهوری اسلامی دستگیر و در زندان برای گرفتن امتیاز و باج به اسارت و گروگان گرفته شده‌اند.

وزارت امور خارجه آلمان به شهروندانش از جمله ایرانیان دارای تابعیت این کشور اکیدا درباره سفر به ایران و احتمال دستگیری آنها بدون هیچ دلیل مشخصی هشدار داد. آلمان همچنین خطر ابتلا به ویروس کرونا در تمام مناطق ایران را به اتباع خود گوشزد کرده است. وزارت امور خارجه آلمان روز پنجشنبه ۱۹ نوامبر برابر با ۲۹ آبان ماه به شهروندان آلمانی و ایرانیان دارای تابعیت این کشور اکیدا توصیه کرده که از سفرهای غیرضروری به ایران خودداری کنند. وزارت امور خارجه آلمان همچنین در مورد سفرهای گردشگری و غیرضروری به ایران اخطار داده و بر خطر ابتلا به کرونا در این کشور تأکید کرده است. در اطلاعیه‌ی این وزارتخانه، به دستگیری دو شهروند دارای تابعیت آلمانی-ایرانی اشاره شده و تأکید شده که آنان بدون دلیل دستگیر شده‌اند. وزارت خارجه آلمان به شهروندان دو تابعیتی ایرانی-آلمانی هشدار داده که مقامات جمهوری اسلامی در

هشدار هلند به مخالفان جمهوری اسلامی:

## به کشورهای غیراروپایی سفر نکنید! ربوده شده و به ایران برده می‌شوید!



دولت هلند که در این سال‌ها تجربه‌های تلخ ترور و ربوده شدن فعالان سیاسی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را در آن کشور و همسایگان اروپایی خود به وسیله تروریست‌های رژیم ولایت فقیه که در پوشش دیپلمات به خارج اعزام می‌شوند دارد، روز جمعه این هفته به دنبال ربوده شدن حبیب فرج‌الله «حرکت النضال» در ترکیه و انتقال او به ایران، به فعالان سیاسی و مخالفان رژیم جمهوری اسلامی هشدار داد به کشورهای غیراروپایی سفر نکنند.

در بیانیه سرویس اطلاعات و امنیت هلند تأکید شده ایرانیان ساکن هلند و دیگر کشورهای اروپایی باید آگاه باشند اگر به هر دلیل به ممالک غیراروپایی سفر کنند، خطر ربوده شدن از سوی عوامل رژیم جمهوری اسلامی و انتقال به ایران در کمین آنان است. تعداد قابل توجهی از مخالفان رژیم حاکم بر ایران در هلند که مقر دادگاه بین‌المللی لاهه نیز در آنجاست زندگی می‌کنند و این کشور به عنوان یکی از مراکز با اهمیت فعالان سیاسی ایرانی در خارج شناخته می‌شود که در این سال‌ها چندین بار شاهد سوء قصد به جان مخالفان رژیم ایران و قتل آنها بوده است.

حبیب فرج‌الله جعب که به نام «حبیب اسبود» شهرت دارد در ماه اکتبر ۲۰۲۰ در شهر استانبول ناپدید شد. وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی روز چهاردهم نوامبر خبر ربودن او را در ترکیه اعلام کرد و تلویزیون حکومتی نیز قسمت کوتاهی از اعتراضات او را که طبق معمول زیر فشار و تهدید و قول آزادی از وی گرفته شده بود، پخش نمود. او گفت: در حمله به مراسم رژه نظامی در سپتامبر سال ۲۰۱۸ در اهواز دست داشته است. گروه حرکت «النضال» همان «جنبش عربی

آزادبخش الاحواز» است. چند ماه پیش از ربوده شدن حبیب اسبود، روح‌الله زم خبرنگار و مؤسس وبسایت و کانال تلگرامی خبری «مدنیوز» با نیرنگ از فرانسه به عراق کشانده شد و سپس از بغداد به تهران منتقل گردید و در ماه ژوئن امسال به اعدام محکوم شد. جمشید شارمهد سخنگوی «انجمن پادشاهی ایران» و مدیر رادیو «تندر» نیز هنگام سفر به امارات در دبی توسط مأموران جمهوری اسلامی روز شنبه اول ماه اوت ۲۰۲۰ ربوده و به ایران برده شد و به اعدام محکوم گردید. تشکیلات اطلاعاتی هلند در سال ۲۰۱۹ ضمن انتشار گزارشی طولانی در رابطه با تلاش سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران در کشورهای مختلف برای ربودن و ترور مخالفان جمهوری اسلامی هشدار داده بود. چند سال پیش یکی از اعضای سازمان مجاهدین به نام محمدرضا کلاهی که در انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی دست داشت و با نام کانادا و آمریکا شده‌اند، با همکاری وکلای خارجی و اعلام سابق آنان برای آنها پرونده‌های جنایی تشکیل داده‌اند که برخی از آنان دستگیر و در بازداشت بسر می‌برند.

## «پنج عضو سپاه قدس» در حمله هوایی ارتش اسرائیل به سوریه کشته شدند



آخرین حملات اسرائیل به سوریه در ماه سپتامبر به حلب و جنوب قنبره در ماه اکتبر بود

در این حملات یک سایت مخفی که اقامتگاه مقامات ارشد سپاه قدس بود و میزبان هیئت‌های عالی رتبه ایرانی است، واقع در جنوب شرقی دمشق هدف قرار گرفته است. همچنین مقر «لشکر ۷» که در جنوب بلندی‌های جولان مستقرند و پرسنل سپاه قدس از آنجا فعالیت‌های تروریستی را علیه اسرائیل هدایت می‌کنند بمباران شد. جمهوری اسلامی ایران اغلب در مورد تلفات نیروهای خود در سوریه به ویژه در حملات نظامی اسرائیل یا سکوت کرده و یا کشته شدن آنها را انکار می‌کند اما مدتی بعد مجبور می‌شود بی‌سر و صدا اجساد آنها را که به کشور بازگردانده می‌شوند در شهرهای مختلف دفن کند. مقامات امنیتی اسرائیلی پیش‌بینی کرده‌اند در صورت بازگشت احتمالی دولت آینده ایالات متحده به برجام، جمهوری اسلامی نیروهای نظامی خود در منطقه را تقویت و تهدیدات علیه اسرائیل را افزایش خواهد داد. در هفته‌های اخیر مقامات اسرائیل بارها نسبت به تصمیم احتمالی دولت بعدی آمریکا برای احیای توافق اتمی هشدار داده‌اند.

پیام به ایران برای خروج از سوریه» به ویژه در مناطق مرزی بوده است. اسرائیل در هفته‌های اخیر چند حمله در بلندی‌های جولان را خنثی کرد. در اولین ساعات چهارشنبه ۱۸ نوامبر هوایی‌های جنگنده اسرائیلی در واکنش به تلاش نیروهای ایرانی برای کار گذاشتن مین و تله‌های انفجاری دست‌ساز در مسیر سربازان اسرائیلی، اهدافی در سوریه را مورد حمله قرار دادند. وزارت دفاع اسرائیل در توییتی با انتشار تصویر تعدادی از مین‌های خنثی شده می‌نویسد «ایران و اسرائیل هیچ مرز مشترکی ندارند. در واقع تهران هزار مایل با اورشلیم فاصله دارد. پس چرا نیروهای سوری به رهبری رژیم ایران در مرز اسرائیل و سوریه مین کار گذاشتند؟ زیرا ترور رژیم ایران هیچ مرزی نمی‌شناسد. خوشبختانه ما اینجاییم تا آنها را متوقف کنیم.» سخنگوی ارتش اسرائیل می‌گوید در این حملات تعدادی از تأسیسات تحت کنترل نیروی قدس و چند انبار تسلیحات و مخازن سوخت هدف قرار گرفتند. براساس اطلاعیه ارتش اسرائیل

● در اولین ساعات چهارشنبه ۱۸ نوامبر هواپیماهای جنگنده اسرائیلی در واکنش به تلاش نیروهای ایرانی برای کار گذاشتن مین و تله‌های انفجاری دست‌ساز در مسیر سربازان اسرائیلی، اهدافی در سوریه را مورد حمله قرار دادند.

● وزارت دفاع اسرائیل: ایران و اسرائیل هیچ مرزی با هم ندارند. پس چرا نیروهای سوری به رهبری رژیم ایران در مرز اسرائیل و سوریه مین کار گذاشتند؟ زیرا ترور رژیم ایران هیچ مرزی نمی‌شناسد!

ارتش اسرائیل می‌گوید یک پایگاه فرماندهی «نیروهای ارشد ایرانی» در نزدیکی فرودگاه دمشق را در پاسخ به تلاش برای حمله به مرز اسرائیل هدف قرار داده و برای مقابله با حملات احتمالی در حالت آماده‌باش بسر می‌برد. در این حمله که بمباد چهارشنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰ (۲۸ آبان ۱۳۹۹) صورت گرفت شماری از نیروهای رژیم بشار اسد و شماری از اعضای سپاه قدس بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند. آسوشیتدپرس به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن گزارش داد سه نفر از کشته‌شدگان سوری و حداقل پنج نفر دیگر عضو سپاه قدس بودند. برخی منابع از جمله «شینهوا» می‌گویند تعداد کشته‌شدگان ۱۰ نفر بوده است. وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرد که هدف از انجام حملات هوایی «ارسال

## بازداشت آرشام رضایی فعال پادشاهی خواه برای اجرای حکم ۸.۵ سال زندان

او درباره حکم صادر شده برای آرشام رضایی به کیهان لندن گفته که وی با اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «توهین به مقام رهبری» محاکمه و در نهایت به هشت سال و نیم زندان محکوم شد.

این منبع آگاه به کیهان لندن گفته که یکی از موارد مطرح شده به عنوان مصادیق جرم در دادگاه عضویت آرشام رضایی در گروه‌های تلگرامی از جمله گروه‌های مرتبط با پادشاهی خواهان و هوادار شاهزاده رضا پهلوی و شهبانو فرح پهلوی و سازمان جوانان «پان ایرانیست» بوده است. همچنین «دعوت برای شرکت در اجتماعات» و حضور آرشام در تجمعات اعتراضی و اقداماتی مانند حضور در خیابان برای «براندازی جمهوری اسلامی و جایگزین کردن پادشاهی» از جمله موارد دیگر مطرح شده در پرونده اوست.

آرشام رضایی درباره خودش در صفحه توئیترش نوشته که «کارگری معترض بودم. به زندان افتادم و سیاسی شدم. در بیدادگاه انقلاب محکوم شدم به ۸ سال و نیم حبس و کار در زندان اوین؛ برای لقمه‌ای نان.» در متن حکم صادر شده برای آرشام رضایی آمده که او در فراخوان و دعوت در فضای مجازی برای برگزاری اجتماعات گفته بود «چند روز در خیابان می‌مانیم تا نظام عقب‌نشینی کند» و «اعلام داشته که مبارزه می‌کند چون براندازی است» و «قدم در راه براندازی گذاشته است.»



چند مأمور به خانه آمدند و او را بازداشت کرده و برادرزاده او را هم که در خانه بود بازداشت کرده و با خود برده‌اند.» به گفته این منبع آگاه «مأموران امنیتی حکمی در دست نداشتند و مشخص نیست علت بازداشت چه بوده و هیچ توضیحی هم نداده‌اند. برادرزاده جوان او را هم بردند. ساعتی پس از بازداشت مشخص شد که آرشام را برای اجرای حکم به این شکل و بدون هیچ اطلاع قبلی درباره رفتن به اجرای احکام یا احضار به زندان، بازداشت کرده‌اند.» این منبع آگاه گفته که «آرشام با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد بود و اگر حکم صادر شده به اجرای احکام رفته بود باید به او و وثیقه‌گذار اطلاع داده می‌شد در حالی که تا جایی که ما اطلاع داریم هیچ تماسی هم با وثیقه‌گذار گرفته نشده و به نظر می‌رسد هدف این بوده که آرشام بطور ناگهانی بازداشت شود. این کار مقامات قضایی و امنیتی تخلف است و فکر می‌کنیم قصدشان آزار بیشتر آرشام بوده است.»

● یک منبع آگاه به کیهان لندن: آرشام با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد بود و اگر حکم صادر شده به اجرای احکام رفته بود باید به او و وثیقه‌گذار اطلاع داده می‌شد در حالی که تا جایی که ما اطلاع داریم هیچ تماسی هم با وثیقه‌گذار گرفته نشده است. ● آرشام رضایی درباره خودش در صفحه توئیترش نوشته که «کارگری معترض بودم. به زندان افتادم و سیاسی شدم. در بیدادگاه انقلاب محکوم شدم به ۸ سال و نیم حبس و کار در زندان اوین؛ برای لقمه‌ای نان.»

روشنک آسترکی - مأموران امنیتی لباس شخصی با حمله به منزل پدری آرشام رضایی فعال سیاسی پادشاهی خواه او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. پادشاهی خواه ظهر روز سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۹ بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. این فعال سیاسی پیشتر در دادگاهی به ریاست قاضی مقیسه به ۸.۵ سال زندان محکوم شده بود. یک منبع آگاه گفتگو با کیهان لندن: «آرشام رضایی در منزل پدری‌اش در اسلامشهر بازداشت شد.







## بر کسیت انگلیس، جلیقه زردهای فرانسه و بحران انتخابات آمریکا!

# واکنش ناگزیر آسیب دیدگان در برابر گلوبالیسم



موافقان گلوبالیسم خواهان پذیرش  
مناسبات جدید یعنی ایجاد تعادل  
تازه بین واشنگتن و پکن بوده و  
معتقد به نظریه «تعادل دوقطبی» در  
اداره‌ی جهان هستند

● دو دستگی و قطب‌بندی مردم در انتخابات آمریکا و بر کسیت انگلیس در حقیقت بازتابی از موافقت‌ها و مخالفت‌ها با ایده‌ای است که بسیاری از آن با عنوان «جهانی شدن» (Globalism) یاد می‌کنند. ● با آنکه گلوبالیسم ایده جدیدی نیست چرا جریان ضد گلوبالیسم در آمریکا زودتر از اینها ظهور نکرد؟ اینک اختلافات و قطب‌بندی در آمریکا هیچگاه به این شدت نبوده آیا به دلیل حضور شخصیتی مانند ترامپ است و یا اینکه از عواملی فراتر از فرد ناشی می‌شود؟

● گلوبالیسم با شعار «گسترش مدرنیته» و «انترناسیونالیسم اقتصادی» به رقابت با ناسیونالیسم می‌افتد تا بتواند منافع ملی کشورها را به سود «اقتصاد آزاد جهانی» تضعیف و یا در چارچوب آن بازتعریف کند. با کمرنگ شدن منافع ملی و تقویت منافع بین‌المللی، تولیدات بومی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند، هویت ملی تضعیف می‌شود، و دولت‌ها در حد ایالت‌های فدرال جهانی نزول می‌کنند. ● تغییرات اساسی، جهان را به مسیری انداخته که متوقف کردن آن و برگرداندن به مسیر قبلی مستلزم نیرویی بسیار فراتر از آنست که در نظم فرسوده و بحران‌زده کنونی وجود دارد. شوکی که با آمدن ترامپ بر چین و اتحادیه اروپا وارد شد بزرگتر از آن است که با مرهمی به نام بایدن ترمیم شود. اروپا در قلب این تحول قرار گرفته و در دو سوی آن آمریکا و چین قرار دارند.

محمدرضا حسینی - با نگاهی عمیق‌تر به بحران انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا در می‌یابیم که این بحران با وجود تکرارهای رسانه‌ها، نه جنگ داخلی مردم با مردم است و نه جنگ ترامپ و بایدن با یکدیگر. این بحران در واقع یک بُعد از بحران بزرگتری در جهان است که چنین در آمریکا نمود پیدا کرده است. همانطور که در انگلیس به شکل خروج از اتحادیه اروپا یا برکسیت (Brexit) خود را نشان داد و در فرانسه تحت عنوان نهضت جلیقه زردها، در آینده نه چندان دور نیز شاهد نمونه‌های مشابهی در دیگر کشورهای اروپایی خواهیم بود به ویژه در کشورهای بیش از حد مقروض در حوزه یورو از قبیل پرتغال، ایرلند، ایتالیا، یونان و اسپانیا.

دو دستگی و قطب‌بندی مردم در انتخابات آمریکا و بر کسیت انگلیس در حقیقت بازتابی از موافقت‌ها و مخالفت‌ها با ایده‌ای است که بسیاری از آن با عنوان «جهانی شدن» (Globalism) یاد می‌کنند. سیاست کلی جناح دموکرات آمریکا در جهت طرفداری از این ایده و سیاست کلی جناح جمهوریخواه در جهت مخالف با آن است. با کمی

وابستگی بیش از حد دیگر کشورها به ابرقدرت‌های اقتصادی اشاره کرده و تأکید می‌کنند که وابستگی کشورها به «زنجیره تامین جهانی» آنها را به حدی آسیب‌پذیر می‌کند که اندکی تحریم می‌تواند به نتایج فاجعه‌بار برای آنها منجر شود. گلوبالیسمی که در دهه هفتاد میلادی متولد شد پیش از آنکه به بلوغ برسد درگیر بحران جهانی ۲۰۰۸ شد، سپس بر اثر برکسیت به ضعف افتاد و اینک بیماری کرونا گریبانش را گرفته است. در آمریکای امروز دو نظر متفاوت نسبت به گلوبالیسم وجود دارد: موافقان گلوبالیسم خواهان پذیرش مناسبات جدید یعنی ایجاد تعادل تازه بین واشنگتن و پکن بوده و معتقد به نظریه «تعادل دوقطبی» در اداره‌ی جهان هستند. آنها در تضعیف ناسیونالیسم به سود جهان متحد مشکلی نمی‌بینند و «انترناسیونالیسم اقتصادی» را راه جلوگیری از جنگ‌ها می‌دانند.

مخالفان گلوبالیسم با اشاره بر ماهیت ضدملی «جهانی شدن» و امکان ظهور یک دیکتاتوری وحشتناک جهانی توسط چین، «تعادل دوقطبی» را چیزی جز یک «یک‌قطبی عقب‌افتاده» نمی‌دانند که فقط به بروز یک جنگ جهانی دیگر، برای تثبیت موقعیت این قطب و تقسیم جهان منجر خواهد شد. اما خارج از بحث موافق و مخالف، توده‌های مردم هستند که نگران آینده مهیمن خود هستند و سرگردان در میان شعارهای فریبنده پوپولیست‌های چپ و راست و موافق و مخالف.

تغییرات اساسی، جهان را به مسیری انداخته که متوقف کردن آن و برگرداندن به مسیر قبلی مستلزم نیرویی بسیار فراتر از آنست که در نظم فرسوده و بحران‌زده کنونی وجود دارد. شوکی که با آمدن ترامپ بر چین و اتحادیه اروپا وارد شد بزرگتر از آن است که با مرهمی به نام بایدن ترمیم شود. اروپا در قلب این تحول قرار گرفته و در دو سوی آن آمریکا و چین قرار دارند.

شی جین‌پینگ رئیس جمهوری خلق چین و جو بایدن معاون وقت باراک اوباما، پکن؛ دسامبر ۲۰۱۳ اتحادیه اروپای امروز متزلزل‌تر از زمانیه است که به فرم‌های بین‌المللی دیوید کامرون نخست‌وزیر وقت انگلیس پوزخند می‌زد. اروپای امروز در یک اتحادیه نامطمئن دوقطبی شده بسر می‌برد بطوری که از یکسو عده‌ای از مرگ مغزی ناتو سخن می‌گویند و عده‌ای نگران فروپاشی اتحادیه هستند؛ و هر دو قطب در فضای مه‌آلود حاصل از ناتوانی یورو در حل مشکلات محلی بر سر و روی یکدیگر می‌کوبند.

رشد مبادلات بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیازمند مناسبات جدیدتریست. وضعیت سابق نمی‌تواند ادامه پیدا کند و آزمون‌ها نشان داد که نظم گلوبالیسم نیز نمی‌تواند پاسخگوی پویایی‌های جدید بین‌المللی باشد. سرمایه‌داری در مرحله گذار تکوینی خود است و هیچکس راه حل مشخصی برای آن ندارد و به نظر نمی‌رسد که بازگشت به گذشته و تکرار حکومت‌های گلوبالیست‌ها در داوس سویس، توافق دوحه (۲۰۰۱)، نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا (۲۰۱۱) و غیره تا کنون نتوانسته برای از میان برداشتن موانعی که بر سر راه گلوبالیسم قرار دارد راه حل مناسبی بیابد. اینک عده‌ای در آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی از «روند معکوس» یعنی بازگرداندن مراکز تولیدی به کشور خود سخن می‌گویند. امروز مخالفان گلوبالیسم به

فشاری که دولت‌ها و مردم را بیش از پیش رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد. بهترین نمونه آن نهضت جلیقه‌زدها در فرانسه است. به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در ۲۰۱۶ در واقع آغازی بود بر ضد روند گلوبالیسم. بحران کرونا بیشتر از هر بحران دیگر باعث روشن‌تر شدن ایرادهای گلوبالیسم شد. تردیدها نسبت به گلوبالیسم حتی پیش از این شروع شده بود: زمانی که بحران اقتصادی که از ۲۰۰۷ در آمریکا آغاز و در ۲۰۰۸ همچون ویروس به همه جا پخش شد و جهان را درگیر یک رکود بی‌سابقه کرد. علت گسترش این بحران معروف به بحران نقدینگی، سرآغاز تردیدهای جهانی به وابستگی‌های مالی و اقتصادی به دیگر کشورها شد و نظریه‌پردازان نسخه «فاصله‌گذاری اقتصادی» را پیچیدند؛ چیزی شبیه به «فاصله‌گذاری اجتماعی» در بحران کرونا.

روند گلوبالیسم که در ابتدا به سرعت می‌تاخت و طرفداران بی‌شماری داشت در مواجهه با مشکلات و بحران‌های مختلف، دچار شک و ابهام شد و تبلیغات وسیع گلوبالیست‌ها در رسانه‌های بزرگ و پر مخاطب دنیا روز به روز کم‌اثرتر شد. اجلاس نسبتاً مخفیانه پنجاه کشور در ژنو، با عنوان «بازسازی خدمات»، نشست سالانه گلوبالیست‌ها در داوس سویس، توافق دوحه (۲۰۰۱)، نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا (۲۰۱۱) و غیره تا کنون نتوانسته برای از میان برداشتن موانعی که بر سر راه گلوبالیسم قرار دارد راه حل مناسبی بیابد. اینک عده‌ای در آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی از «روند معکوس» یعنی بازگرداندن مراکز تولیدی به کشور خود سخن می‌گویند.

امروز مخالفان گلوبالیسم به

بیشتری می‌یابد. محصولات تولیدی انبار می‌شوند و سرایش زبانه‌ی برای سرمایه‌دار سرعت می‌گیرد. سرمایه‌دار برای از این بحران نیازمند به یافتن بازارهای جدید است و گلوبالیسم به عنوان مرحله بعدی سرمایه‌داری، ایده‌ایست برای بزرگ کردن بازار به وسعت جهان. گلوبالیسم یعنی آزادسازی تجارت؛ یعنی باز کردن فضا برای رشد بیشتر سرمایه؛ یعنی تدوین و اجرای قوانین مشخصی که تمام جهان را زیر پوشش خود بگیرد؛ یعنی ایجاد امنیت تولید و فروش؛ یعنی اقتصاد واحد جهانی و اتخاذ سیاست‌های لازم؛ یعنی از بین رفتن مرز میان بازارها و تبدیل شدن همه آنها به یک بازار بزرگ جهانی تحت قوانین مشخصی که توسط کارتل‌ها و غول‌های فراملیتی تدوین می‌شود.

روند گلوبال شدن با هدف ایجاد یک سیستم واحد اقتصادی در تمام نقاط جهان بطور یکپارچه، مستلزم تغییرات اساسی در ساختار سیاسی اقتصادی دولت‌ها و کشورها به منظور ایجاد مناسبات هماهنگ با قوانین گلوبالیست‌هاست. گلوبالیسم با شعار «گسترش مدرنیته» و «انترناسیونالیسم اقتصادی» به رقابت با ناسیونالیسم می‌افتد تا بتواند منافع ملی کشورها را به سود «اقتصاد آزاد جهانی» تضعیف و یا در چارچوب آن بازتعریف کند. با کمرنگ شدن منافع ملی و تقویت منافع بین‌المللی، تولیدات بومی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند، هویت ملی تضعیف می‌شود، و دولت‌ها در حد ایالت‌های فدرال جهانی نزول می‌کنند.

ضعیف کردن دولت‌ها یکی از عمده ایرادهایی است که به گلوبالیسم گرفته می‌شود. دولت‌ها که به دلایل مختلف درگیر مشکلات روزافزون و پیچیدگی‌ها در جامعه خود هستند، اینک با فشار مضاعف برای تسریع روند گلوبالیسم روبرو می‌شوند؛

بی‌رقیب آمریکا در جهان» است. البته نگرانی‌های تئوریسین‌های مخالف گلوبالیسم صرفاً به «ظهور یک ابرقدرت جدید» محدود نمی‌شود. موارد دیگری هست که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد. گلوبالیسم چیست؟ جهان چگونه به این مرحله بحرانی رسید که برخی آن را به عنوان راه حل توصیه می‌کنند و عده‌ای در مقابل آن می‌ایستند؟ با آنکه در این‌باره بسیار گفته و شنیده شده باز ناچار هستیم که به صورت خلاصه و فهرستوار به آن اشاره کنیم.

برخی باور دارند که اعلام رسمی تولد گلوبالیسم توسط «تاچر-ریگان» انجام شد که سرآغازی بود بر هجوم کارخانجات و تولیدات صنعتی به کشورهایمانند چین و هند که به علت وجود نیروی کار فراوان و ارزان به کاهش هزینه، کاهش قیمت تمام شده، بالا رفتن قدرت رقابت و در نتیجه سود بیشتر می‌انجامید. اما علت اصلی ظهور گلوبالیسم در ساختار انبساطی سرمایه‌داری و ماهیت «سرمایه‌ی رشدیابنده» است. «پویایی سرمایه» که یکی از علل مهم رشد اقتصادی است هر بار خود به عامل بحران تبدیل می‌شود. همانگونه که مارکس پیش‌بینی می‌کرد سرمایه‌داری ماهیتی بحران‌زا دارد: بحران ساختاری «نباشت شدید سرمایه» که بر اثر ازدیاد تولید رخ می‌دهد (و آنهم در نتیجه عوامل متعددی از قبیل اتوماسیون صنعتی، پژوهش‌ها، اختراعات و کشفیات جدید علمی، رشد تکنولوژیک، مدیریت هوشمندانه‌تر، یافتن منابع و نیروی کار ارزانتر و... است). بر اثر ازدیاد تولید و اشباع بازار، آهنگ فروش کند می‌شود و روند «کاهش سود» آغاز می‌شود. برای جبران کاهش سود، دستمزدها را کاهش می‌دهند. در نتیجه، قدرت خرید مردم کمتر شده و فروش محصولات کاهش

اغماض شاید بتوان گفت که هواداری از ترامپ به معنای مخالفت مستقیم و یا غیرمستقیم با گلوبالیسم است، همانگونه که طرفداری از برکسیت نیز بود. طبق آمار رسمی، در بریتانیا، حامیان برکسیت عمدتاً در مناطقی زندگی می‌کنند که به سختی از روند «جهانی‌سازی» آسیب دیده‌اند، در حالی که مدافعان ماندن در اتحادیه اروپا عموماً در شهرهای بزرگ بسر می‌برند و صرفاً با خدمات در ارتباط هستند و نه با تولید، کشاورزی، دامپروری و ماهیگیری.

با آنکه گلوبالیسم ایده جدیدی نیست چرا جریان ضد گلوبالیسم در آمریکا زودتر از اینها ظهور نکرد؟ اینک اختلافات و قطب‌بندی در آمریکا هیچگاه به این شدت نبوده آیا به دلیل حضور شخصیتی مانند ترامپ است و یا اینکه از عواملی فراتر از فرد ناشی می‌شود؟ واقعیت این است که آمریکا تا مدت‌ها نه تنها با گلوبالیسم مشکل نداشت بلکه آن را تبلیغ هم می‌کرد زیرا باعث یکه‌تازی آمریکا در عرصه جهانی می‌شد و تنها زمانی که متوجه کاهش رشد آمریکا (کمتر از دو و نیم درصد) و افزایش رشد تجاری چین و آلمان (چین حدود ده درصد و آلمان بیش از پنج درصد) شدند به این نتیجه رسیدند که چین بیشتر از هر کشور دیگر از گلوبالیسم سود برده بطوری که برخی از تئوریسین‌های اقتصادی، گلوبالیسم را «قطار پر سرعت توسعه‌ی چین» تعریف کردند. نگرانی‌ها از آن زمان شروع شد و تقصیر وقتی به گردن ایده گلوبالیسم افتاد که مسیری که منجر به ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت هم‌تراز با آمریکا می‌شود، تشخیص داده شد. بنابراین در اتاق‌های فکر و بنیادهای مختلف به بحث و بررسی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که «رشد سریع چین خطری محدودکننده علیه سلطه